باستانشناسی افغانستان

دافغانستان لرغون پېژندنه

شماره دوم سال ششم
حوت ۱۳۶۳
1364

آنچه درین شماره میخوانید

شماره	عنوان مضمون	نویسنده	صفحه
۱ــ	یادداشت اداره		۱
۲ــ	سوابق تاریخی سیستان	معاون محقق غلام رحمن امیری	۳
۳ــ	تحول هنر گریکو بودیك	محقق صدیق‌الله عتیق‌زوی	۲۵
٤ــ	ددنگاریانو اوتخاریانو ...	دسرمحقق دوست شنواری (ژباړه)	٤۹
۵ــ	دپنج حفریات	دهلالی (ژباړه)	۵۳
٦ــ	اخبار	اداره	۵۵

شرح روی جلد : کله ستوکی مجسمهٔ بودا
مکشوفه حفریات تپه مرنجان

PROPERTY OF ACKU S672

مجله‌ششماهه تحقیقی وعلمی باستانشناسی

شماره دوم سال ششم | حوت ۱۳۶۳ | شماره مسلسل ۱۲

یادداشت اداره

جای شك وتردید نیست‌که کشور عزیزما افغا نستان دارای ابعاد قابل اهمیت از رهگذر ساحات باستانی و گنجینه های ارزشمند فرهنگی وتار یخی میباشد که بیش از پیش توجه محققان وپژو هشگران علم باستا نشناسی را بخود جلبکرده است، از سوی دیگر حفریات باستا نشناسی دراعماق بقایا وبازیافت های ناشنا خته در مناطق گوناگون کشور ما تغیرات وتعبیرات قابل ملاحظه یی‌را در بررسی دور نمای چندین هزار ساله تاریخ ما وارد آورده که استنتاج ازآن ازلحاظ کمیت کیفیت در تاریخ جهان باستانی بخصوص‌در **تاریخ منطقه (آسیا یمرکزی) برجستگی** خاصی دارد .

په گواهی این نتایج وباز یافت‌ها در اثر کاوش های دقیق باستا نشناسی هرکدام ازین حوزه ها ی باستانی وکانون های تاریخی درخود تمدن هاو فرهنگ های درخشانی را گنجا نیده‌که مبین زندگی اجتماعی ، اقتصادی ، وفرهنگی‌مردمانی‌است‌که درطول زمان وارد صنحه تاریخ گردیده اند .

مراحل گونا گون نشیبو فراز این کانون هابه استناد فعا لیت های باستا نشناسی تشخیص شده ونقش تکاملی پدیده های‌راکه درشگو فانی تاریخ وزندگی اجتماعی مؤثر بوده اشکار ساخته است .

تداوم وگسترش تحقیقات تاریخی وباستا نشناسی در بقایا وباز یافت های‌بدست آمده‌درین کانون تاریخی درطول سال‌های‌دور ونزدیك گذشته تاریخی کشور کهن سال مارا ابعاد گسترده داده ومیدهد زیرا درین کانون های باستانی آثار وبقایای دوره های مختلف تاریخ موجود است

ازآثار دوره‌های‌سنگ (ماقبل‌التاریخ) گرفته تادوره های تاریخی پیش از اسلام و بعد از اسلام .

کاوش‌های قانونی وعملی درکشور ما از سال ۱۹۲۲ بدینسو از طرف پژو هشگران داخلی و خارجی آغاز گردید که درطول این مدت ساحات مختلف وآثار زیاد تاریخی مربوط دوره‌های مختلف‌کشف وتثبیت‌گردید که نظایرآن درمنطقه وحتی درجهان کمتر بدست آمده است .

نمونه های گونا گون ومتنوع‌ازین بازیافت های روشنگرانه وپربها را درصدها مجموعه های باستانی از هده ، بگرام ، بامیان وغزنی گرفته تانمونه های نایاب سرخ کوتل ، آی خانم و طلاتپه میتوان مشاهده و بررسی کرد .

بعد از پیروزی انقلاب شکوه‌مند ثور بخصوص مرحله تکاملی آن باستان شناسی افغا نستان درپرتو اهداف والاو مترقی انقلاب که راه انکشاف وتکامل علوم را در زمینه پژوهش های اجتماعی ، اقتصادی سیاسی ، فرهنگی هموار ساخته امکان بالندگی وبار وری بیشتر یافته که نمونه های چشمگیر و ارزنده آنرا در ادامه وگسترش فعا لیت های پروژه های ترمیم آبدات

باستانی هرات ترمیم روضه مبارک مزار شریف برج‌شهرارا وکاوش‌های تحقیقی و علمی ساحه جدید تپه مرنجان میتوان یاد آورشد . درسال جاری این فعالیت ها مخصوصاً در پروژه برج شهرارا و تپه مر نجان مطابق پلان مرتبه ادامه یافت و نتایجی ارزشمند ازآن بدست آمده است .

در پروژه ترمیم برج شهرارا به تعقیب سال گذشته به امتداد ۱۱۳ مترطول و ۷۵ /۳ متر ار تفاع دیوار اصلی برج حفریات پاک کاری و بشکل فنی واساسی ترمیم گردیده‌و به اندازه ۱۰۰ متر مکعب خاک بر داری گردیده وبعضی از قسمت‌های برج که روبه تخریب بوده دوباره ترمیم وپلستر کاری شده است .

درساحه باستانی تپه مرنجان‌به ادامه حفریات سال ۱۳۶۲ در قسمت های مختلف سا حه سنداژ های امتحانی کاو ش گردید که زیاتر در قسمت شمال شرقی معبد صورت گرفته که در نتیجه حفریات سال ۱۳۶۳ آثار وآبدات پرارزش کشف وبدست آمده که میتوان از آنجمله چند اثر محدودآنرا دراین‌جا تذکر دهیم آبدات کشف کنو نی تپه مرنجان عبارت از ستوپه های مربع شکل کوچک که درسمت شمال وشر قی ستوپه بزرگ که تاکنون یک بخش کم آن کاوش گردیده کشف وپاک کاری شده است ودر چهار- اطراف ستوپه‌های کوچک وزیردیوار قسمت شمالی وشرقی‌ستوپه بزرگ مجسمه‌های سنگی‌وگلی بودائی‌کشف وبدست آمده است که راپور علمی آ ن بطور جدا گانه به نشر خواهد رسید .

باپایان مرحله دوم کاوش تپه مرنجان که آثار وآبدات قابل ملاحظه ازآن تاکنون بدست آمده دور نمای علمی وتحقیقی آن هم اکنون بسیار روشن وامید بخش مینماید وچنانکه درنظر است اگرکاوش وتحقیق‌درین پروژه در دوره های بعدی طی سال های آینده نیز باپیگیری ودقت زیاد دنبال شود درآنصورت بدون تردید نتایج سودمند و ارجناکی از آن در زمینه غنای بیشتری بازما نده ها و دستآورد های تاریخی کشور کهن سال ما بدست خواهد آمد.

قابل یاد آوری است که تحقیقات وکاوش های علمی در آثار و باز یافت های باستانی درپروژه های‌یاد شده تماماً بوسیله دانشمندا نوکار شناسان انستیتوت باستا نشناسی انجام مییابد واین زمینه یی است که دانشمندان وکار شنا سان جوان ماتوانمندی های علمی ومسلکی خود را درآن بکار می‌برند ودرین زمینه راه پرپیچ‌وخم پژوهش های مستقلا- نه علمی را درجلو را هیان دانش اندیشه وفرهنگ می‌کشا یند واین خود مایه امید واری بزرگی است در راه تکامل وشگو فانی دانش و تحقیق در کشور انقلابی ما .

تحقیق و نگارش:
معاون محقق غلام رحمن امیری

سوابق تاریخی سیستان

اصطلاح سیستان درجریان تاریخ گاهی بیك ساحه خورد و گاهی با راضی وسیعی اطلاق گردیده است. جهت روشن شدن بهتر موضوع لازم میدانیم قبل از ارزیابی و مقایسه ساحات باستانی در سیستان ایرانی وافغانی راجع باین اصطلاح ومحدوده آن در گذشته و اینکه اخیراچطور سیستان بدو پارچه تقسیم شده است قدری صحبت کنم .

سیستان باستان حصه ئی از جنوب غربی افغانستان و قسمتی از حاشیه شر قی ایرا ن امروزه را احتوا مینمود راجع بحدود سابقه آن بین مورخین وجغرافیه دانان اختلاف نظر موجود است ولی واضح است که سیستان در سابق یك ساحه وسیعتر را نسبت به امروز احتوا میکرد.

ایالتی راکه ساکه‌ها دراواخر قرن دوم قبل از میلاد اشغال کردند وبه تعقیب به نام ایشان (ساکستانا) نامیده شد تقریباً هلمند وسطی رانیز دربر میگرفت البته به‌یقین نمی‌توان گفت که در دوره های مختلف کدام نواحی مربوط به سیستان بود اما این واضحست که در سابق تا علاقه های قندهار نیز بعضی اوقات در زیراین نام امده است (۱) و در جغرافیای حافظ ابرو شهر بست اولین شهر سیستان معرفی گردیده است (۲) .

سیستا ن معاصر یك ساحه نسبتا فرورفته را در بر میگیرد. این ساحه را از طرف جنوب دامنه های شمالی کوه سلطان وکچه کوه Kacha koh و از سمت غربنشیبی های تپه های پلنگا ن) Palangan (وبندان Bandan) احاطه نموده است و از جانب شمال نواحی حاصلخیز قلعهٔ کاخ(Kala-i-kakh)فراه .... و سبز وار (شین دند امروز) آنرا از حوزه حاصل خیز هرات مجزا میسازد. از طرف شرق سیستان محدود به حواشی اراضی مرتفعی است که از دامنه های نواحی کوهستانی زمینداور و غور شروع شده وبطور نشیب بطرف جنوب امتداد یافته است (۳) طول اعظمی سیستان تقریبا ۱۰۰ میل و عر ض آ ن ۷۰ تا ۱۰۰ میل بوده ومساحت آن در حدو د ۷۰۰۶ میل مربع میبا شد (٤)

قبل از آمدن اسکائیان درسیستا ن امور جیزیان Amurgisis شاخه از ساکه های قدیمی)در سیستان متوطن بودند . صورت آمدن و وقت ورود آنها در این حوزه بدرستی معلوم نیست . پیش از ورود اسکائیان- این منطقه در انجیان یادمیشد جاج پستر تیت G. P. Tate در ین باره مینویسد :

زری Zari)نام بیسار قدیم سیستان خواهد بود که مورخین یو نانی و مولفین لاتینی ازآن انجیانا ساخته اند . این نام توسط مورخین که سفر نامه های اسکندر را نوشته اند به غرب راه یافته است اعراب هم در وقت فتح سیستان بنام ز ر ی بر خوردند آنرا زرنج(Zaranj)خواندند . اکنون هم کلمهٔ زیره (Zireh) بیك ناحیه فرورفته در جنوب سیستان که آنرا گود زیره یافرورفتگی زیره می نامند اطلاق میگردد . این نام وقتی محققتر شد که کتیبه مشهو ر دار یو ش زر نکه (Zaranka بحیث نام قدیمی سیستان کشف گردید (٦) .

در حوالی (۱۷۵)قبل از میلاد در عهد (ایوکرائید) پادشاه یونان و باختر ی مهاجرتهای قبائیل(سیتی) یا ساکه ها از شمال شرقی آغاز شده و از ما ورا ی سیغو ن به سغد یانه سر از یر گردیدند اولین موج این مهاجر تنها تو سط اسکا ئی ها به ما ورا لنهر فروریخته و متعاقباً با عبور از جیحون ایالات باختر را فرا گر فت . (۱) و قتی این مو ج غرب را درپیش گرفت باسدی ازقدرت اسکائی پاوتیا تصادم نمود بنا چار بطرف جنوب سراز یر گردید و سیستان وقند هار را مالامال نمود. بعد از اشغال در انگیانای قدیم توسط اسکائی ها این ساحه ساکستانا (Sakasthana)خوانده شد . مورخین عرب ازین اسم

(سجیتان) ساختند که نام موجو د ه سیستان از آن مشتق گردیده‌است.

اسکائی ها نیز بتدریـــــج از سیستان و قندهار تا حوزه سنـــد پیشرفتند . با انتشار اسکائی های داخلی و حملات دولت‌اشکانی پارتیا مرکزیت دولت یونانی باختـــری در (۱۳۵ق م) ازشمال‌بجنوب هندو-کش انتقال یافته.و در آواخر قـرن اول قبل از میلاد بکلی منقرض‌گرد-ید . (۷)

پا رتیها واسکایی هاازآواخرقرن دوم قبل ازمیلاد (۱۲۰ق م) تا اواخر قرن اول میلاد(۷۵م) در ایـــالات سیستان-قندهار وحوزه سفلای‌سند حکومات مستقل داشتند که‌باوصف موجود یت مسکو کات شان تاریـخ آنها تاریك است. (۸)

در دوره ساسانیان ـارد شیـــر موسس این خاندان ساکستانرا نیز ضمیمه قلمرو خود گردانید ولی‌این ارتباط دوام نکرد و ساکه‌ها در عهد ساسانیان بیشتر متحد و متفق آنها بودند تا اینکه رعیت شان‌باشنـد بهرام دوم سیستان را دوم سیستان باردیگر فتح‌کرد وبهرام پسرخودرا بحیث حکمران این ناحیه مقررنمود واسم آنرا سکانشا(Saganshah گذاشت . در عهد شاپور دوم ساکه ها باز از زیر نفوذ ساسانیان خارج گردیده و حیثیت متحد ایشانـــرا اختیار کردند . (۹)

رویداد های مهم تاریخـــی در سیستان از حمله‌اعراب آغاز میگردد اعراب در عهد حضرت عثمان(رض) (۶۴۴-۶۵۶م) تحت قیادت عبدالله-بن عمر داخل اریانا گردیدند وزرنج پایتخت سیستان را به محاصـــره کشیده آنرا فتح کردند .

در مرحله اول برای اداره آن از طرف خلافت ربیع بن زیاد موظـــف گردید ولی مردم سیستان بـزودی علیه اوقیام نموده او را ازسیستان خارج کردند خلیفه والی دیگری را بنام عبدالرحمن بن ثمره بـــا داره سیستان موظف ساخت . وی زرنج و بست را مرکز اداره خود قرار داد از آن ببعد برای مدتی هم ازسیستان مالیه باج وخراج میگرفتند و هــم از آن منطقه بحیث مرکز سوقیات حربی خویش جهت فتوحات نقاط دیگـــر استفاده مینمودند در دوره تسلـــط اعراب نهضت های آزادیخواهی در سیستان اوج گرفت این نهضت در مرحله او ل اعراب رازلحاظاداری به مشکلات‌مواجه ساخت (۱۵) و بــــه تعقیب سیستان تحت قیادت یعقوب لیث صفاری که از باشندگان اصیل این حوزه بود از تصرف اعراب‌خارج گردید و به حیث یك قلمرو وسیـــع ظهور نموده بعــدا . در (۱۸۶۵م) دو لت قاجار ی بنام سرزنش آ زاد خان که در سیستان خاص علیه‌کیا-نی هاباقدامات دست زده‌و انارشی ایجاد کرده بود عسکر فرستاده در (۱۸۶۶م)حکمران کرمان به امـــر خصوصی دولت قاجاری بانجارفت و مظفر الدوله نیز بقیادت دو دستــــه عساکر ازنح (Nah)در جوارها مون فرستاده شد باینصورت بـــه تدریج قسمت اصلی سیستان توسط عساکر و قوه حربی قاجاری اشغـــال گردید به تعقیب یك تعداد پسران‌و اقار ب خوانین سیستا ن خاص به تهرا ن فر ستا ه شد و در مو قــع م لاقا ت حمکرا ن مشـــهـد از- سیـــســـتـا ن ـتـــا ج محمـــد خان نیزگرفتار و به مرکز اعـــزام گردیدند (۱۵).

درطول این مدت در افغانستـــان خانه جنگی ها و اغشاشات داخلی جریان داشت (شورش مهمنـــد در ۱۸۶۳م) هم برادران محمد زائـــی بر سر بد ست آورد ن‌اقتداربگردن هم افتاده بودند (سر دار محمـد اعظم‌خان -سردار محمد افضل خان سردار محمد امین خان امیر عبدا-لرحمن خان و امیر شیر علیخان از ۱۸۶۳م)-۱۸۶۷م نه بار بر خـــورد نمودند (۱۶) .

لذا شیر علیخان فرصت بدست نیاورد تا با دولت فارس تصفیـــه حساب کندحکومت فارس از موقـــع استفاده نموده وسیستان اصلی را کاملا اشغال نمود . درپایان شورش های داخلی امیر شیر علیخان عـــزم داشت موضوع را از طریق استعمال قوه حل و فصل نماید ولی حکومـــت انگلیس حکمیت بر قضیه رابردوش گرفته و مانع این حرکت شیرعلـی خان گردید -(۱۷) .

منا طق ز ابلستا ن ،کا بلستا ن ،تخار ستا ن ، بلخ، نیشاپو ر کر مان ، طبر ستا ن و خرا سا ن با ن ملحق گردید در عهد ه صفار یا ن زرنج پا یتخت امپر اطور ی وبست معر و فتر ین مر کز فر هنگ آ ن ز ما ن بشمار میر فت .

در دور ه غز نو یا ن نیز ایـن حوز ه اهمیت خود را از دســـت نداد . سبکتگین پدر محمودموقعیت جغر افیا یی آنرا در ك نموده‌وبا ن تو جه ز یاد دا شت محمود غزنوی بست را بحیث لشکر گا ه خـــود تعیین کرد تا از ین جا به‌سهو لت به و قت کم قوا ی خود را بـــه سیستا ن ، غور و فتو حا ت هنـد سو ق دهد علاو ه بر آ ن برا ی‌نگه دار ی فیل هاو اسپ ها که د رآن وقت مهمترین قو ه نقلیه بشمـــار می آمدنیز ار، های کنار هلمنـــد جای بسیار مناسبی بـود. پس‌از وفا ت محمود پسر ش مسعـو د تا سیسا ت خود را دربست‌وسعت بخشد و قصر با شکو هی برا ی خود اعمار نمود که‌به کشک‌سلطانی معرو ف است . لشکر گا ه قلب کشور و پایتخت‌دو م امپر اطوری غزنه محسوب میگردید پـــس‌از مسعود دو دما ن غز نو ی رو بـه ضعف گذ ا شت و سر نو شت

سیستان هم آهسته آهسته دگرگون شد .

اولین حمله مغول در سیستان در (۱۲۲۱) میلادی حینیکه تولی خان مصروف تسخیر بلاد خراسان از قبیل ، نیشاپور و هرات بود صورت گرفت در حین این جنگها یکعده از مغلها بطرف سیستان متوجه و مرکز آنرا که مقر ملک نصرت الدین خان بن بهرام شاه حرب بود به محاصره کشیدند ولی موفقیت بدست نیاورده مراجعه کردند و ملک نصرت الدین در ین جنگ ها کشته شد . (۱۱) .

حمله دوم با مراو کتایی بقیادت دو نفر منصبدار او (منکده چربی و سعدی چربی) درسیستان صورت گرفت درین حمله مغلها نهر سیستان را بابرج و باره آن منهدم و بیشتر نفوس شهر را کشتند و خود بر گشتند. در ین وقت ملک رکن الدین محمود بن حرب جانشین ملک نصرت الدین بود که ضمنا ین حمله باتمام خاندانش از بین رفت .

در سال (۱۲۲۷) بادیگرقشون مغل به سیستان سرازیرشدند، نیالتگین درارگ سیستان محصور گردید ویک سال و هفت ماه با سپاه مغل جنگید . نیالتگین درین جنگ زخمی ، اسیر و بعدا کشته شد . قلعه مذکور را سپاه مغل فتح کرده تمام مدافعین را کشتند و آبادی های سیستان را تا جائیکه توانستند ویران کرده از آنجا رجعت نمودند .

بار دیگر در ۱۲۳۲-۱۲۵۳م او کتایی خان ، طاهر بهادر افسر سپاه مغل مقیم بادغیس را برای از بین بردن قراجه حاجب- یکی از افسران سلطان جلال الدین که جنگهای گوریلایی را علیه مغل راه انداخته بود مامور ساخت قراجه حاجب با طاهر بهادرجنگید ولی اختلاف داخلی امرای مغلی باعث مراجعت طاهر بهادر از سیستان گردیده و مردم سیستان عجالتا آرامش یافتند . .

بعد از تخریبات مکرر مغل در سیستان شهر جلال آباد مرکز جدید امرای محلی سیستان قرار گرفت تا آنکه امیر تیمور گرگانی آخرین جهان گشای مغلی در ۱۳۸۳ میلادی سیستان راویران کرد . او نه تنها جلال آباد و بند رستم را که دریک منزلی شهر زرنج از رود هلمند کشیده شده بود ویران کرد بلکه سیستم آبیاری را نیز در آن منطقه طوری ازبین برد که بعدا کسی را توان نماند که آنرا کاملا احیا نماید -۱۲ .

شواهد چنین میرساند که در قرن (۱۷ و ۱۸) باین حوزه کمتر توجه شده ساکنین سیستان نتوانسته اند از هجوم و انتقال ریگ که توسط باد های (۱۲۰) روزه از سمت شمال غرب به جنوب شرق بسرعت متوسط (۵۰) کیلو متر فی ساعت منتقل میشود جلوگیری نمایند . باین ترتیب بعضی از شبکه های آبیاری پس از تخریب تیمور لنگ که دوباره اعمار گردیده بود توسط ریگ مسدود شده و یکنوع خاموشی براکثر حصص سیستان حکمفرما گردیده است که تا هنوز ادامه دارد .

از لابلای وقایع چنین معلوم میشود که ولایت سیستان درگذشته معمولا جز امپراطوری های بوده است که مراکز نها گاه در افغانستان و گاهی در ایران امروزی واقع میبود . گاهی نیز سیستان مستقل و خارج از حوزه نفوذ دیگران مانده است بعضا نواحی همجوار تحت تاثیر و کنترول سیستان نیز در آمده است . در دور صفاریان ولایات همجوار سیستان از قبیل زمینداور زابلستان رخج وحوزه های مجاور ازطرف شاهان صفاری که از مردمان بومی سیستان بودند کنترول و اداره میگردید ، بعداز قتل نادر افشار سیستان در ۱۷۳۶ م مربوط قلمرو امپراطوری احمد شاه ابدالی گردید احمد شاه ملك سلیمان کیانی را بحیث حکمران سیستان مقرر کرده با دختر ملك مذكور ازدواج نمود در مورد بدست آوردن قدرت بین ملك سلیمان و بزرگان سربانندی و شهرکی (که نادر آنها را از فارس به سیستان منتقل ساخته بود نفاق وجود داشت همین مخالفت ها باعث گردید تا بالاخره تیمور شاه درانی قدرت را از سلسله کیانی سلب کرده و به خوانین شهرکی بدهد بعد از مرگ تیمور شاه حکمرانی سیستان تحت اداره و کنترول حکمرانان افغانی درلاش وجوین برای ملك بهرام از سلسله کیانی اعاده گردیده (۱۳)

مبارزه بین سردارانقبایل سربانندی و شهرکی بلوچ و سلسله کیانی ادامه پیدا کرده تا آنکه در (۱۸۳۸م) جلال الدین اخرین حکمروان کیانی از باز- ماندگانی بهرام توسط سر- بانیها از سیستان تبعید گردید ازین تاریخ به بعد قدرت درسیستان بدست خوانین محلی افتاده و از جانب دیگر حوزه مذکور موضوع مناقشه بین امرای هرات وقندهار گردید . در ضمن این مناقشات علیخان یکی ازسرداران سربانندی در سیستان باحکومت فارس متحد گردید و پرچم دولت فارس را بر فراز قلعه خویش در سه کوهه Sahkuha برافراشت . علیخان تسلط دولت فارس را در

آنجا قبول نمود ودر (۱۸۵۳) پسر پسر خود را نیز به حیث گروگان به مشهد فرستاد ولی حکمرانی علیخان در آن منطقه طرف نفرت سیستانیها قرار گرفته علیخان طی یک حمله در (۱۸۵۸م) در قلعه خود کشته شد. خانمش نیز درین حادثه زخمی گردید تاج محمد خان پسر سردار محمدرضا خان برادرزاده علیخان که در واقعه قتل هم دست داشت بجای علیخان قدرت را تصاحب نمود.

بیوه زخمی ذریعه نفر خاص دولت فارس به تهران برده شد امادر جهت برطرفی تاج محمد خان با وصفی که در واقعه قتل مظنون واقع شده بود اقدامی بعمل نیامد تاج محمد خان برای مدتی بدون ارتباط با دولت فارس بصورت مستقل حکمرانی نمود مگر در (۱۸٦۲ م) از پیشرفت امیردوست محمد خان امیر افغانستان بصوب هرات بخوف افتاده و تابعیت خود را بدولت فارس اعلان نمود

امیر دوست محمدخان در (۱۸٦۳م) مرد و بجایش امیر شیرعلیخان بقدرت رسید و در همین وقت بین تاج محمد خان و افسرانی که حکومت فارس با نجا اعزام کرده بود اختلاف واقع شد و این امر باعث گردید که تاج محمد خام با افغانستان متمایل بود ولی شیرعلیخان که مصروف امر داخلی بود به مردم سیستان کمک موثر داده نتوانست و لذا تاج محمدخان دوباره به دولت فارس قاجاری متوصل گردیده (۱٤).

حکمیت انگلیس ودوپارچه شدن سیستان»

در (۳۱ جنوری) ۱۸۷۲ هیات تعیین سرحدی بین ایران وافغانستان تحت ریاست سر فریدریک گولدسمت شروع بکار نموده اعضای هیات عبارت بودند از.

۱- مجوزا -س-تی جان انجنیر

۲- مستر لاویت از قوای عسکری مدراس

۳- مستر دیلیو-تی-بلفور د از موسسه جیلوژی هند برطانوی.

٤- مجرا یوان سمت از قوای عسکری مدارس

٥- محترم سید نور محمدشاه فوشنجی صدراعظم وقت ونماینده دولت افغانستان

٦- میرزا معصوم خان و بعدا میرزا ملکم خان نماینده دولت فارس. سروی و کار هیات تا (۲٥) اپریل (۱۸۷۲م) ادامه پیدا کرده و مدت سه ماه را دربر گرفت بعد از مطالعه- تحقیق و اخذ نظریات نمایندگان دولتین بتاریخ (۱۹) اگست ۱۸۷۲م فریدریک گولدسمت فیصله خود در زمینه چنین ارائه نمود:

((تعریف و تشخیص اصطلاح سیستان معاصر فعلا یک کار آسان و ساده نیست این اصطلاح بسیار مبهم گنگ است، حدود سابقه سیستان از بین رفته است اصطلاح معاصر سیستان محض شبیه جزیره هلمند و هامون را دربر میگیرد به نظر من درین قسمت بیشتر از دو ساحه وجود ندارد یکی ساحه پر نفوس وصالح الزراعت که من آنرا سیستان اصلی یاخاص مینامم و دیگر نامتب و کم نفوس که آنرا سیستان فرعی یا بیرونی باید دانست.

سیستان اصلی از طرف شمال غرب به هامون حواشی نیزاران مربوط است که بالترتیب از لاش جوین و نه بندان توسط هامون جدا گردیده است. از طرف جنوب تا حصه توسط هامون وسپس ذریعه دشت سنگسارو ساحه لامزروع سه کوهه برج علم خان محدود گردیده و از طرف شرق پائینتر از بند بزرگ سیستان به مسیر سابقه رود هلمند محاط میباشد.

سیستان فرعی شامل اراضی بجناح راست رود هلمند بوده واز شمال از جوار چار پولی ج ودر جریان خسپاس شروع و بطرف جنوب (۱۲۰) میل امتداد پیدا نموده و در واقع تارودبار میرسد غرض این ساحه بمقایسه با طول آن ناچیز بوده و در واقع حدود آنرا از طرف غرب دریا و از طرف شرق ساحه اراضی زراعتی تعیین میکند (عرض آن در ناحیه چخانسور ازمسیر سابقه رود هلمند بشمول لنادعلی تا کده تقریبا ۳۰ میل است (۱۸)

دشت سیستان یعنی فرورفتگی مسمی به گودزیره و شیله که عبارت از مسیر جریان آب از هامون به گودزیره است به سیستان فرعی افزود میشود. سیستان اصلی که کاملا از طرف دولت فارس اشغال گردیده وحکمران محلی آن میر علم خان است به عقیده من در تصرف دولت فارس باید باشد و سیستان فرعی همرای دشت سیستان وشیله که اکثر حصص آن بایر و غیر مسکون است مربوط با افغانستان باشد.

در سیستان فرعی یک تعداد سرداران بلوچی قدرت دارند که بعضی از آنها حمایت دولت فارس و تعداد دیگر ایشان به جز تابعیت افغانستان هیچ قدرت دیگر را قبولدار نمیباشد. اعتراف کمال خان و امام خان خوانین بندر و چار برجک راجع به تسلط

دو لت فارس‌در آ ن دو محل نزد من قابل اعتبار نیست قلعه ناد علی‌در سا حل را ست رود هلمند که درین اواخر از طر ف دو لت فـارس اشغال گردیده است باید ازعسکر دو لت فارس تخلیه گ ردیده و در اختیار دو لت افغا نستا ن گذاشته شود تا در ز مینه یکنو ع تو از ن تعادل قایم گردد. (۱۹)

فیصله گولد سمت از طر ف هر دو نما ینده یعنی نما ینده دو لت افغا نستا ن و دولت‌فارس‌ردگردید ومو ضو ع‌به تعویق افتاده ودرتا-بستا ن سا ل (۱۸۷۳)شاه‌فارس بانگلستا ن سفر نمود زملکه‌انگلیس موا فقه شاه ایرا ن را در مـورد فیصله گولد سمت حا صل نمود و امیر افغا نستا ن نیز با و صـف آنکه در زمینه ر ضا یت کـامل ندا شته بالا خر ه قبو لی خود رادر باره آن اعلام کرد .

مرز سر حد ی خیا لی که‌پا یه گذار ی آن تو سط هیت گو لـد - سمت تکمیل نگردید عبار ت بو د از یك خطیکه از کو ه هـای ملـك سیا ه در جنو ب شرو ع شده وبه طر ف شما ل طور ی ادامه‌می‌یافت که اراضی‌زرا عتی‌رابدوجناح‌تارو د هلمندبندکوهك‌مربوطبا افغا نستا ن میسا خت از بند کو هك به بعدرود هلمند مرز سر حد ی قرار گر فته و سر حد شر قی سیستان‌مر بوط بفارس را تشکیل میداد بالا ترازآن بطر ف شما ل حا شیـه نیـز از جنو ب هامو ن بطر ف لاش وجوین حصه یی را درسرحد تشکیل داده یك خط دیگر از نیزار تا کـو ه سیاه نزدیك بندا ن حدود مملکتین را تعیین مینمود .

تحقیقا ت با ستا نشنا سی د ر سیستا ن

از آغاز قر ن ۱۹بدینسومحقیق بشمو ل پا تنجر ، فریر ، هنشگتن ،ماکما هو ن و ، غیر ه کو شید ند تا پیرا مو ن هاید رو گـرا فـی سیستا ن ، نو سانا ت دلتا ی‌هلمند باز یا فت را ه‌های کـار وانر و قدیمی تثبیت‌تاریخ‌شهر نیشنی‌درآن منطقه و در یا فت مسیرمها جرتهای که در اوایل عهد مسیحی‌ازسواحل مد یترا نه ازطریق سیستا ن‌بطرف آسیا ی میا نه صور ت گر فتـه بود معلو ما تی گرد آور ی‌نمایند . (۲۰)

نخست اعضا ی «هیئت‌سرحدی» در حوا لی سا ل ۱۹۵۵ بخصو صـ جارج پیتر تیت معلو ما ت زیاد ی در مورد مو قعیت سا حا ت‌تاریخی در سیستا ن جمع آور ی نمود کـه برا ی او لین بار تو جه با ستا - نشنا سا ن ر ابا آ ن منطقه جلـب کرد . باو صف آ ن تا حـوا لـی سا ل ۱۹۳۶ کار ی از نظر باستا-نشنا سی در سیستا ن صـور ت نگرفت . در همین سال هـیئـت با ستا نشنا سی فرا نسو ی بـه سر پر ستی پرو فیسور گر شمـن در تپه سر خدك ناد علی و تحت نظر پرو فیسور ها کن در شهر غلغله سارو تا ر به تحقیقا ت بـا ستا-نشناسی آغاز نمود. گر شمن در نتیجه تحقیقا ت خوداجر های‌منقش آثار فلزی مکشو فه تپه‌سرخد ك را مر بو ط هزار ه او ل قبـل ا ز میلاد تعیین نمود و ابراز عقیـد ه کرد که در طبقا ت پا یا نتر ا ین محل آثار باز هم قدیمتر بد ست خوا هد آ مد .

در سا ل ۱۹۵۰ خانم بتر یس دیگا ردی بلو جستا ن و حصه‌ا ز جنو ب افغا نسا ن تا فرا ه‌وشمال سیستا ن را سرو ی نمود .

او لین دور تحقیقا ت با ستا - نشناسی وسرو ی مناطق جنو ب دریا ی هلمند در سا لها ی ۱۹۵۰-۱۹۵۱ تو سط فیر سرو للیس‌مربوط مو زیم تاریخ ملی ایا لات متحـد ه امریکا بعمل آ مد . را پور ایـن تحقیقا ت حاو ی معلو ما ت‌بیشتری در زمینه های التاریخ بود ه و ازین لحاظ مورد تو جه باستانشناسا ن قرار گر فته است . فیر سرولیس اکثر سا حا تی را که در دلتـا ی جنو بی هلمند مشخص نمود بـا - ستثنا ی شهر سو خته دهات‌خور-دی بود ند. آواز مطا لعه این آثا ر به شبا هت بین سا حا ت مذ کو ر پی برد ه و برا سا س این شباهت معتقد گر دید که دور ه ز ندگی‌قبل التاریخ در آ ن قسمت سیستا ن نسبتا کو تاه بود (ش ۱)

در سا ل ۱۹۶۰ دکتور کلو س-فیشر از یو نور ستی بـن الما ن غر ب تحقیقا ت تـاریخی‌را در سیستا ن افغا نی شروع نمو د مطعا لعا ت او بیشتر در شما ل سیستا ن پیرامو ن کا نا لهـا ی آبیار ی و ابدا ت تاریخی و قرو ن وسطی تمر کز دارد .

در همین سا ل هیئت با ستا - نشنا سی ایطا لو ی تحت ریا ست پروفیسور گوسپ تو چی تحقیقات باستانشنا سی بودند سروی تمام سیستا ن ایرا نی را آغاز کرد ودر جر یا ن سرو ی پروفیسورشهر - تو بکشف اولین ساحه قبل‌التاریخ مصرو ف او لین سا حه‌قبل‌التاریخ که تو سط ستن مشخص گردیـد ه بود موفق گشت سا ل بعددرنتیجه سروی دقیقی که از تمام این‌ساحه بعمل آ مد تقریبا چهل‌محل‌مسکونی خورد و متو سط در امتـداد رود بیابا ن و شعبا ت آ ن که همه بـا شهر سو خته در ار تبا ط بود نـد کشف گردید .

درسا ل ۱۹۶۶ نارمن همند بـا هیتی از پو هنتو ن‌کمبرج‌انکلستان به سر وی واد ی دریا ی هلمند از سا حه بست تا چهار بر جك پر -

ذاخت هیئت مو صو ف مشا هدا ت خود را در مـورد (٤٥) ساحــه با ستا نی که در مسیر را هشا ن قرار داشت ثبت نمودہ اند و دراثر این سرو ی محض یك سا حه قبل التاریخ نزدیك دروشا ن مشخص گردید .

بانهم تا سا ل ١٩٦٧ پیرامو ن ادوار قبل التاریخ نوا حی شر قـی ایرا ن معلو ما ت دست دا شتـه اند ك بود در همین سا ل دوبرنامه تحقیقی علاوه بر مطا لعا ت درشرق ایرا ن ، تو ضیح از تباطاین‌سا حه با سا حا ت دور دست بین‌النهرین ،خلیج فارس تر کمنستا نوحوز ه سند را نیز احتوا میکرد آغازگردید طبق این بر نا مه حفر یات باستا‌ نشنا سی در شهـر سو ختــه سیستان ا یرانی و تپه یحیی در ایا لات کر ما ن واقع در جنو ب شر قی ایرا ن تو سط مو سسه ا ز میو ایطا لیا وپی‌بادی موزیم‌پوهنتون هارورد ایالات متحد ه امریکا بـا اشترا ك با ستا نشنا سا ن ایرانی آغاز گردید . (٢١) .

درسا ل ١٩٦٨و دو سال بعدآن سه دور ه سرو ی و تحقیقا ت‌قبل التاریخ
(عصر چالکولیتیك و برونز در جنو ب سیستا ن از طر ف پرو ـ فیسور جارج دالس مر بوط پـو ـ هنتو ن پنسلوا نیا صور ت گرفت. مو صو ف در تپه سرخدك جا ئیكه هیئت فرانسو ی در سا ل ١٩٣٦ حفر یا ت نموده بود ند بکارخویش پرداخت که تا حال را پور آن نشر نگردید ه است . این سرو ی‌نواحی جنو ب غر ب دریا ی هلمند را که در آنجا سه سا حه بصورت‌مشخص مورد تو جه آنها قرار گر فته بو د احتوا میکند این سا حا ت عبارتنداز

١ـ رود بیا با ن در نقشه که‌ا ز طر ف کار تو گرا فی‌ترتیب‌گردیده بنام را مرودیا د شده است)

ـ گرد ن ریگ (جائیکه فیر ـ سرولیس از شوا هد قبل التار یخ در آنجا را پو ر داده است .)

٣ـ سا حه فرو رفته گودزیره .

این هیئت‌رودبیابان‌رادوباره‌سروی نمودطی این‌دو بارسروئ کـه ا ز اطرا ف و اکنا ف انجا باز دیـد بعمل آورد ند متا سفا نه بکشـف کدا م سا حه قبل التاریخ‌درامتدا د این رود و خصو صا به بخش آ ن که به افغا نستا ن مربو ط میباشد موفق نشد ند . درینمورد هئیت مذکور دو نظر مشخص ارائه کرده است .

او ل اینکه سمکن است بادهـا و انتقا ل ریگ تو سط آن که‌درین منطقه خیلی شد یدبود ه و مر تبا جر یا ن دارد شوا هد ساحه های زند گی را تخریب نموده و از بیـن برد ه با شد . چنا نچه قدر ی دور ترازین مو ضع در منطقــه ر با ط سطح اراضی یك سا حه و سیعی تو سط یك قشر نسبتا ضخیمی‌تفاله ذوب مس که از کوره های ذو ب فلز خار ج‌گردیده ه پو شید ه است. این قشر از تخریب‌باد و ریگ در سطح اراضی جلو گیر ی بعمــل آورد ه در بعضی حصص که ایـن قشر مو جود نیست تا عمق ده‌متر تو سط باد وریگ فر سود ه‌شد ه و ازبین ر فته است . تاریخ تفا له مس طبق تجز یه رادیو کار بـن (١٤) بین (٣٠٠٠و ٢٤٠٠ قم)تعیین شده و عین همین تاریخ از طـریق تجز یه رادیو کاربن ١٤ (٢٩٠٠ ـ ٢٢٠٠قم) برای دوره های II III شهر سو خته نیز بد ست آ مد ه است . (٢٢) .

طبق نظر دو م که بیشتر قر ین بوا قعیت میبا شد غا لبا در ادوار قبل التاریخ انسا نها درین سا حه زند گی همیشگی ندا شتند ز یـرا زند گی همیشه گی و ابسته بـه مو جود یت دایمی و قابل اطمینان آب میبا شد مگر تغیرا ت دایمـی و مسلسل دلتا و مسیر در یا ی هلمند این امر را نا ممکن‌میگرداند.

در سا حه دو م به امتداد شیله رود قبر ستا ن بمشا هد ه رسید از جمله آنها قبری بر جسته تر و براز ند ه تر از دیگرا ن معلو م می شد . بالا ی این قبر پا رچه هـای ظر و ف از سنگها ی مرمر رنگه ، الات مسی ، شیشه پار چه هـا ی سفا لی و پار چه های تیغ هــا ی چقما قی افتاده بود . بدو ن تردید عده از ین پار چه ها مر بو ط بـا دوار قبل التاریخ میبا شد که‌احتمال دارد از محل دیگر ی باین‌جاانتقال یا فته است . اینکه پار چه هـا ی مذکور بکدا م دور ه مشخص قبل التاریخ ار تبا ط دارد و ازکجاانتقال یافته تا هنو زبصورت مسله‌لاینحل با قیمانده است .

سا حه سو م گود ز یر ه‌شر قا غر با تقریبا دارا ی (١٠٠) کیلـو متر طو ل بود ه و بصور ت اوسط در حدود ١٦ کیـلو متر عر ضـ دارد . ار تبا ط آ ن از بستر دریای هلمند که در شما ل آن وا قع‌است در حدود ١٠٠ متر کمتر میبا شد . درین سا حه نیز شوا هـد ی از سکو نت انسا نها در ادوار قبـل از میلاد به نظر نر سیده.(٢٣)

در خزا ن سا ل ١٩٧١ هیئت با ستا نشنا سی مر بو طموسسه سمت سو نین وا بسته به موز یم ملی ایا لات متحد ه بر یا ست‌دکتور ویلم ترو سد ل به سروی‌ابـدا ت وساحه هـای تـاریخی در امتداد واد ی رود هلمند از لشکر گـا ه‌تا و لسوا لی چهار بر جك و همچنان نا حیه تاریخی سارو تار و دیگـر مخروبه های تـــا ر یخی واقع‌در مسیر را ه چهار بر جك ، رزنـج‌و

لشکر گا ه پرداخت . اینجا نب نیز بحیث نما یند ه مد یر یت عمو می با ستا نشنا سی در کا ر سرو ی با ایشا ن سهم دا شتم در نتیجه سروی سال او ل دو سا حه تاریخی ر ا جهت کاو ش انتخا ب نمودیم کـه یکی از آ ن نوا حی با ستا نی شهر غلغله سارو تارو مخر و به هـا ی تاریخی همجـوار آن در و لایـت نیمرو ز قرار دا شت سا حه دومی بالا ی تپه شیشه گی در سه یکـه خوا جه علی در و لایت هلمند بو د که هر دو سا حه در سا لها ی بعد طور مختصر کاو ش گردید .

درسا ل ۱۹۷۳ تحقیقا ت و کار من با هئیت مذ کور دریك سا حه مشخص یعنی شهر غلغله سار وتار اطرا ف آ ن متمر کز گر دید. د ر سا ل ۱۹۷٤ تحقیقـا ت سـا حـه تاریخی شهر غلغلـه ساور تـا و مخرو جه ها ی اطرا ف آن و قت زیاد ما را در بر گر فت که تقریبـا ثلث این مد ت جهت مطا لعه سا حه های تا ریخی نوا حی شما لی سارو تار و باز دید از بعضی ابدا ت با- ستا نی در حا شیه جنو بی د شت امیر انصا حب و مخرو به هـا ی تاریخی اطرا ف ها مو ن یـوزك ، لاش وجوین، و پشوران تخصیص یا فت .

در سا ل ۱۹۷٥ پنجمین دوره که اخیرین دور ه تحقیقا ت هیئیت د ر اطرا ف بعضی ابدا ت تا ریخـی وا قع در جنا ح چپ رود هلمنـد که پایانتر از در ویشان بود انجام یا فت در بند وره در تپه شیشه گی که در اثر سرو ی قبلی کشف شده بود مد ت پنج هفته کاو ش بعمـل آمد ضمن حفر یا ت در تپه شیشه گی و سرو ی مناطق اطراف این ساحه کشف مو ضع تار یخی دیگر ی در رود بار اتفا ق افتاد که این محـل در میا ن مرد م بنا م کهنه قلعـه یاد میشود . پد یدار شد ن ایـن مو ضع جد ید در پلا ن قبلی هیات مذکور تغییرا تی وارد کرد . ز یرا آنها با دلچسپی ز یاد بحفر یا ت آن اقدا م نموده و پنج هفته دیگر این دور ه بحفر یا ت تپه کهنه قلعه در رود بار سپر ی گردید .

در اخیر آیند وره یك سفـر تحقیقا تی دیگر ی در اطرا ف رو د بیا با ن ربا ط (زاو یه جنوب غربی افغا نستا ن که در آن حصه پا یه سر حد ی مشتر ك بین ایران بلو- چستا ن وافغا نستا ن در دا منه کوه ملك سیاه واقع است .) ترا خوا ن، بندر کمال خان چهار بر جك و گلو ر ن نیز بعمل آ مد . را پـور تحقیقا ت هیا ت مذکور کـه مـن عضو یت آ نرا دا شتم هنو ز نشر نشده و عنقریب بـد ست نشـر سپرده خوا هد شد . (ش ۲).

شهر پنج هـزار سا لـه د ر سیستا ن .

مو قعیت جغرا فیا یی :

شهر سو خته در دلتا ی قدیمی هلمند بالا ی طو ل البلد شر قـی ۱۱.۲۲ و عر ض البلد ۳۰.۳۹ و به فا صله ۷٥۰ کیلو متر بشما ل خط سر طا ن و ٤۰ میل به جنو ب بابل مر کز ادار ی سیستان ایرا نی به کنا ر سر ك ذاهدا ن مو قعیت دارد. ار تفـا ع آ ن ا ز جلگـه همجو ا ر بـیـن ۱۰ تا ۲۰ متر میبا شد . شهر سو خته بـالا ی تراس که حصه فو قا نی آ ن بشکل میدا نی همجوار ی که در حدو د نیم میل شمالا و جنو با امتداد دارد و ار تفاع آن از سطح بحر ٥۰۰ متـر میبا شد اعمار شده است . ایـن ترا س از تر سبا ت دور ه نیوسین که در اخر دور ه سو م در یا چه هامو ن تشکیل گر دید ه است . ار تفاع ترا سی که شهر سو خته بالا ی آ ن مو قعیت دارد بار تفاع بستر را مرود معاد ل است که اخیرا لذکر از سطح مزار ع اطرا ف زابل ۷ تا ۸ متر بلند تر میبا شد . بالای این ترا س مردما ن نخستین دور ه تاریخی مسکن گزین شد ند کـه شوا هد ز ند گا نی شا ن در آ ن جا بمشا هد ه میر سد . را مرو د تجد ید مر حله دو م دلتا است که غالبا در جر یا ن عصر بلوستوسین عر ض اندا م نموده ار تفا ع سطح آن در هزار ه سو م قبل از میلا د غا لبا به ترا س نمیروز مطا بقـت مینمود .

از نظر جغر افیا یی سیستـا ن هما ن دلتا ی در یای هلمند است که تشکل جیو لوزیکی آن بیشـر بار تبا ط تناو ب طغیانها و اختلاف مسیر در یا ی هلمند صور ت گرفته است . طغیا نها ی سر کش در یا- رسو با ت شد ید و متـداو م و تبخیرا ت سریع و شد ید کـه در طو ل قرو ن جر یا ن دا شته خصو- صیا ت اراضی سیستا ن را مشخص میسازد و طبعیت کلی این نا حیه مانع مسیر دایمی دریا ی هلمنـد گردید ه است . در او قا ت آ بـی مواد رسو بی در بستر در یا ترسب نموده و در نتیجه در بستر در یـا جای کا فی برا ی آب ز یاد باقـی نمی ما ند و دریا مو قع طغیان مسیر خود را تغیر مید هد . (٦)

امروز ترا س اخیر الذکر فقـط سه متر از جلگه همجوار بلندبوده و تو سط بادو بارا ن بشد ت تخر- یب گردید ه است . بقا یا ی تراس نمیروز اکنو ن در شر ق شهر سو- خته و در نوا حی رود بیا با ن کـه ۲۵ تا ۳۰ کیلو متر دور ترجنو ب این منطقه مو قعیت دارد به مشا هده میر سد . با ین تر تیب با شندگان قد یم سیستا ن بالا ی جلگه دلتا که

نسبت بامروز در قدیم بلند تر بود زند گا نی میکرد ند واز ترا س را مرود که در حدود ۵متر بلند تر از اراضی زرا عتی بود استفاده‌مینمو- دند وازین جهت بود که مزار ع و خودشا ن از خطر طغیا نها ی‌در یا در اما ن بود . مو قعیکه شهرسو- خته بنا یافت تراس نیمروز بـه سطح اراضی زرا عتی مطا بقـت داشت . چنا نچه میدر MEDER بقایا ی اراضی زرا عتی و مسکـن گزینی را به صور ت یك قشر چند سانتی متر ضخیم بـالای تـراس نیمروز در ار تفا ع ۲۰ر۳۰تا۵ر۴۰ متر بالا تر از سطح جلگه موجود باز یا فت نموده است ۲۴

کاو شها ی با ستا نشنا سی :

بعد از سرو ی مکمل سا حـه کوشش بعمل آ مد تا هر چه‌بیشتر قسمت آبادی شهر از خاك بیرون شود بد ینمنظور کاوش باستا- نشنا سی‌در آ ن سا حه آغازگردید. در جریا ن کاردریك بخش که بـه مقصد مطا لعا ت طبقا تی سا حـه صور ت گر فت اقشار غیرمسکون به صور ت متناو ب بملا حظه‌رسید این اقشار نشا ن مید هد که‌ساحه در معر ض رژیم آبی شدید وغیره قابل کنترو ل واقع شـده بو د و ودور ه های طغیا ن دریا سا کنین سا حه را همواره باعمار دو بار ه آباد ی و حتی انتقا ل نا حیه شهر وادار میساخت . بنا براین ا یـن پد یده ه بیشتر به تحقیقا تیکه د ر مورد تمدن حوزه اندو س بـه خصو ص مهنجود یرو صور ت گر- فته شبا هت دارد . در آنجا دراثر کاو شها ی طبقا تی هشت طبقه گلهای باثر و عقیم مشخص گرد ید که همه سوابق طبقاتی‌وساختمانی هما ن کلتور را تشکیل مید هد . ستن واند پو س ANDEWS بر اساس مطا لعه سفا لها و پار چـه های صنایع دستی که در جر یـا ن سرو ی از شهر سو خته‌در سا ل ۱۹۱۶بد ست آورده بود ند تاریخ این شهر را به هزار ه سو م قبـل المیلاد مر بو ط میدا نستند بعـدا دور ه او ل کاو ش این نظر راتائید نمود .

شهر سوخته متشکل از سه نوع مخرو به است .جلگه‌مر تفع‌مرکزی، تپه شمالی و تپه جنو بی دراطراف این مخرو به ها بقا یاو شوا هـد کوره های اجر پزی نیز بمشاهده میر سد . جلگه مر تفع مر کـز ی ۲۲۰۰ متر شمالا جنو با و ۱۰۹۰متر شر قا غربا ممتد بود ه و سا حـه ۱۳۸ر٤ هکتار را احتوانموده‌است.

تپه شمالی ۲۰۰ متر از نشیبهای شمال شر قی فا صله داشته‌وبالای آن که ۸ر۵۸ هکتار و سعت دا رد شوا هد ز ند گانی بشر به صورت پرا گند ه غیر منظم بمشا هـد ه میر سد که همه آنهـا بدوره (۳) مسکو نی ار تبا ط دارد .

تپه جنوبی (٥٤٠) متر طول و (۳۹۰) متر عر ض دا شته کـه بالای آن دردو حصه‌شواهدسکونت گزینی دیده میشود . سا حه کـه از نظر با ستا نشنا سی در شهـر سو خته دلچسپ‌اسـت بو سعـت ۱٤۸ر۳۳ هکتار با ضافه ۵۵ر۳- هکتار سر نیشبی‌هاکه جمعا ٦۸ ر ۱۵۱ هکتار میشود .

همچنا ن در پایا ن کاو ش هـا واضح گردید که در نصف شما لی جلگه مر تفع سکونت دوا مـدار بود ه و آباد ی های ز یا د با لا ی آن اعمار شده بود در حا لیکـه قسمت جنو بی آن متشکل ازطبقه رسوبی دوره نیو سین بـوده و بیشتر در معر ض تخر یبا ت آب واقع گردید ه بود دوا م استفا ده ازین نا حیه ز یاد طول نکشید .

این سا حه از شما ل به جنو ب بقرار ز یر تقسیم میشود :

۱- سا حه قبر ستا ن که ۳ر۲۱؟ هکتار را در بر گر فته ودر جریان بیشتر از یك هزار سال‌عمرشهربه صور ت متوا ترادامه‌یافته و آثا ر آباد ی در آ ن دیده میشود . .

۲- سا حه مسکو نی کم دوا م و کم نفو س که درااواخر هزا ر ه سو م قبل المیلاد پر نفو س‌ترشده بو د .

۳- سا حه کـه غـا لبا از آن استفاده نگردید ه است . (۲۵)

در پا یا ن چهار دور ه کاو ش در شهر سو خته سا حه بو سعـت ٤۸۵۰ متر مر بـع از زیر خـاك بیرو ن شده است برا ساس‌شو- اهدی که در نتیجه این کاو شها به دست آمده بخصو ص‌ظرو ف‌سفالی با درنظر داشت تنو ع‌مهند سـی در مورد شهر سو خته از نظـر تاریخ چهار دوره پیشنهاد گردیده است .

۱-: دور ه او ل قدیمتر ین دوره بوده و مستقیما بالا ی خاك‌رسوبی طبیعی قرار دارد بقا یا ی مهندسی این‌دور ه کمتر ظاهر شد ه اما‌آثار- یکه بد ست آ مده‌معلو ما ت‌دلچسپی را ارائه میدارد .

سفال های این دور ه‌به سفا ل جیو کسجور جنو ب تر کمنستا ن دلتای تید زین Tedzen که با ستا نشنا سا ن شو رو ی آنرا مربو ط نیمه هزار ه چهارم قبل از میلاد (۳۱۰۰ - ۲۷۰۰ ق م) میدا نند شبا هت دارد . همین نوع‌سفا لها او دوره سو م مند یـگك واقع‌در ٤۰ کیلو متر ی شما ل شر ق نقطه تلا قی دریا ی ار غندا ب باهلمنددر جنو ب غر ب افغانستا ن نیز بـه دست آمده است . باساس‌شباهت زاد بین آثار بد ست آمد ه از شهر سوخته و مند یگك اد عا ی‌اینکه

باشند گا ن شهر سوخته‌انکشا ف یافته با مسکو نین مند یگك روابط دو ستا نه فر هنگی دا شته است دوراز واقعیت نخوا هد بود .(۲۵)

صد ها ظرو ف سفا لی ازقبیل کوز ه ، کا سه و غیر ه مر بـو ط دور ه دو م و سو م‌شهر سو خته شوا هد هما نند ی با دوره IV مند یگك است. شبا هت های‌در مورد صنایع سنگی ، فلز ی،مجسمه های اجر ی حیوانا ت ، مهره ها و تخنیك معمار ی و غیر ه نیز بیـن این‌دو منطقه و جود دارد . این هم قبل ازوقت نه خواهد بود اگـر بگو یم که «تمدن‌حوزه هلمند» با تمد نها ی دیگر حوز ه چهار م قبل از میلاد مانند تمدن کچی بیگ‌و جنو ب‌ترکمنستا ن در یك سا ـ ختمان همگون وواحـد ا نکشاف یا فته بود

۲ـ: بقا یا ی دور ه دو م د ر شهر سو خته بیشتر از همه ادوا ر ظاهر گر دید ه و سا لم ما نـد ه است .

درحوا شی شر قی تپه چـندین سا ختما ن مر بو ط این دو ر ه‌نیز از خا ك بر آمده و شـوا هـد ی از انکشاف صنایع د ستی ظا هر گر دید ه که در سا حه بیرو ن ز شهر مر کزیت د ا شـت در ۲۹ کیلو متر ی جنو ب شهر سو خته در اثر حفر یا ت پنجاه کور ه‌اجر ـ پز ی متصل همدیگر از ز یرخا ك بر آمده است . درمـورد فلـز کار ی نیز همین و ضع‌به مشا هده میر سد . مو جود یت بقـا یـا ی ذو ب مس بصور ت یك‌قشربرو ی اراضی در ناحیه ر باط مربوط به افغا نستا ن در فا صله چند کیلـو متر دور تر از سر حد ایران‌بیانگر آنست که در آنجا ذوب فلزا ت و کار بالای آ ن معمو ل گردید ه بود (۲۶).

کلا لی در اینجا بکلی متکی بـر اساسا ت گذ شته تکا مل نمود ه‌و ظرو ف سفا لی دارا ی نقو شـــ متنو ع بظرو ف سفا لـــی دارا ی شکل و تز ئینا ت معیار ی یاستند رد شده تبدیل گر دیده است.آثار ز یاد لاجورد ی ، مرمری ، عقیق و فیروز ه با و سایل کار شا ن بـه دست آ مده که‌به مو جودیت یـــك مار کیت فرو ش این اشیا درخارج ازین سا حه دلالت مینما ید .

۳ـ: در هزار ه سو م قبل ا ز میلا د در عهد جمد ت نصر در بین النهر ین فرو ش این آثار رو نقی زیاد دا شت و این شا ید فا صله با شد که اشیا ی لاجـورد ی از شهر سو خته تا آنجا صادر شد ه میتوا نست . منبع مرمر سفید و سنگك رخا م در خود حوز ه وجود داشت وا کنو ن هم در حوا شی‌سر حد در نا حیه گله چاه و جود دارد واز آ ن استفا ده میشود. لاجور د از بد خشا ن به حوز ه هیر مند می آمد چنا نچه جی‌آرما ن بد خشا ن را بحیث منبع لاجورد بین‌النهرین واد ی هیر مند را بصورت یك‌راه مسا عد در شر ق ایرا ن برای این تجار ت تو صیف کرده است.(۲۷)

آثار تاریخی و مهند سی دو ره سوم شهر سو خته یك ا نکشاف تدریجی مر تبت را نسبت به‌انواع قبلی نشا ن مید هـد . ظـرو ف سفا لی معیار ثابتی‌رانشا نمیدهد. بخصو ص اجر های زرد نخـود ی منقش که تز ئین رو ی آنها بدو ن متنو ع تکرار ی میبا شد .

در اطاق LXX مـر بوط دور ه سوم لوحه چو بـی باندازه ۳ × ۷ سا نتی متر که ممکن پا رچه ازیك بکس با شد بد ست آ مد ه‌است . در حا شیه آن یك سورا خ‌که‌غالبا تو سط میخ‌آهنی ایجاد شده است به مشا هده‌میرسد‌خصوصیات ا ین پار چه میر سا ند که‌مر بو ط بـه بکس منبت کار ی شده است‌و نیز حدس زده میشود که طـرح ها ی حك شد ه رو ی بکس های سفالی وگلی از آ ن تقلید شـد ه خوا هد بود . (۲۸)

٤ـ در جر یا ن کاو شها ی‌سال ۱۹۶۹ سا حه مسکونی‌دور ه‌چهارم در شهر سو خته از خاك بیـرو ن کشید ه شد ه و سعت آبـا د ی این دوره نـسبت بـا دوار پیش محدود تر است . با ز یا فت ها ی سفا لی پا یا ن عنعنه اجر ساز ی منقش را نشا ن مید هد درحالیکه استفاد ه از چر خ در کلالی اصلاـ حا ت واضح در زیبا یی و شکـل پذیر ی ظرو ف سفا لین را منعکس میسازد . بهر صور ت از بازیافت های انجا چنین نتیجه بد ست می آید که اسا سا ت فر هنگی بیـن ادوار قبلی و دور ه چهارم ادامـه یا فته است .

این مطلب از مطالعه د قیق رشته کلا لی ، تخنیك فـلـز کـار ی و استخرا ج آ ن بخو بی رو شن می شود . شباهت ز یاد پارچه یــك ظر ف سفا لی از نظر شکل‌وتزئین با پارچه که از دوره IV مندیگك بد ست آ مده بیا نگر ادامه ارتباط مستقیم بین مردما ن این دونا حیه در واد ی دریا ی هیر مندمیباشد. (۲۹)

تخریب عمار ت بزرگ که‌مربوط دور ه IV میبا شد مترو ك شد ن شهر را نشا ن مید هد از ین دوره به بعد شوا هد ز ند گی در شهـر سو خته و دیگر نوا حی سیستا ن جنو بی بمشا هد ه نر سیده‌است در جر یا ن هزار ه دو م قبـل از میلاد دلتای هلمند بطر ف شما ل انتقا ل یا فت و بعد از آن این‌ساحه و تما م نوا حی جنو بی آ نخشك گردید و برا ی سکو نت گزینی و زرا عت مسا عد نبود (.۳۰)

کاوش ساحه قبر ستان :

در سال ۱۹۷۲ کاو ش سا حه قبر ستا ن آغاز گر دید که در اثر آن آلات و ادوا ت کار بالا ی سنگ های قیمتی از قبیل وسایل برمه کاری، آلات صیقل کرد ن سنگ وچقما ق ،پار چه های سنگها ی قیمتی که مرا حل مختلف کار را نشان میدهد با تو ته ها ی فا ضله این سنگها بد ست آ مد . این باز یا فته ها فر ضیه قبلی ای را که در مو ر د تخنیك پیشر فته کار دو هزار ه سو م قبل از میلاد درین سا حه وجود داشت تائید مینما ید .

در سا ل (۱۹۷۵)آ خر ین قبر که قبر (۷۷) نمبر گذار ی شد ه و در حا شیه شما لی قبر ستان موقعیت دارد تحت کاو ش قرار گرفت . این قبر بد ور ه سو مر بوط بوده و بین ۲۴۰۰ـ۳۰۰۰ قبل از میلاد تاریخگذار ی شده است . در قبر مذ کور اسکلیت یك مرد ۲۵ساله با ستقا مت شر ق و غرب درحالیکه پاها و دستها قا ت شده است (حا لت‌جنین) کشف گر دیده. درین قبر ظرو ف و اشیا در دو حصه یعنی در اطرا ف سرو اطرا ف پاها گذاشته‌شده بود.دراطراف‌سرکاسه سفالی ،چهار عدد گیلاس ـ یك مرتبا ن کو چك ، یك عدد مهر ه عقیق متصل گرد ن و یك مهر ه سنگی نزدیك بازو ی چپ قرا ر دا شت .(ش ۳)

چهار کا سه یکی بالا ی دیگر ویك مر تبا ن کو چك نزد یك پا ها جا داده شد ه بود در نزدیك‌مرتبان یك‌ست الات وادوا ت که تو سط آن از پا رچه سنگهای قیمتی مهره میسا ختند و چند تو ته سنگها ی نیمکار ه گذا شته شده بود . ست آلات کار عبار ت بود از :

۱ـ سنگ ریگی رخدار جهت سائید ن و صیقل کرد ن .

۲ ـ پنج عدد سر بر مه(عددششم بصور ت جدا گا نه نزد یك سر قرار دا شت) به‌منظورسوراخ‌کردن مهر ه .

۳ـ چهار عدد سنگ لشم‌نیمکاره

٤ـ سه عدد پارچه (فا ضله)همین سنگ .

٥ـ یك پا ر چه محد ب که‌توسط‌آن خط کشید ه میشد و پار چه از هما ن خط جدا میگر دید .

مواد نیمکار ه عبار ت بـود ازهشت پار چه مروار ید کو هی که از اطرا ف آنها پار چه های‌کو چك‌پرید ه‌است . چنا ن به نظرمیرسید که آنها را بشکل مهر ه‌درمی‌آورد ند یکی از ین پارچه ها مرحله اخیر کار را وانمودمیساز د و بـه‌شکلی آورد ه شده که فقط پا لش آن با قیما ند ه‌است . یك سربرمه‌نسبتا جد ید بود ه و آثار کهنکی در آ ن به مشا هده نمیر سد .

ازمطالعه دقیق این آثار بر مـی‌آید که پیشه ورا ن شهر سو خته درحل مشکلا ت تخنیکی تخصص‌دا شتند . (۳۱)

در نتیجه بر حسب معلو مات مـاسا حه با ستا نی ٦٨ ر۱٥۱هکتار قرار ذیل تقسیم گردید ه است .

نوع اراضی	هکتار	فیصد
زو ن مسکو ن	٦٦ر۹۹	٦٦ر٦٥
قبر ستا ن	۳۰ر۲۱	۰٤ر۱٤
نشیبی های خار جی	۲۸ر۱	۸٤ر.
اراضی تحقیق نا شده	٦۰ر۱۱	٦٤ر۷
کوره های اجر پز ی	٤۰ر.	۲٦ر .
فرو رفته گی های داخلی	٥۰ر۱۷	٦۳ر۱۱
جمعا	۷٤ر۱٥۱	۹۷ر ۹۹

در جدو ل ز یر روا بط بین‌ادوارزندگی و سا حا ت اشغا ل شد ه برا سا س تخمینا ت از حفر یـا ت‌طبقا تی و مطا لعه آثاریکه ازسطح سا حه بد ست آ مده تو ضیح‌گر دیده است .

[illegible]	هویت عمومی دوره‌ها	مراحل ساختمانی	وسعت ساحه اعمار شده	تاریخ قبل از میلاد
اول	مراحل بعدی شهر نشینی	۱ ۲	۵ هکتار	۱۸۰۰ ۱۹۰۰ ۲۰۰۰
دوم	نخستین مراحل دولتداری که درآن مردم وسیعا مسکون گردیده است	۳ ۴	۸۰ هکتار	۲۱۰۰ ۲۲۰۰ ۲۳۰۰ ۲۴۰۰ ۲۵۰۰
سوم	نخستین مراحل شهرنشینی با حدا علی تجارت بفواصل بعید	۵ ۶ ۷	۴۵ هکتار	۲۶۰۰ ۲۷۰۰ ۲۸۰۰
چهارم	مراحل باستانی و نخستین اثر تحریر شده	۸ ۹ ۱۰	۱۵،۵ هکتار	۲۹۰۰ ۳۰۰۰ ۳۱۰۰ ۳۲۰۰

مر کز اداری ایالت درانجیانای دوران هخامنشی‌یادهن غلامان

دریك جلگه مرتفعی که تقریبا دو کیلو متر حوزه هامون را اشغال نموده ترا سی‌قرار داردکه از اراضی اطراف خود ٤تا٥متربلند تر است و بنام دهن‌غلامان‌شهرت دارد. در بالای همین ترا ش‌بقایای یك شهر قدیمی در جریان‌سروی سال ۱۹٦۰ هیئت باستانشناسی ایطالوی کشف گردید دراین محل بقایای عماراتی به صورت پیهم در ساحه بطول تقریبا یك میل جلب نظر میکند . بقایای این عمارات بدو گروپ تقسیم میشوند بطرف غرب این مخروبه ها بــه امتداد یك کانال که از ریگ پـر شده است قرار دارند . این‌کانال با کانال دیگر که از دهن غلامان امتداد پیدا کرده و حصه شرقی قصبه را بدو حصه تقریبا مساوی تقسیم نموده وصل میگردد .

یك خاکتوده برج مانندبرساحه مسلط است که آنرا قبرزردشت مینامند در سال۱۹٦۲ کاوشهای باستا نشناسی دربن حصه آغاز گردید و خاکتوده مذکور بصورت یك اطاق چهار گوشه که سمت جنوبی آن از بین رفته است از خاك بر آمد . در اثر این کاوشها سه ساختمان نمبر۱،۲،۳درقسمت شرقی ساحه و چهار ساختمان که‌عبارت‌ازنمبر۱۵،۱٦،۱۷،و ۲۱ ، ۲۲ میباشد بشمال کانال اولالذکر از خاك بیرون شد. این هفت عمارت از دیگران بزرگتر بوده و هر کدام یك محوطه بزرگ مرکزی دارند . دراطراف حیاط مرکزی اطاقهای متعدد یا ایوانهای ستون داری‌بملاحظه میرسد که در نواحی گرم مانند سیستان وجود چنین ایوانهـا خیلی مفید بود . ازین عمـارات غالبا برای مقاصد مذهبی واجتماعی استفاده میشد .

بعضی از ین عمارات از گــل ساخته شده است و خاك ایــن منطقه بقدری نرم و چسپنده‌است که وقتی با ب مخلوط شد ما نند اجر محکم میشود و به همین دلیل است که توانسته اند انرا تقریبا سالم از خاك بیرون بیاورند .

طاقهای خانه های عمارت نمبر (۳) از گل بطریق بیضی ساختـه شده است گرچه‌در شرق ایران طاقهای اجری بیضی شکل معمول بود ولی در سیستان گل انقدر محکم بوده که جای‌اجر رامیگرفت. عمارت نمبر ١٤، ۲۰، ۲۳و۲٤ دارای وسعت متوسط بوده و در زمره واحدهای زندگی کوچك بشمار می آیند . موضوع قابـل تذکر این است‌که دربن ساختمان ها استحکامات دفاعی و نظامـی به ملاحظه نمیرسد و بالا حصاری نیز وجود ندارد .

پیشگویی ما را در مورد تاریخ گذاری این ساحه باز یافته های که از کاوشهای این ساحه بـه دست آمده تائید نمود قصبه‌دهن غلامان مربوط بدوره هخامنشـی هـای بـوده وتاریخ‌آن بقرن ٥و٦ قبل از میلاد مطابقت میکند گرچه معلومات ما در باره مفــو لات تاریخی در انجیا نا (زرنگه کتیبـه هخامنشی) محدود است بــاهم اگر بگوئیم که دهن غلامان مرکز اداری و سیاسی در انجیا نـای هخامنشی بوده دور از واقعیـت نخواهد بود . براساس حقایق وارقام باستا نشناسی زرنـ ایزیدو وراما در ـ محل دهن غلامان رد میکنم ولی عقیده داریم ازین موضع بحیـث مرکز در انجیانادر دوره که از دار یوش یا زیرا کس آغاز میگردد استفاده شده است . (۳۲)

در دوره دوم حفریات تعمیر نمبر (۳) تحت کاوش قرار گرفت .از نظرمهندسی بعدا واضح شـد که این تعمیر کا ملا مربوط بدوره هخا منشی است . دراخیر دوره حفریات سال ۱۹٦۳ کاوش آن انجام یافت و معلوم شد که این ساختمان معبدی بـوده و از ـ خشت های‌خامی که دارای اندازه ٤۹ × ٤۹ × ۱۰ سانتی مترمیباشد در عمارت نمبر ۳ نیز از آن‌نوع استفاده شده اعمارگردیده بود محوطه عمارت ۹۰ر۲۸ × ۸۰ ر۲۷ متر بوده و در وسط آن‌سه‌سکوی گلی (غالبا آتشگاه یا مذبح) چهار گوشه که ازارتفاع‌آن از یك متر کمی بیشتر بود بیك قطار شرقا ،غربا بملاحظه میرسد . بهر سکو تو سط چند پله‌را همی یا فتندوآثار سوختگی در بعضی آن پیداست. ترتیب زینه ها یا پله های سکوی غربی از سکوی وسطی و شرقی فرق‌دارد . بدبختانه از سطـح فوقانی سکو ها چیزی باقی‌نمانـده است و ارتفاع اصلی آنهـا معلوم شده نتوانست اما تاجایی حدس زده میشود که ممکن اسـت در حدود ۱٫۲ متر بوده باشد در سطح داخلی آنها خشت های چهار گوشه ۳۳ × ۳۳ × ۱٦ سانتی‌متر بکار رفته . در بین سکو سوراخی دیده میشودکه‌ممکن ازین سوراخ مودا به اتشگاه میرسید .(۳۳)

مفاهیم مذهبی و عبادات در باختر قدیم وایران در ادوار قبـل از اسلام مبحث فوق‌العاده پیچیده است. بنابر توضیح چگونگی این معبد از لحاظ روش مذهبی نیـز مطلب‌قابل‌بحثی‌را تشکیل‌میدهد در مورد تعمیر نمبر (۳)میخواهیم تذکر دهیم که‌از نظر مهندسی از

دوره هخامنشی جدا نیست با در نظر داشت پلان مربع شکل نسبت به پازارگاد به پرسه پولیس نزدیکتر معلوم میشود . بارتباط مراسم عبادات باورمند آن مذهبی دو موضوع در زمینه مطرح میشود اول آئین آتش پرستی و دوم قربانی حیوانات . علاوه بر آن مراسم تقدیم تحفه شراب است که حفریات شواهد آنرا بدست نداده است . اینکه درین معبد آئین آتش پرستی انجام میگردید بمفکوره ما موافقت دارد .قربانی حیوانات در مذاهب قدیم ایران معمول بود که منابع کلاسیک قربانی حیوانات را در دوره هخامنشی ها نیز تائید میکند .

موجودیت اطاق جنوب غرب در محوطه عمارت نمبر ۳ بخاطر ترتیبات خاصی جهت آماده ساختن حیوان برای قربانی فکر میشود . این اطاق بیک اطاقی که در اله لخ Alalakh کشف گردیده ومربوط هزاره دوم میباشد شباهت دارد . گمان نمیرود حیوان درین اطاق تاریك قربانی میشد. وولی Woolley ارتباط اله لخ Alalakh را بائین مترا پیشنهاد میکند . حیوان قبل از ذبح مانند نرگاو میترا درین اطاق از شعاع آفتاب دور در سایه نگهه میشد . عنعنه ایرانی درین زمینه ممکن به مراسم قربانی نرگاو و مترا شباهت داشت . در سوریه در اثرکاوشها مذبحی کشف گردید که در پهلوی آن محوطه کوچك آتشکده وجود داشت . در معبد نمبر ۳ تمام مراسم مذهبی در سه سکو که دروسط محوطه معبدوجود داشت صورت میگرفت عقیده این است که فعالیت های مذهبی درین معبد سه جهت داشت . باین معنی که موجودیت سه سکو در وسط محوطه سمبول آئین سه رب النوع یا گروپ از ارباب الانواع است . فرضیه های که درین زمینه بخاطر تولید میشود اهورامزدا- میترا و اناهیتا خواهد بود . در اواخر حفریات در دو قسمت پلستر دیواری که دو ورق بالای هم قرار گرفته بودند و شواهد آتش سوزی در قشر اول آن توسط قشر دوم پنهان شده بود یافتیم . این موضوع دلائل بیشتری را در مورد اینکه ساختمان نمبر ۳ یك معبد بوده برای ما ارائه داشته است . (۳٤)

عمارت نمبر ۲ :

دراخیر دوره کاوشهای سال ۱۹٦۳ کاوش عمارت نمبر ۲ آغاز گردید ازنظرخصوصیت ساختمانی این ساختمان عادی بوده ولی طرز استفاده مشخص از آن که بمنظور نظامی یا ملکی بوده تا حال واضح نگردیده است . این عمارت مستطیل شکل دارای مساحت ۵۳ × ٤۳ متر بوده وحاوی محوطه میباشد که در اطراف آن ایوانها نیز بمشاهده میرسد . در اثر کاوشها درین محوطه دو دوره اساسی نمودار گردیده است. دوره (۱) و دوره (۲)

دوره (۱ بدو مرحله تقسیم میشود :

مرحله الف:

ساختمان عمومی تعمیر باین مرحله تعلق میگیرد . دیوار های آن از خشت های ٤۹ × ٤۹ × ۱۰ سانتی متر آباد شده که بالای آن توسط کاهگل بضخامت ۲ تا ٤ سانتی متر پلستر گردیده است .

مرحله ب :

درین مرحله طرح اولی عمارت بر اساس ضرورت توسعه بیشتر یافته است اما این تغییر جدی نبوده و وقت زیاد را در بر- نگرفته است در تغییر بعدی از ایوانها بصورت پارتیشن اعمار چند اطاق در محوطه استفاده به- عمل آمده است .

دوره (۲) :

در ین دوره تعمیر در معرض احتکاك ریگ قرار گرفته که بعدا از طرف شبانها بطور موقتی و موسمی مورداستفاده قرارگرفته است این موضوع بالظاهر شدن چندین طبقه ریگ و فضله حیوانات تثبیت شده است . دریندوره باز هم تغییرات جزیی در ساختمان تعمیر واقع شده است . اطاق نمبر(۲) توسط دیواری بدو حصه تقسیم اما مدخل عمارت توسط خشت پخته مسدودگردیده. ومدخل جدیدی برای آن اعمار شده است . پلان ساختمان از لحاظ مهندسی دلچسپ بوده زیرا اولین طرحی است با محوطه مرکزی و ایوانها به چهار طرف آن که از این نوع پلان ساختمانی در ایران اینزمان بمشاهده نپیوسته است . تاثیر هنر معماری هلنستیك بالای آن ملاحظه نمیشود تعمیر و محوطه درساختمانهای آسیایی زیاد وجود دارد مگر در داخل محوطه ایوانها به ندرت دیده شده است . در پرسه پولیس دو محوطه ایوان دار وجوددارد ولی جمعا چهار ایوان را تکمیل میکنند که با یکدیگر ارتباط ندارند در بین النهرین در قصر کیست Kassite ساختمان با پلان غیر عادی دارای محوطه که بدو طرفش ایوان داشته وایوانها با ستونهای چهار گوشه بناشده است دیده می شود درپلان این عمارت از مهندسی هیتت نیز الهام گرفته شده است .

در تالا ر بزرگ حو یلی نمبـــر (٦) بوسعت ٢٥ـ ٥ × ٢٥ـ ٥ متر ستو ن پا یه چهارگو شه جهـــت تقو یه سقف سا بقا بکار ر فتــه است درین تا لار در گو شه‌جنوب شر قی این تالا ر مذ بح کو چـك مربع شکل با چند پله ز ینه جلــب تو جه میکند که مو جود یت چنین مذبح بیانگر يك معبد محلی‌است

در دور ه کار کاو شهای‌سا ل ١٩٦٢ حو یلی نمبر ٤و ٦ از زیر خاك بیـرون گـردیدند کـه پلان آباد یهای مذ کو ر شبیه به‌عمار ت پر سه پو لیس مر بـــو ط دور ه هخامنشی ها میبا شد درین دو ر ه کاو شهای امتحا نی یی در جو از حو یلی نمبر (٥) هم‌صور ت‌گرفت.

بر اسا س باز یا فتها ی که در نتیجه حفر یا ت کشف گر ید ند معلو م گر دید که قصبه دهن‌غلا-ما ن عمر کو تا هی دا شته‌است. ز یرا نسبت عو املی بطور عـ جل و فور ی مترو ك گر دید ه‌است . و لی گما ن نمیرود جنگ عا مل‌این امر شد ه با شد گر چه علت‌سیا-سی که باعث تر ك مو ضع شـد ه با شد کا ملا رد نگر دید ه‌است اما به عقید ه ما شا ید طغیا نی شد ن رود هلمند و تغیر مسیر آن و یـا مسدود شد ن کا نا ل مر بو طــه باعث مترو ك شد ن قصبه‌گردید ه با شد . (٣٥)

مندیگك .

تپه مندیگك در (٥٠) کیلومتری شما ل غر ب کند هار در مجا ورت کو ه شاه مقصود مر بو ط علا قـه کشك‌نخود بفا صله ٢. میلی‌سرك قند هار ، هرا ت مو قعیت دار د . این تپه از ترا کم مواد عمرا نـی دوره‌های‌مختلف‌ازسطح‌جلگه‌همجوار ٣١ متر ار تفا ع پیدا کرد ه که‌از تاثیر عوا مل اقلیمی بشکل‌مخروطی در آمد ه است . یکی از راه ها ی همیشگی قبا یل کو چی‌وکاروانرو بود ه و آنها از همین حصه عبو ر و مرور میکرد ند . خاك بر دار ی بمنظور تحقیقا ت با ستانشنا سـی

در تپه مند یگك بین سا لهای ١٩٥١ـ ١٩٥٩ میلادی توسط هیات با ستا نشنا سی فرا نسوی به‌سر **پر ستی مو سیو** کزا ل متخصص مطا لعا ت دور ه های قبل التاریخ **صور ت گر فت** . چهر ه‌های عمده این شهر پنجهزار سا له د رجریان هشت سا ل طی یازده‌دور ه‌حفریات **ظاهر گر دید ه و معلو م شد کـه مندیگك از يك قر یــه زراعتی** کو چك‌نیمه ده نیشنی بتدر یــج بحسا ب شهر ی انکشا ف کرد ه‌و **بو سعت تقریبا يك** کیلو متر مربع رسید ه بود هسته شهر باعمارات **آن محا ط بیك استحکا م اســت .**

داخل استحکا ما ت‌دوعمار ت‌بزرگ **بملاحظه میــر سد او لی آنرا ا ز** لحاظ بزرگی میتوا ن قصر نا میـد رخ شما لی آ ن (٣٥) متر طــو ل دارد بطر ف شر ق قصر عمـار ت دو می یی قرار دارد که مرا ســم مذهبی در آ ن اجرا میشد .

در دور ه او ل کار حفر یا ت‌در اثر يك کاو ش مقدما تی واضــح **گردید که تپه مند یگك هفت دوره** زند گی و مرا حل مختلف راپشت سر گذا شته است که ایـن هفـت دور ه ز ند گا نی بشر از اواخـر هزار ه چهار م تا آغازهزار ه او ل نما یند گی میکند . از خصوصیات پا یا ن دور ه او ل یکی‌هم‌استقرار زند گی رو ی سا حه میبا شد .در دور ه دو م علایم رکود به مشا هده میر سد درین دور ه ظرو ف‌سفالین عموما با دست بصور ت ساده و ـ ابتدا یی کلفت و ضخیم سا ختــه میشد . اما بعدا خمیر ه شکل و رنگ آ ن اصلاح گردید و بتدر یج قشنگك تر وبهتر شد ه میرود تـا آنکه بمدارج عا لی رسید ه و بــه شکل ظرو ف‌گلی منقو ش تکا مل مینما ید و اشکا ل حیوا نـــا ت ، پر ند گا ن و نبا تا ت روی گیلاس های پا یه دار پدیدار میگردد ایـن حیو انا ت و پر ند گا ن عمو مـا عبار ت از یکنو ع قو چ دشتی با شا خها ی طویل و یکنو ع مـرغ دشتی فیل‌مر غ بود که امرو زنسل آن منقطع شده است .

در دور ه دو م تما س با حوز ه های کلتور ی دیگر انتظا م نداشت **در ایندور ه نخستین مهر سنگی** که نمو نه اصلی مهر های پخته و دارا ی تز ئینا ت هند سی آ یند ه است سا خته شده است .(٣٦)

در دور ه سو م شش مر حلـه آباد ی به نظر میخورد مـر حلـه چهار م آن به سه مر حله کو چـك دیگر تقسیم میشود و میتوا ن‌آنرا دور ه انکشا ف و تو سعه مد نیت مندیگك دانست تعداد خا نه ها تعداد خا نه ها ازيك‌مر حله‌بمرحله دیگر تو سعه یا فته که غا لبـا در این دور ه مها جر ت مردما ن‌دیگر درین محل نیز صور ت گر فته‌بود.

بالا خره مندیگك در دوره پنجم يك سلسله ار تبا طا تی را باحوزه فر غا نه بر قرار میکند که شوا هد نرا از رو ی واقعیت ایکه‌ظروف سفا لی فر غا نه از لحا ظ‌شکل و دیزاین به ظر و ف سفا لی‌مندیگك شبا هت بهم میر سا نند میبا بیم . این دسته ظرو ف سفا لی با دست سا خته شد ه وخطوط سیاه‌هندسی بالای متن سر خ نقشـ گردیـد ه است .

سا ختما ن قبور و صور ت دفن مرده ها در مند یگك و جنوب تر کمنستا ن مشا به بود تعجب آور است اینکه مقبر ه ها دارا ی‌گنبدی

بود ه از خشت خا م کـــه در آن
اجساد را به صور ت مجمو عیدفن
میکرد ند . همسا نی مقا بر و دفن
اجسا د نا شی از ار تبا ط نز دیك
آنها بود ه و به اشترا ك كلتور ی
شا ن دلالت میکند .(۳۷)

در آخرین دوره ا شغال تپه انبار
خانه های‌غله زیاددیده میشود کـه
دیوار های آ ن تما ماپخسه‌یی است
این انبار خانه‌ها مستطیل‌شکل‌بوده
و کو چك اند و با انبار خانه‌ها ی
که در حوز ه سند کشف‌شده است
شباهت کا مل دارد . مو جود یت
پیکا ن های سنگی ، پیکا نها ی‌سه
پهلوی‌مفرغی‌وکلوله‌های گل‌مخصوص
(دوا نجا م مخرو طی‌و سط ضخیم)
نهاد ن در فلا خن ثا بت میکند که
با شند گا ن تپه برا ی محا فظت
انبار غله خود با ین نو ع وسا یل
دفاعی متوصل میشد ند .

درین مر حله اشغا ل که‌شواهد
زند گا نی آخرین با شند گان‌آنرا
در رو ی تپه نشا ن دید ه‌ اند افزار
و اشیا ی آ هنی بسیار کو چك‌و
نا چیز ی بد ست آ مده . بنابران
مردما نی که به تدریج یکی بعـد
دیگری در تپه مند یگک زندگا نـی
کرده اند همه پیش از عصر آهـن
می زیستند و تپه مند یگک که در
آغاز مرا حل ز ند گا نی مردمـا ن
نیمه کو چی و مالدار رانشان‌میدهد
بعد از دور ه پنجم مرا تب تحـو ل
ز ند گا نی را در دور ه آهن معرفی
میکنند .

آباد ی‌و سا ختن سر پنا ه اول
با پخسه شرو ع و باز خشت شده
بمرور نو عیت آ با د ی باخشت
بهتر شده ر فته تا اینکه ازترا کم
مواد عمرا نی تپه مذ کور در حدود
۲۰ متر بلند ی پیدا کرد ه و یـک
دور ه بزرگ و مجللی آغا ز یافته
است که شواهد عمرانی‌آن بصورت
عمارتی بزرگ‌باستون پایه های‌نیمه
مدور خشتی ظا هر گر دید ه د ر
طی هزار ه سو م ق م این آ با دی
بزرگ و با شکو ه به بلند ی(۲۰)
متر از رو ی جدگه ابهت خا صـی
دا شته . این آباد ی در انو قـت
به منظور اجرای مرا سم مـذ هبـی
و یا ادار ی سا خته شده بـود و
احتما لا ت بیشتر بر ین دلا لـت
میکند که مندیگک در ینـو قـت
مر کز یت خا صی دا شته و اثـر
ظهور بقا یا ی حصار ی به طـول
دو سه کیلو متر که در ما حـو ل
تپه بملا حظه میر سد حکم میتوا ن
کرد که این جا در طی هزاره سوم
ق م ز ند گا نی اجتما عی وادار ی
ومذهبی ا نبساط زیاد یافته بود.

شواهدزند گانی‌باشندگان اولیه‌مند-
یگک چیز های بسیار ا بتـدایی
از قبیل افزار سنگی و استخوا نی
است . هیکل ساز ی هم در همیـن
هفت دور ه ز ند گا نی تحول‌کرده
هیکل های کو چك حیوا نا ت ا ز
قبیل گاو و غیر ه بد ست آ مـده
مجسمه گك های گلی پخته (الهه
ما در قابل تو جه است) از ین‌نوع
مجسمه قبل بریك ، يك‌عددازدهمو-
را سی غند ی قند هار هم کشـف
شده بود و نمو نه های متعد د آن
ازموهنجو دارو و هراپه از وادی
سند مکشو ف گر دید . آ نچه در
مجسمه مند یگک قابل ملاحظه است
نما یش زیورات مجسمه ا ستو
گرد ن بند و گلو بند ی دارد و د ر
زنجیر ه که میا ن دو سینه‌او دیده
میشود ز یور دیگر ی تسخیصـی
میشود و از رو ی آ ن معلو م می -
شود که در اواخر هزار ه سو م و
اوایل هزار ه چهار م با شندگا ن
واد ی هیر مند و ار غندا ب‌مراتب
زیاد ی را در ز ند گا نی‌اجتماعـی
پیمود ه بود ند و استعما ل‌زیورات
خود نشا نه از تر قی مرا تب‌زند-
گا نی آنها است . (ش ۵)

آهن بعد از دور ه پنج درمند -
یگک ظا هر گردید ه وتااخیر دوره
هفت بهمان‌یکسا ن ادامه یا فته ولی
آنقدر ها انبسا م نیا فته به نحو ی
که مدنیت مندیگک را علی العموم
مد نیت دور ه مفر غ خوا نـد ه
میتوا نیم .

از رو ی تجز یه کیمیاوی‌معروف
باصول (کاربن ۱۴) که اخیـرا د ر
امریکا معمو ل شده است این‌مرحله
ز ند گا نی تپه مندیگک به سـا ل
۲۶۲۵ قبل از میلاد اصا بت کرده
است و این نتیجه با فیا س علمی
با ستا نشنا سی هم وفق کا مـل
دارد ز یرا با این حسا ب هم بـه
نیمه او ل هزار ه سو م می رسیم
آهن در دور ه ششم ظاهر شده‌است
پنج دور ه او لیه ز ند گا نی مند -
مندیگک قبل از ظهور آ هن‌به‌عصر
برو نز تعلق دا شته و ما را بـا
اوایل هزار ه سو م قبل از میلا د
حتی از آ ن هم پیشتر میبرد وبه
همین جهت و بسا ملا حظا ت‌دیگر
مو سیو کزا ل معتقداست که‌مدنیت
قبل التاریخ مندیگک از پنج هز ار
سا ل بیشتر عمر دارد و مرا تـب
قدا مت از مو هنجو دا رو بیشتـر
خوا هد بود ۳۸ .

حفر یا ت در مند یگک ایـن
واقعیت را نیز واضح سا خت کـه
تمد ن انجا سر انجا م طعمه‌حر یق
گر دید ه چنا نچه آثار حر یـــق
در تما م قصر بمشا هد ه میر سید
در دور ه بعد ی آ با د یها ی‌دیگری
در آنجا شروع شده و دیری دوام
نکرد ز یرا در اثر زلزله از بیـن
رفته به تعقیب مر حله دیگرزندگی
در آنجا آغاز میبا بد اما ز ند گـی
اینبار نسبت با دوار قبلی منحطتر
بود ه خا نه ها بصور ت کو چك
و محقر ی در می آ یند بنابر عقیده
بر خی از محققین سقو ط مند یگک

شا ید ذریعه هجو م اقوا م اریا یی ها صور ت گر فته با شد میر من کرو لیکوا دانشمند اتحاد شوروی آغاز دو هزار قبل از میلادراسقوط مندیکک شمرد ه است و لی بجاه مین رولا ند معتقد است که مندیکک در حوا لی (۱۵۰۰) ق م دراثر یك تها جم خصما نه سقو ط کرده است (۳۹)

کاو شها ی با ستانشنا سی در تپه سر خد ك

تپه سر خدك در(۲۰) کیلو متر ی جنو ب شر ق چخانسور در ۱۲ کیلو متر ی قعله گنگ مو قعیت دارد این تپه دارا ی (۲۰۰) مترطول از (۵۰) تا (۶۰) متر عر ض و بلندی ا ن از سطح جلگه مجا و ر ۳۱ متر میبا شد . تپه سرخد ك از سه سمت شمال ، شر ق و غر ب خورد گی دارد و از جا نب جنو ب با نشیب ملا یمی پا ئین میشو د گر شمن برا ی حفر یا ت دا منه غربی انرا ، انتخا ب نمود که کاروی فقط با حفر ۱۲٫۵۰ متر با کشف محد ود ی از شوا هد هزار سال اول قبل از میلاد مسیح متو قف گردید (۴۰) نتیجه این تحقیقا ت و کا و شها ی مختصر خیلی دلچسپ است زیرا دو دور ه کلتور ی متما ئزرا در آنجا واضح میسماز د .

پیکر های دور ه دو م یا طبقه تحتا نی آ ن عار ی از تز ئینا ت رنگه بود ه سفا ل ها صر ف به رنگها ی طبیعی شا ن که خا کی ویا نصواری سر خ است جلوه میکند خمیر ه آنها چندا ن صا ف نبوده سا ختمان لبه ها ی آنها نسبتا ضخیم و سا خت شا ن توسط چر خ صور ت گر فته است . این سفا ل ها از نظر شکل و رنگ با نو ع سفا لها ی تپه حصا ر وطبقه سیا لك شبا هت بهم میر سا نند . در زمر ه يك تعداد آ ثا ر فلز ی بد ست آ مده ازین تپه سرهای پیکا ن سه پهلو و نو ك خنجر واز زیورا ت گو شوار ه نقر یی بشکل دانه های انار نیز بد ست آمده است . علاوه بر آثار متذ کره پارچه های ظرو فی از سنگ سیاه سخت خا کی تیر ه رنگ هم باز یا فت شده است . آثار استخوا نی ا ز یندور ه کمتر بد ست آمد ه است (۴۱)

دور ه ۲ :

سفا لها ی اینـد وره اقسا م زیاد دارد . آبخور ها ی کو چك خاکی رنگ تشتك ها ی که ته آن همواره و ازخاك مید ه و صاف به صور ت خیلی پخته و وظریف سا خته شده همچنا ن گیلا سها ی پا یه دا ر با تز ئینا ت خطی جلب تو جه میکند در بیشتر از تز ئینا ت ظر و ف چند ین رنگ بکار ر فته است و صنعتکا را ن آنها کو شید ا ند تا رنگ های رو شن درمقابل رنگهای تیره بکار ببر ند. چنا نچه رنگهای سفیدو زرد متنا وبابار نگها ی سرخ و سیا ه کار شده است تز ئینا ت ظروف مذ کور را ا شکال هندسی سا ده تشکیل مید هد .

پیکا نها ی فلز ی بصور ت برگ بید که در دوره اول هم دیده نشد ه در یندوره ز یاد است . از زیوار ت گل کمر بند، پن ساد ه ، دکمه های نیم کرو ی و باز وبندها دردست آمده است . اشیا ی سنگی در عصر دو م و جود ندارد تنها شی کشف شده سنگی یکی هاو نکلان با دودسته آن میباشد گر شمن در را پو ر خود تذ کر داده است که شوا هد ز ند گی از دوره اخیر این تپه ظا هر گر دید ه است که هر دو مر بو ط هزار ه او ل قبل ا ز میلاد میگرد ند .در ۲۱ متر بقیه تپه امکا ن داردشواهد مدنیت سه تاچهار هزار سال قبل از میلاد درطبقات پائینتر کشف شد ه و مو ضو ع با همی با مد نیت ا ندوس مدنیت بین النهر ین و واد ی نیل بر قرار گردد (۴۲)

در ۱۹۷۲ جار ج دا نس مربو ط پو هنتو ن پنسلوا نیا در تپه سر خ دا غ ناد علی جا ئیکه گر شمن د ر ۱۹۳۶ حفر یا ت نموده بودکاوش نمود ولی بد ر یافت شواهدزندگی قبل التاریخ مو فق نگشت .(۴۳)

روابط سیستا ن با ستا نبادیگر حوزه های تمد ن قبل التاریخ

گرا یش نظریا ت محققین و با ستا نشنا سا ن بصور ت عمو می براین است که سیستان قبل التاریخ با مو قعیت بخصو ص خودباوادی وسند ، بلو چستا ن ، مناطق شما ل اکسو س واراضی بین خز ر و خلیج فارس و دور تر تاسوز یا ن وعیلام در بین النهر ین وحتی از از آ ن هم دور تر تا وا د ی نیل که حوز ه های مهم تمد ن قبل التاریخ بشمار میرو ندروابطی دا شته و دارا ی تمد ن مشا به بود ند . شوا هد با ستا نشناسی میر سا ند که بین شما ل غر ب هند و بین النهرین بعد از قر ن سو م میلاد ی را ه کاروانرو ی وجود داشت . این راه ازشمال جلگه مرتفع ایرا ن میگذ شت و از این را ه بمنظور تجار ت و لشکر کشی ها استفاده میشد . را ه متذ کر ه از معبر خیبر ، واد ی کابل،قندهار هرا ت ، خرا سا ن ، ر ی گذ شته بعد از آ ن برا ه مشهور ابر یشم که از مرو و سمر قند عبورمیکرد به بغداد منتهی میشد و صل میگر دید (ش ۶)

تحقیقا ت با ستا نشنا سی د ر خلیج فار س را بحر ی را که به منظور تجار ت بین حوز ه سند و

بین النهرین در هزاره سوم وجود داشت واضح ساخته است. این راه در اسناد قرون ۹و۱۰ محققین غربی نیز تذکار یافته است. (۴۳) شبه جزیره قطر جزایر بحرین و فایله که Failaka با امتداد راه متذکره واقع بود. زمانی که تجارت بین دو ناحیه فوق رونق پیدا کرد بخاطر حفظ امنیت این راه اهمیت زیاد کسب نمود و تصور میرود که در ین ارتباطات سیستان و جلگه مرتفع ایران سهمی داشته است.

راه دیگر یکه مستقیماً حوزه اندوس را از طریق دره بولان و گومل بقندهار ارتباط میدادنه تنها توسط بیوگرافی نویسان اسکندر و منابع ایرانی تذکر داده شده است بلکه موجودیت ساحات زندگی بشر در ادوار قبل التاریخ را در امتداد این راه در وادیهای لورالای. زاب. کویته وقندهار (مندیگک) بحیث اسناد باستانشناسی دال باین مطلب متذکر شده اند همچنان شاخه ازین راه از قندهار بطرف شمال غرب باستقامت هرات رفته بمراکز ترکمنستان، انوو نمازگاه متوصل میگردید شاخه دیگری هم با امتداد دامنه های سلسله البرز به تپه حصار و چشمه علی میرفت. شاخه سومی باستقامت جنوب غرب از طریق وادی هلمند بعد از گذشت ریگستان و دشت مارگو بمرکز سیستان ارتباط می یافت.

یك راه دیگر از سیستان بعد از عبور مرکز بلوچستان به سند میرسید واین راه مشهور که روزیا بود که توسط تاریخ نویسان اسکندر بحیث راه بازگشت اسکندر از هند ذکر شده است.

موجودیت این راه ها که در فوق از آن تذکر بعمل آمد مطالب ما را در مورد ارتباط سیستان بحوزه های باستانی تائید میکند. موضوع دیگر که بصحت این امر کمك میکند مقایسه آثار باستانی مربوط این حوزه ها ست که اینك در مورد نظر ی ارائه میدا یم.

بارتباط تصنیف فیرسرویس سفال سیاه قهوه یی سیستان در تمام ساحات متذکره دریافت شده است تزئینات هندسی این سفال ها اکثرا پیوسته به لبه خارجی ظرف یا بشانه آن صورت گرفته است.

دو نمونه صلیب شکسته به صورت هم آهنگ در سطح داخلی جامهای که از شهر سوخته یافت شده دیده میشود تزئینات اخیر الذکر در ظروف سفالی سوساو شاهی، تومب، خوراب هم بمشاهده میرسد. بهر صورت چنین معلوم میشود که این سفال در هزاره سوم قم بیشتر بمردم مزارع بلوچ سیستان ووادی هلمند تعلق داشته است.

هیکل های سفالی و گلی که بتعداد زیاد از شهر سوخته، نادعلی و مندیگك بدست آمده و عده بیشتر آن اشکال گاو نرو ماده را نشان میدهد تشابهاتی دارد به اشکال سفالینه که از بلوچستان و نواحی جنوب ایران کشف شده اند.

اثر بسیار دلچسپ حیوانی که دارای دو سر بوده ورو بروی هم قرار گرفته اند از شهر سوخته کشف گردیده است تا جائیکه بما واضح است ازین نمونه فقط یك اسپ دو سر بصورت نقش در سطح داخلی یك کاسه از تپه نماز گاه بدست آمده که فعلا در موزیم هرمیتاژ نگهداری میشود. (۴۴)

کاوشهای باستانشناسی در ساحه باستانی مندیگك روابط با همی مدنیت های سیستان. ایران و هند را در دوره اندو ـ سومر که در اخیر هزاره چهار تا اخیر هزاره سوم قبل از میلاد دوام داشت روشن ساخت. ارتقای این فرهنگ ها شبهه ن در بین النهرین که تکامل جامعه را از شکل روستا یی به شهر نیشنی توضیح میکند همزمانی را نشان میدهد. قدیمترین دوره مندیگك معاصر دوره جمدت نصر (تقریبا ۳۰۰۰ قبل از میلاد) بوده و سفال های ازین دوره به جامانده است که شباهت به سفال های سوسیا ـ آنوو قدیمترین سفالهای کویته بلوچستان ندارد.

از بازیافتهای باستانشناسی چنین معلوم میشود که در هزاره سوم قم مهاجرت مردمان از ناحیه سوسا به مندیگك صورت گرفته است که این مهاجرین غالبا با مردم مندیگك ارتباط نژادی داشتند. آثار یکه ازطبقه چهارم مندیگك (مربوط ۲۵۰۰ قم) بدست آمده مانند گیلاس های پایه دار اجری بشکل قدح که بالای آن برنگ سیاه بز کوهی با شاخهای دراز ش‌تر ـ سیم گردیده است مشابه به آن گیلاس های است که از سوسا کشف گردیده است و مربوط به ۲۸۰۰ قبل از میلاد میباشد. این نوع دیزاین ها روی سفال که از کولو Kullu بلوچستان یافت شده نیز دیده میشود مجسمه اجرای (الهه مادر و سر ـ سنگی خورد یك انسان که از

مندیگک بدست آمده با مجسمه های که از موهنجودارو یافت شده اند ارتباط نزدیک راوانمود میکنند. ٤٦

کشف مهرهای سنگی دارای تزئینات هندسی از این منطقه دال بر این است که مندیگک فعالیت تجارتی با ممالک همسایه و دور دست داشته است این‌مهرها روی یک پارچه سنگ‌هموار با بعضی او قات روی استخوان حک میشد و مهرها دارای پلان‌هندسی بودند مهرهای مشابه به آن ازتپه نمازگاه (جنوب ترکمنستان نیز در یافت گردیده است که ازروی آنها میتوان حوزه اخیر الذکر را یکی از نقاط مبادلات تجارتی با مندیگک دانست.

از مطالعه مجموعه آثارطلایی ونقره که از فلول (واقع و لایت بغلان) بدست آمده بر می آید که موضوعات هنری این‌گنجینه شباهت به تزئینات آثار سفالین دوره چهارم مندیگک و دوره دوم شهر سوخته دارد. ٤٧

شهر سوخته با (٧٥) هکتار وسعت بزرگترین ساحه عصر برونز در سیستان است که در نواحی جنوبی این شهر حدا قل سی‌ناحیه سکونت بشری‌ادوارقبل التاریخ تشخیص گردیده است همه ساحات باستانی خورد که وسعت آن از دو هکتار تجاوز نمیکند در ساحه خشک اطراف دلتا موقعیت دارند. از نظر وسعت این هم یک نمونه غیر عادی است که بین ساحه ٧٥ هکتار و ٢ هکتار ساحه مسکون و سعت متوسط بمشاهده نمی رسد .. همینگونه اشغال اراضی در اواخر دوره تمدن حوزه‌سند درشرق دریاچه مکهار Machhar در پاکستان و جنوب ترکمنستان ودر دوره پنج نمازگاه نیزبه ملاحظه میرسد.

نظری بر ساحات باستانی سیستان افغانی وایرانی

در آن بخش های از سیستان که امروز مربوط جغرافیایی ایران کنونی است بجز دردو ساحه باستانی شهر سوخته و دهن غلامان که هر دو ساحه با دوار قبل التاریخ ارتباط میگیرید دجای دیگری‌حفریات صورت نگرفته‌است.

در سیستان افغانی موجوده از نظر قبل التاریخ تنها در تپه سرخدک مربوط نادعلی‌حفریات از عمق کامل ٣١ متر فقط ٥ر١٢ متر و در شهر غلغله که مربوط دوره اسلامی است. محض یک هفته کاوش در آنجاصورت گرفته تحقیقات فراتر در این منطقه از سطح‌سروی و مشاهدات پیش نرفته است.

لذا ساحه باستانی مندیگک در محدوده سیستان باستان واقع میشود و باارتباط این‌موضوع تحت عنوان سوابق تاریخی سیستان صحبت بعمل آمده است تحت بررسی مقایسه قرار گرفته است.

حقیقت اینکه آیا در تمام سیستان باستان فرهنگ واحدی بر قرار بود و یا نه موضوعیست که تا حال نزد دانشمندان و محققیین تاریخ کاملا حل نشده است. امااز روی‌شواهد دست داشته سیستان شمالی که شامل هر دو قسمت ایرانی و افغانی میشود یکنوع وحدت فرهنگیی را به مقایسه تمام سیستان جنوبی نشان میدهد.

عوامیلیکه بر زندگی انسان در سیستان تاثیر وارد نموده ودر نظر داشتآنها مارا دربررسی مسایل بشر شناسی آنجا و درک چگونگی ایجاد فرهنگ و احدو سراسری در سیستان رهنمایی میکند عبارتند از:

١- استفاده از ساحه وسیع و حاصلخیز زراعتی با حد اوسط باران سالانه ١٥: تا ٢٠. ملی متر.

٢- موجودیت کوها در جوار غربی این حوزه در ساحه که استخراج معادن بطور مجدود از آنجا صورت میگیرد.

٣- ارتباط بحر یا ن فوقانی دریا و باالوسیله بد امنه های هندوکش با استفاده از تسهیلاتی که مسیر دریا آنرا فراهم نموده است.

٤- زمینه مساعد برای‌پرورش‌مواشی و موجودیت جانوران وحشی در هامون هلمندومحیط مناسب برای رشد گیاهان‌وحشی و وافر.

٥- پیشکش آب وافر و غیر نمکی هلمند در جهت تامین حیات ارام بشری.

٦- تمایل عمومی بمنظور تمرکز خدمات و قوای اداری در هسته مرکزی واحد مبنی برتاثیراین عوامل خصوصیات‌ساحات‌کاوش یافته در سیستان بصورت عمده بهم شبیه بوده که این شباهت در اکثر بازیافتها و شواهد کتنوری جماعات بشری در این حوزه بمشاهده میرسد.

از روی شواهد و بازیافته های فرهنگی به یقین درمیابیم که در گذشته روابطه فرهنگی بین روستاها. شهری های واقع در جریان تحتانی، و سطحی و فوقانی دریای هلمند وجود داشت.

طوریکه تذکار یافت باآنکه کاوشهای باستانی درسیستان توسعه چندانی نیافته قرابت

های بین آثار مکشو فه از دومنطقه (سیستا ن ایرا نی و افغا نی بملا- حظه میر سد که ما عمو میا ت این تشابها ت و نزدیکی های فر هنگی را بصور ت مو جز یاد آور ی می نماییم تا با شد مقا یسه از نقا ط مختلف سیستان بعمل آوریم .

در دو عد د لو حه سفا لی‌سرخ وزرد بد ست آمده یکی از شهـر سو خته و دیگر از مند یگگ دید ه میشود که از طر ف در هر یك‌ازین لوحه ها مقطع پرو فیل تصو یـر انسا نی دید ه میشود که یك شی مستطیل شکل را گر فتـه است . چشما ن او به پیش نگا ه میکند و پا ها یش در حا ل حر کت‌تمثیل گر دیده است . نمو نه شهرسو- خته نسبت به مندیگگ‌خو بترحفظ شد ه‌است . از لحا ظ هنر ی‌مراتب کا ملی بین این دو اثر دید ه میشود این نمو نه ها از نظر سبك‌دیزاین با تر سیم انسا ن در آثار یکـه از سو سا و سو مر کشف شد خیلی نزدیك بوده‌که‌بیانگرروابطشهر سو خته و مند یگگ به آ ن‌مناطق میبا شد .

بکس های‌گلی که‌توسط فیر سر و- یس مود ل خا نه وانمود گرد ید ه است و از حفر یا ت و سطح‌ساحه شهر سو خته بد ست آ مده علاو ه از آنکه با بکس های سر جنگـل و دمب سادا ت شبا هت دا رنـد با کمی اختلاف درتزئین با ینگونه آثار بد ست آ مد ه از مند یگگ دیگر سا حه های کو چك نیـز شبا هت بهم میر سا ند .

دو سیت آثار مر بو ط بر مـه کرد ن و سورا خ نمود ن‌سنگهای قیمتی از شهر سو خته بد ست آمده است. سیت اولی عبارتست از دسته های کما ن برمه وسیت دو م سر ها ی بر مه را تشکیل مید هد او ل الذکر ازمرمر سفید بدست آمده سنگ آهك و یاسنگ شیست‌سا خته‌شد ه‌ودرقاعده ها ی شان سوراخی به ملاحظه میر سد مو سیو کزال بـا ستا نشنـاس فرانسوی شبه این آثار را از طبـقه ٤ مند یگك بد ست آورده و برا سا س مشا هدا ت خود از استعما ل اینگو نه افزار که هنوز هم مرو ج میبا شد به شنا خت آن پی برد ه است . . . .

یکی از صنا یع بسیار جا لـب شهر سو خته تو لیـدا ت الا ت سنگی ، چقما قی ، بلور ی‌و غیر ه میبا شند بر مبنا ی این با زیا - فتها ما گفته میتوا نیم که سرهای تیر کشف شد ه از تپه حصـا ر بمپور ، زآب ، مند یگگ وغیره تما ما با نمو نه های شهرسوخته ار تبا ط نزدیك دار ند .

منجمله سفا ل خا کی رنگی که از دور ه IV مندیگگ ، عده ا ی از قبور او ما ن نر در قطر دوره

III دمب سادات مرحله III کویته و قبور خو راب بدست آمده است نشا ن مید هد که این‌سفال دریك سا حه و سیعی روا ج‌داشت این سفا ل بعین شکل و عیـن تخنیك حـ رار ت داده شده است . طرح‌های تزئینا تی آن واضحا‌ارتباط بهم میر سا ند و حتی با تما م‌جز ئیات با دیگر باز یافتهای بعضـی منا طق هزا ر کیلو متر دو ر تـر نیز منطبق میشو ند .

در فر هنگ جیو کسجو ر کـه با ستا نشنا سا ن شور و ی آ نرا بین ۲۷۰۰- ۳۱۰۰ قبل المیلاد تار- یخگذار ی کرد ه اند نو ع جد یـد سفا ل از سفا ل محلی انکشـا ف یا فته است . این سفا ل دارا ی خمیر ه ریگی بود ه دورا ن پختگی و در جه حرار ت یکسا ن کیفیت خیلی بهتر از سفا لها ی قبلـی و دارا ی تز ئینات هند سی یـی عمد تا به شکل شطر نج‌بمشا هد ه میرسد. اینوع تز ئینات در بیشتر از ٤٠ فیصد سفا ل های کـه ا ز دور ه I شهرسو خته بد سـت آمد ه دید ه میشود همچنا ن نو ع سفالها ی جیو کسجو ر از طبقـه III مند یگك نیز بد ست آ مده است . (٤٩).

پار چه سفا لی مر بو ط یـك بکس سفا لی با تز ئینا ت هند سی سفید بالا ی ز مین لا جـو رد ی مکشو فه از شهر سو خته ز مینـه مقا یسه را با پار چه های هم مانند آن که از دیگر نقا ط بد ست آمده باز نمود ه است . در نماز گـاه والتا ی تپه پار چه های متعـد د بکس سفا لی با تزئینات کنـد ه کار ی یا فت شده است‌همچنا ن پارچه حـاوی تـزئینات نقاشی از مند یگگ و دمب سا دا ت کشـف شده است که تز ئینا ت آ نرافیر- سرو یس به تز ئینا ت تیکر ها ی همعصر ا ن که از کو یته بد ست آ مد ه مشا به و انمود کرد ه است

باز افتها ی که غا لبا متلعق بمو ضو ع مذهب بود ه و ازشهر سو خته کشف شد ه هیکل‌سفالی و گلی حیوا نا ت است این آثا ر در تما م نوا حی جنو ب غر بـی بار تبا ط کیش های رو ستا یـی و عد ه ایزدا نی که‌مربو ط بمسایل حاصلخیز ی بود ند عمو میت پیدا. کرده است . گر چه اسناد وا ضح راجع با مین مطلب و جو دندار د و لی‌میتوا نیم بگو یم‌که نزدجمعیت های رو ستا یی هزار ه سـو م و چهار م قبل از میلاد مسا یـل حا صلخیز ی اهمیت زیاد دا شته و تما م آثار مر بو ط دنیای‌حیوانات

که تولیدات متنوع آن آئین های گوناگون باستانی را **ایجاد** نموده‌دال بهمین **موضوع میباشد**. هیکل های سفالی **شهر سوخته** که حدوسط بلندی آنها بین ۳تا۸ سانتی متر میباشد باشکال مختلف بیشتر بصورت‌گاو نرو ماده واضحاً بموضوع حاصلخیزی ارتباط داشت، تظاهر یافته است که بانهائیکه از طبقات III و IV مندیگک بدست آمده ارتباط نزدیک دارند.

آثار دیگری که بتعداد زیاد از شهر سوخته بدست آمده عبارتست از گل های کلوله شده شکل این آثار در دو انجام مخروطی و در حصه وسط ضخیمتر اند اندازه آن ۵ر۱ در ۵ سانتی متر بوده از گل بسیار فشرده ساخته شده **این** گل های کلوله شده مخصوص نهادن در فلاخن است که درمورد اصابت قوه زیادی را تولید میکند. دراکثر حصص جنوب غرب آسیا از قبیل طبقه III تپه حصار واکثر حصص باستانی نواحی سرحد هند، ایران به شمول دهمو راسی غندی. مندیگک و بمپور اینوع آثار بملاحظه رسیده است.

مسکونین قدیم سیستان به نسبت موجودیت کچه کوه در حاشیه غربی این حوزه سنگهای قیمتی، مرمرسفید، بلور و غیره را به صورت وافر در اختیار داشتند موجودیت مواد خام زمینه رابرای ساختن ظروف سنگی درین منطقه مساعد نموده بود ظروف سنگی که از شهر سوخته بدست آمده در دیگر نواحی همجوار آن هم دریافت شده است یك تعداد قابل ملاحظه ظروف کوچك سنگی و پارچه های آن از مندیگک نیز کشف شده است. محققین بدخشانرا درقسمت شمال شرقی افغانستان مرکز عمده لاجورد دانسته اند ارتباط بین بدخشان و سیستان توسط دریای هلمند که ۲بر۳ حصه این فاصله را احتوا مینماید سهل میگرداند.

شباهت فرهنگی دوره I و II شهر سوخته و دوره II و IV مندیگک مشخص میسازد که نظم سیاسی واحدی درین دو مرکزدر جریان فوقانی وتحتانی رود هلمند در آنوقت برقرار بوده است.[5]

مطالعه آثار باستانی بخصوص سفالهای دهن غلامان ومقایسه آن با سفالهای نادعلی ما را باین نتیجه میرساندکه بین‌این دو ساحه بهم نزدیك روابط قریبی وجود داشت.

ظروف سفالینی را که گرشمن از حفریات تپه سرخدك نادعلی دوره I و II کشف کرده و فیرسرویس نیز ضمن سروی نمونه های آنرا از سطح اراضی آنجا گرد آورده است. با ظروف سفالی کشف شده از دهن غلامان شباهت زیاددارد. در بعضی‌ظروف سفالی دور II نادعلی اشکال نیزه‌سه سره به صورت واژگون دیده می شود که در اکثر ظروف بازیافت شده‌از دهن غلامان نیز وجود دارد. در عده از سفالهای جلادار دهن غلامان دیزاین های دیده میشود که خیلی شبیه به ظروف سفالی خاکی، سیاه دوره II نادعلی میباشد.

بهر صورت آثاریکه از دهن غلامان کشف شده بسیار شبیه باثاریست که از نادعلی بدست آمده است آشفتگی و اختلال‌مراحل احتمالا بعلت معیار مختلف‌حفریات خواهد بود. و چهره واقعی نخواهد داشت متیقن هستیم از نظر تاریخ دهن غلامان با دوره[1] نادعلی انطباق خواهد داشت. همگونی آثار باستانی از ساحه های قبل التاریخ در مواضع‌مختلف‌حوزه‌سیستان نشان‌دهنده انست که مردمان این حوزه تحت شرایط مشخص‌محیطی قرار گرفته و از فرهنگ واحدی برای یك مدت خیلی طولانی برخوردار بودند که این‌وحدت کلتوری بجز هنگام تهاجمات تاتعین مرز بین ایران‌وافغانستان ودو پارچه شدن سیستان ادامه یافته است.

پاورقی ها :

1—The Encyclopadia of Islam, Vol. 4, Leyden, E.J. Brill Ltd, 1934, P 35.

۲ـ مایل هروی ـ جغرافیای‌حافظ ابرو ـ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۹ ص ۵۱

3- G.P. Tate Seistan(A Memoiron the History,Tpoyraphy Ruinsand people of the country) , Gal-cata Superintendant Gov-erment printing, India 1910 P.108 - 109.

4- The EncyclopaediaBritannica, Elventh Editionthe University press New York 35, West 3 and Street 1911 p. 593.

۵ـ احمد علی کهزاد ـ تاریخ‌افغانستان ـ ج ۲ مطبعه عمومی‌کابل ۱۳۲۵ هـ ص ۱۴۲

6- Seistan (aminoir onthe History TepographyRuins and people of the country) P.183.

۷ ـ میر غلام محمد (غبار)افغانستان در مسیر تاریخ‌ـ دکتاب‌چاپ لو موسسه ۱۳۴۶ ص ۴۵ .

۸ـ افغا نستا ن در مسیرتاریخ (ص ٤٦)

9- The Encyclopaedia ofIs!am, Vol,4, Leden Late E. G. Brill Ltd. 1939. p. 458, 459.

۱. ـ به تصحیح ملل الشعرا ء بهار ـ تاریخ سیستا نکتابخانه‌زوار ١٤ ١٣ ه ص ١٤٨

۱۱ اـفغا نستا ن در مسیـرتاریخ (ص ۲۲۰)

۱۲ ـ افغا نستا ن در میســـرتاریخ ص (۱۲۱)

۱۳ ـجغر افیا ی حا فظ ابر وـص.٦٠

سردار سلطان‌احمدخان به کمـک‌قاجار ی در هرات ز مـام امـــوررا بدست گرفته بود و امیر بـــود و امیر دو ست محمد خان ده ما ء پیهم در هرا ت با وجنگید تا آنکه‌سلطـــا ن احمـــد خا ن و هـــــر دو پسر ش در جنگ‌مغلو ب‌گردیده‌و هرا ت بد ست‌امیر دو ست‌محمدخان افتاد .)

14- The Encyclopaediaof Islam, Vol. 4. 1934 P.460.

15- John lovett S.T.M.(makors) , and Evan smithEastern potsia (An Account of the Journeys of thepersian Boundry Commi ssiox 1870 - 71 - 72), london macmillan and co., 1876.P. 406 - 407.

۱٦ ـافغا نستا ندرمسیرتاریخـص ٥١ـ٥٧

17- D. P. , Singhal, Indiaand Afghanistan (1876-1907)University of Qurenslad press. 1963. P. 10.

18- The Encuclopaedia, Britannica, Eliven Edition P.P. 592 - 593).

19- Eastern persia Lon don Macnillan and co,1876 P. 407 - 412)

20- Dr. K!ous Ficsher,Enterrelatoons of estanicArchitecture in Afghani stan, MARGE, vol, xxi,No I.Decemder 1970 P. 49.

21- CC. Lamcerg - Kara-locsky and Morrizi Tosi,Shohr - i - Sokhta and Tepe yahya, Tracks an theEarliest history of theIranian plateau, Eastand

west, Vol. 23, No I - 2.
(Morch - June 1973) P . 21.

22- F. R. Allchinand N.H. amind, the Archoeology of Afghanistan Academic press, 1978 P.P. 166 - 167.

23- Dr. George F. Dales,prihistoric Research insouthern Afghan siestan, Afghanistan, vol v, No. 41972.

24- Maurizio, Tesi, Pro-ceed, rgs of the Iv theAnnual Symposiun on Archaeologcal Researchin Iran, November, 1975, P. P. 150 - 131.

25- Maurizie Tesi, Pre-ceedings of the Annaulsymposium on Archaeolo-gical Reseach in Iran,Nevember, 1975 P. 134.

26- CC Lomverg - Ker!ev·sky and Murizie, Shar-i-So and Tepe Yahya, Tracks on the E arliestHistory of the Iranianplatean East and west, Vol 23 Nes 1 2 MarchGune, 1973. P. 25.

27- Shahr i Sokhta andTepe Yaya, East ANDWEST. vol 26, P. 27.

28- Shahr i Sokhta andtepeyahya, EAST ANDWEST. vel 23, P. 27.

29-Maurizie Josi, Excavation at Shahr-i-Seokhta Preliminary Report on the Secend CopaignSep - Dec 1968, EAST AndWEST vol 19 No 3 - Sep-Dec 1968 P 365.

30- Shahr. i Sikhta AndTepe Yahya TRACKS on theEarliest - History of the iranion Pliteau, EAST AndWEST. vol 23 P - 28.

31- Marcelle piperne77 at Shahr, i-sokhta i-Sokhta further Evedenceof Technological Speciolizationin the 3 rd MRLLE - nnun Bc, East and West vol

26 Nos I - 2 March - June1976.

32- Umberto scerrato, Excavtion At Dahan - gh- ulaman (Sistan Iran) EAST AND WEST, Vol 16,Nos - 2 march - June . 1966.P. P. 9, 10, 11.

۳۳ د و کتو ر عیسی(بهنما م)(سیستا ن در دورا ن هخا منشی)هنر و مرد م شمار ه ٦٩ تیـر ما ه سا ل ١٣٤٧

34- Excavation At Dahan- i Ghulaman (seistan - Iran)vol 16, P. P. ,12 , 13, 14.

35- Excavation At Dahan i Ghulaman (Seistan Iran)vol 16, P . P . 19 - 25.

٣٦- احمد علی معتمدی (دوره‌ها ی قبــل لتا ریخ افغـــا نستا ن آریانا سال ســـی و ســـو م سرطان و سنبله ١٣٥٤

٣٧ - نور الله تا لقانی)افغا ـنستا ن ما قبل آر یا یی ها .مطبعه‌دو لـــتی سا ل ١٣٦١ ص ١٦٤٠

٣٨ - احمد علی کهزاد (پایا نحفر یات مند یگک آریانا- شمـــاره یازدهم سال ١٣٣٧ .

36- Banjamin Rowland, Ancient Art From Afgh-anistan An saia House Gallery Pablication, 1966.P . 16 .

40- EAST AND WEST.Vol 18, Nos, 1 - 2 (March June 1968) P.14!

٤١- آریانا دایر ه المعار ف -جلداول - ١٣٣٥ - ص ١٣٣

٤٢ احمـد علی - سالنامه کابل٢٤- شمار ه ٧و ٨. -جلد او ل - سا ل ١٣٢٨ - ص

-سال ١٣١٧ مجله آریانا - دور ه

43- F . R . Allchin And N. H ammond the Archaeology of Afghanistan Academic Press, 1976- p. 166

44- Maurizio Tosi, Exca-vation At Shahr - 1 Sokhta, Achalcelithic sittlement in the Iranian sistan, EASTAND WEST Vol 18 - nos1 - 2 (Morch - June, 1968) P. 9.

45- Excavation At shahr i Sokhta, AchalcolithicSettlement - In the Iranian In the Iranian Sistan, EAST AND WEST Vol . 12Nos 1 -2 -(March -June,1968), P . P . - 53 - 54.

46- Ancient Art ofAfghanistan , Tresures oftheKabul Museum 1966 P.16.

٤٧- احمد علی معتمد ی(دور ه‌های ما قبل التاریخ افغا نستا ن)آریانا ن و سا ل ١٣٥٤

48- Excavation At shar-1 sokhta, AchalcolithisSettlement-In the Iranian sistan, EAST AND VOL.18. Nos 1 - 2. (March - June1968). P. P. 58 - 59 - 62 .

49-Shar-i sokhta AndTepeTepe Yahya, Tracks in the Earliest History of the Iranian plateau, Vol.23. Nos 1 - 2 (March - June1973), P. 24 .

50- Mauriziu Tose, Excavation At hahr - 1 sokhta, preliminary Report on the second campaign, sep - dec1968 EAST oAND WESTVol. 19. Nos. 3 - 4, sep - Dec -1968. P.P.360. 369. 377.

ماخذ :

1—Benjamin Rowland, Ancient Art From Afghanistan, An Asia Hause Gallery Publication, 1966

2— CC Lamverg Karlovsky And Maurizio Tosi, Shahrisokhta And Tepe yahya: Tracks on the Earliest- History of the Iranian Plateau EAST AND WEST Vol. 23, Nos1-2, March-June 1973.

3— F R Allchim And N. H. ammond, the Arch-aeology of Afghanistan From Earliest time to the Timurid Pericd, Academic Press 1978.

4— George F. Dales, Prehistoric Research in Southern Afghan Seistan, Afghanistan Vol. XXIV N. 1972.

5— G. P Tate, Seistan (A Memoiron the History Tefegraphy, Ruims and People of the country) Calcata, Superintendent Government Printing India, 1910.

توزیع ساحات مسکون هزاره سوم ق م در سیستان ایرانی

(ش ۱)

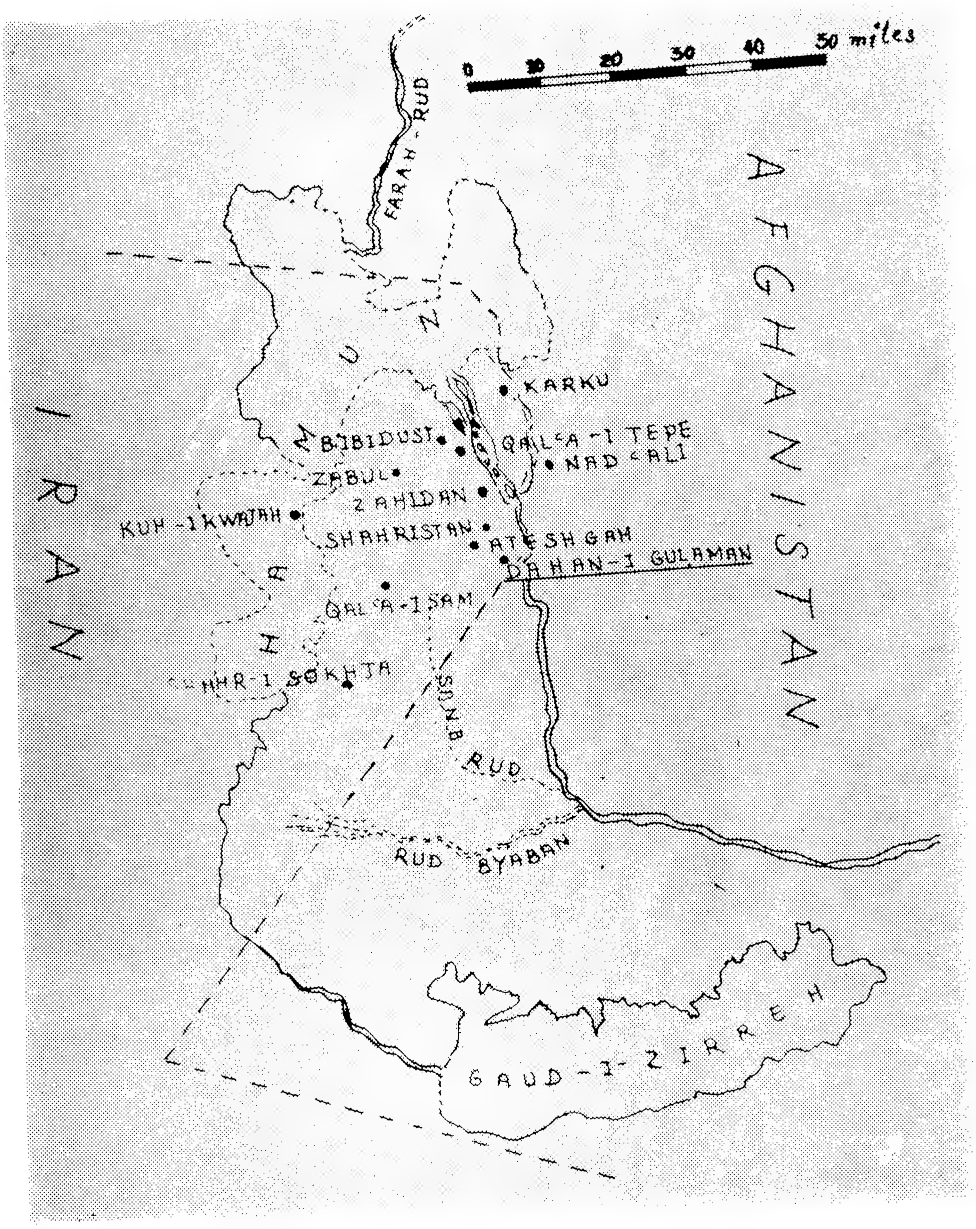
0 10 20 30 40 50 miles
FARAH-RUD
AFGHANISTAN
IRAN
KARKU
BIBIDUST
QAL'A-I TEPE
NAD 'ALI
ZABUL
ZAHIDAN
KUH-I KWAJAH
SHAHRISTAN
ATESHGAH
DAHAN-I GULAMAN
QAL'A-I SAM
RUD
RUD BYABAN
GAUD-I-ZIRREH

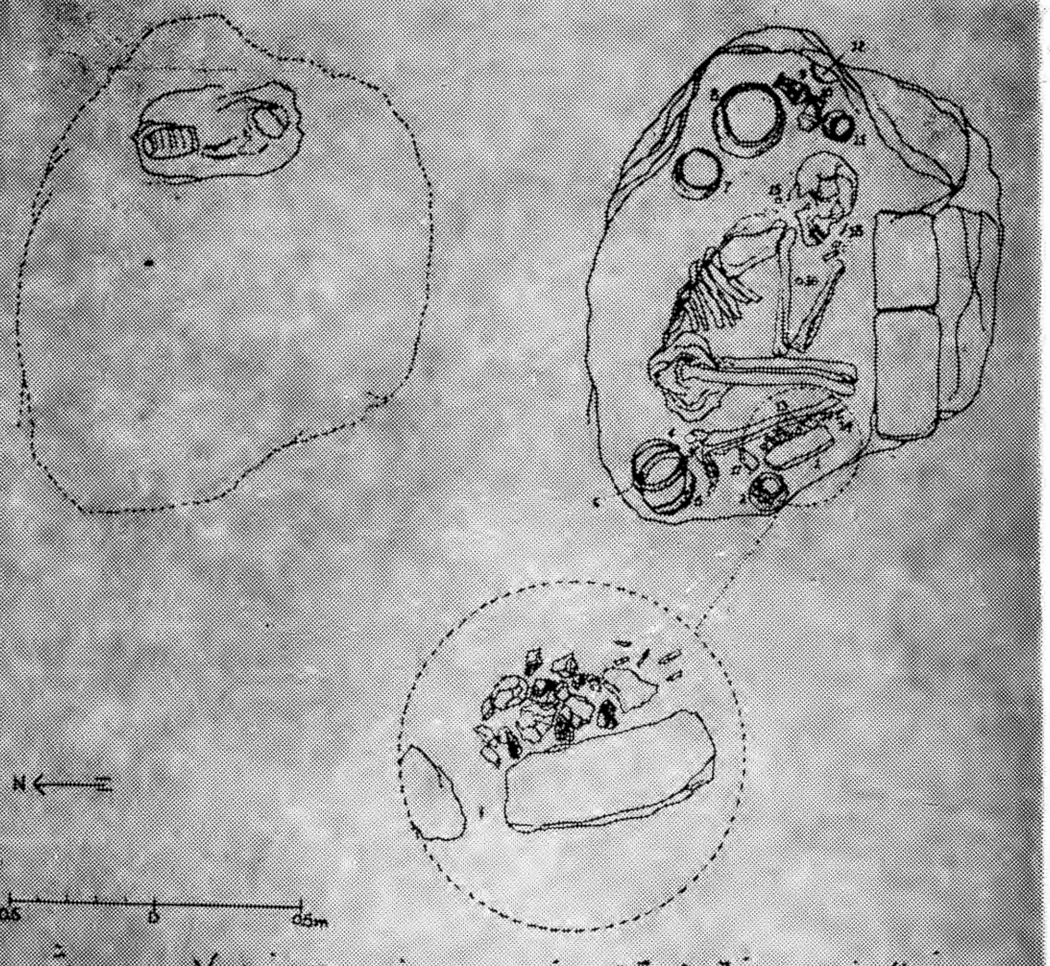

شهرسوخته: قبر فوقانی وتحتانی نمبر ۷۷ ، در زیر سیت (فرایکال) دیده میشود

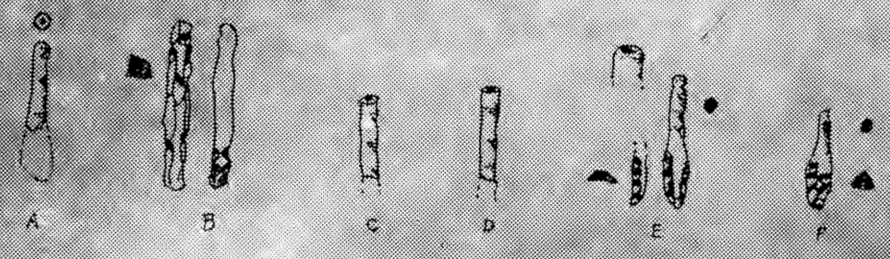

(ش 3)

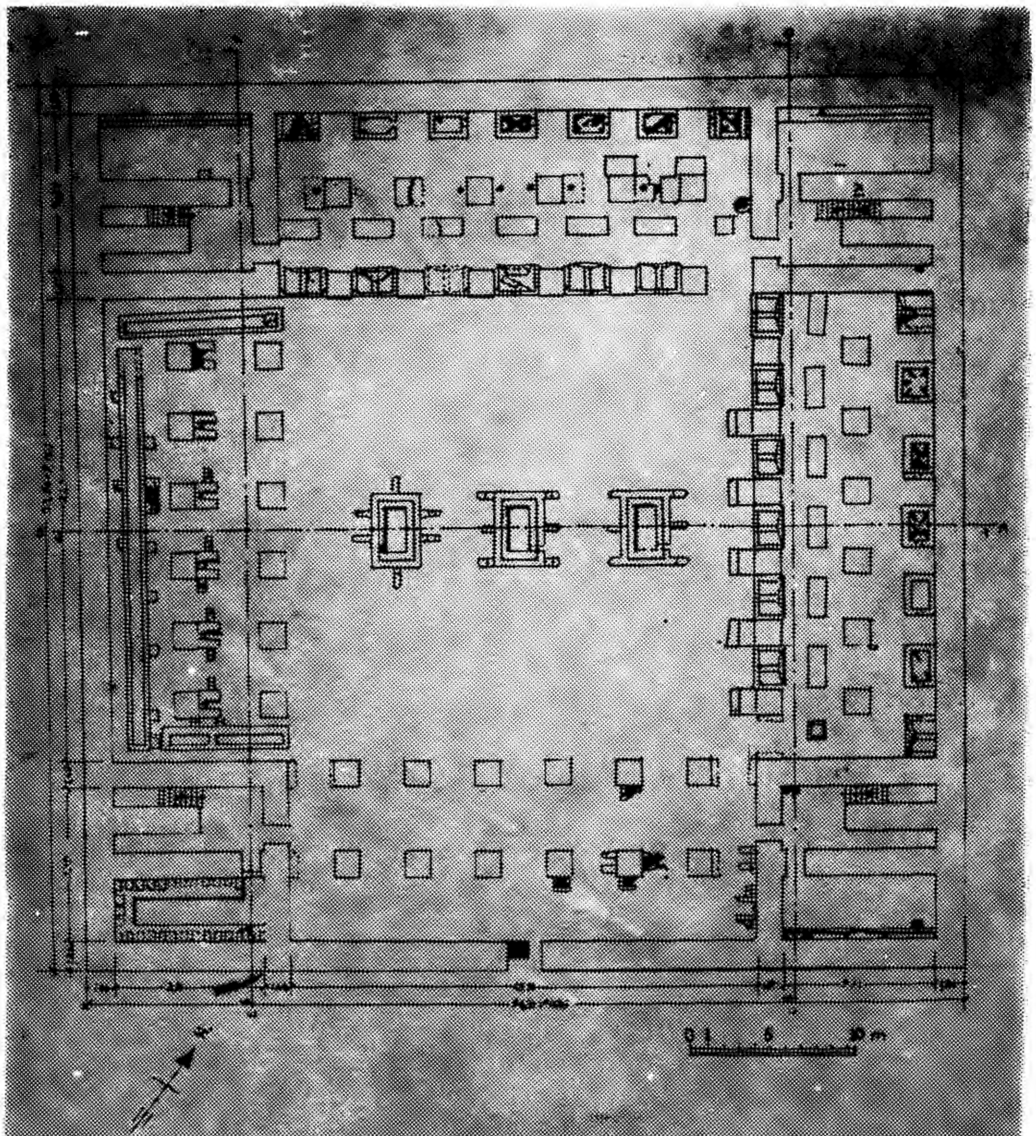

پیون ساختمان نمبر 3

(ش 6)

Archaeology OF AFGHANISTAN ازکتاب
P. 176

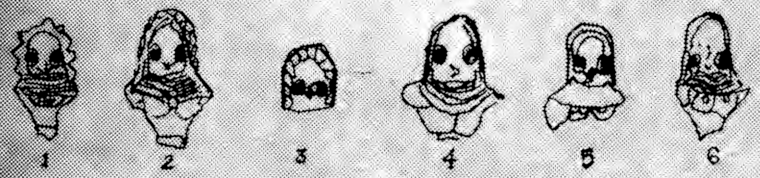

شش مجسمهٔ الههٔ مادر :-

1- (از دورهٔ (III) دمب سادات

2 - دورهٔ (IIa) دموراشی غندی

3- دورهٔ (III) سرجنگل

4- دورهٔ (IV) مندیگک

5- پیریانو غندی

6- ربرکوت

(ش 5)

EAST AND WEST
Vol. 25 Nos 1-2, 1975

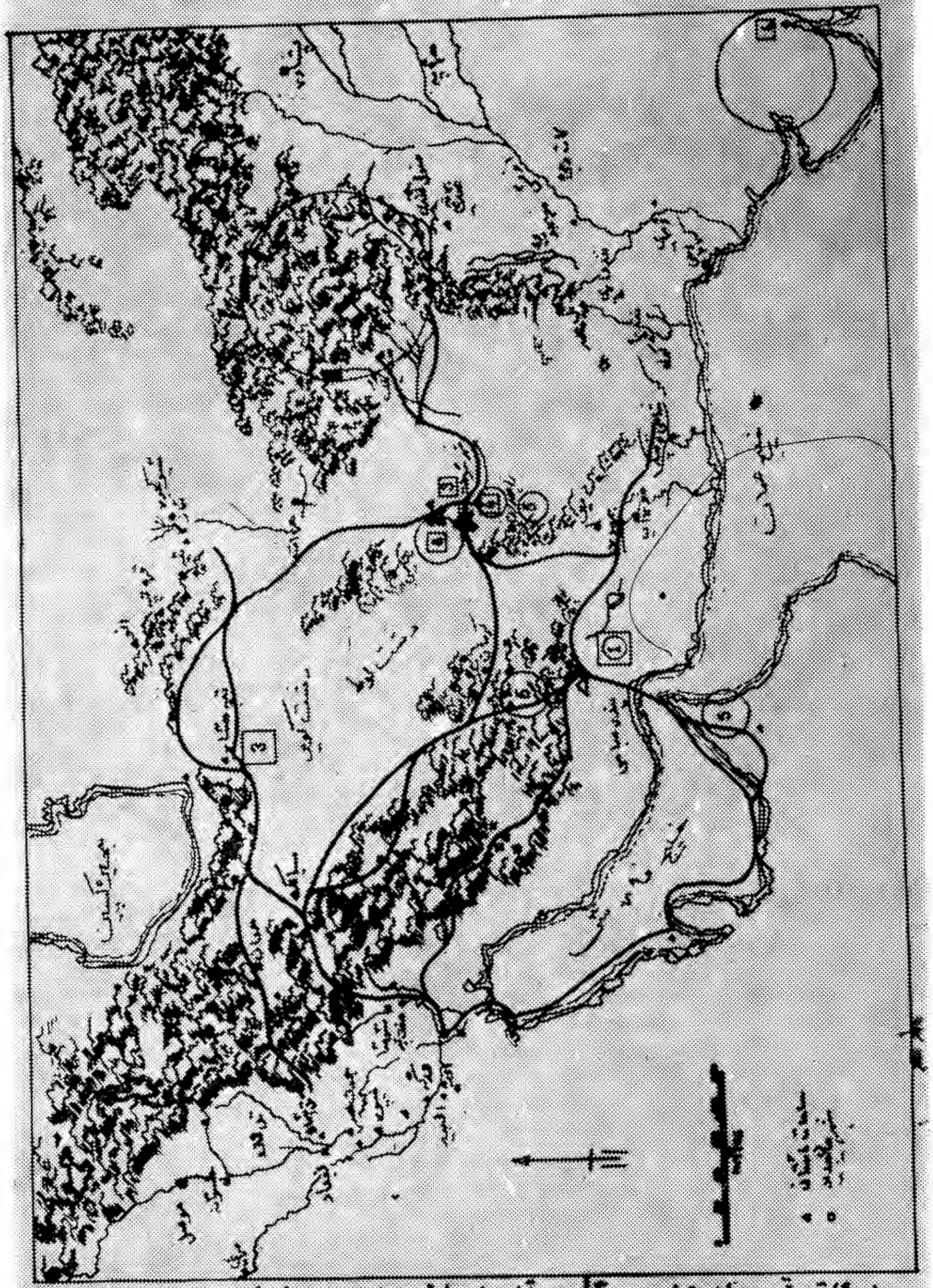

راه‌های تجارتی و منابع معدنی در هزاره سوم ق م فلات ایران و نواحی همجوار آن . اعداد منابع عمده
را نشان میدهد ۱ سنگ صابون ۲ لاجورد ۳ عقیق ۴ مس . دایره‌ها ساحت موجود
را مشخص میسازند

(ش ۶)

6— John Levett S.T.M. Evan Smith—Eastern —Eastern Persia (An Account of the Journeys of the Persion Boundry Commission 1870-7) 1—72 London, Macmillen AndCo. 1876.

7—Klaus Fischer, Interre lation of Islamic Architicture in Afghanistan, MAPG, Vol XXIV, No 1 December, 1970.

8— Marcello Piperno, grave 77 At Shahr-1 Sokhta-Further Evidence of Techmological Specialization in the 3rd Millennium BC, EAST AND WEST Nos-1—2, March-June, 1976.

9—Maurizie Toi, Excavation At shahr-i-Sokhta Prelimimary Report on the Second Campaign Sep-Dec, 1968, EAST And WEST Vol. 19 Nos 3—4 Sep-Dec, 1968.

10—Maurizio Tosi, Excav ation At Shahr-i-Sokhtu Ar Chalco-lithix settlement in the Ieamian SeistanEAST AND WEST, Vol. 18, Nov 1-2 March-June, 1968.

11— Maurizio Tosi, Proceedings of the lv the Annual Sumposium on Archoeological Research in Iran, November, 1975.

12— D. P. Simghal, India And Afghanistan (1870-1907) University of Queemland Press, 1963.

13— The Encyclopedia Britannica, Elevent Ed-ition The University Press, New York, 35 Wert3 Street 1911.

14— The Encyclopediaof Islam, Vol IV, London lote R. J-Drill Ltd, 1934.

15— Umberto Scerate, Excaualion At Dahan-i-Ghulam an (Seestan Iran) EAST AND WEST Vol.16, Nos 1—2, March June, 1966.

ماخذ

١ـ احمد علی کهزا د ـ تا ریخ‌افغا نستا ن ج ۲ مـطبعه عمو می‌کابل ۱۳۲۵

۲ـ احمد علی کهزا د پا یـا ن‌حفر یا ت مند یگگ ـ آریـا نا ،شما ره یاز دهم سا ل ۳۷

۳ـ احمد علی کهزاد سا لنا مـه‌کابل ـسا ل ۱۳۱۷

٤ـ احمد علی معتمد ی ـ دو ره‌های قبل التاریخ افغا نستان‌ـآریانا‌ـسال سی‌و سو م سر طـا ن سنبله ـ۱۳٥٤

٥ـ دکتو ر عیسی بهنـــام ـسیستا ن در دود ما ن هخا منشی‌ـ هنر و مرد م شمار ه ٤۹ ـتیرماه سا ل ۱۳٤۷ .

٦ـ نور الله تا لقا نی ـ افغا ـنستا ن ما قبل التاریخ‌ـ مطبعـه‌دو لتی ـ مسا ل ۱۳٦۱

۷ـ ملك الشعرا بهار ـ تا یـخ‌سیستا ن ـ کتا بخا نه زوا ر ـ۱۳۱٤

۸ـ میر غلام محمد غبارافغانستان در مسیر اتریخ‌ـ دکتاب چا پـواو موسسه ۱۳٥٦.

۹ـ مایل هروی جغرافیا حافظ ابرو انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳٤۹ .

تحقیق و نگار ش : ازمحقق‌صد یق الله عتیق زو ی

تحول هنر گریکو بودیك

مقد مه

هر کنج و کنار و در ه ها ی پر خم و پیچ افغا نستـــا ن دارا ی فر هنگ و عنعنه بخصوص همـا ن منطقه است این خطه با ستا نـی تاریخ‌بسیا ر در خشا ن خاصتـا در بخش هنر دارد اگر کتب‌ومتون قدیم ر ا ورق بزنیم از مطا لعـه متو ن قدیم او ستا و غیـر ه د ر بار ه او ضا ع صنعتی بـا خـتـر سغدیـانه ا طـلا عـات در ست‌و موثق بد ست میا ید . از مطا لعه متون قدیم معلوم می شود که هزار سال قبل از مسیح مردمان باختر تمدن در خشا ن و ار زنده داشتند زیرا صنعت گرا ن نه تنهـا ا ز اشیا ی فلزی زیوار ت از طـلا نقر ه مس ، آهن بلکه سا یرصنایع چو ن چر مگر ی صنایع چوب‌هیکل ترا شی سفا لی کــو زه وغیـره اشیای خیلی زیبا مـی سا ختنـد که هر کدا م آ ن در کار هـا ی هنر ی خود مهار ت و استاد رشته خود بود ند مثـلا زره طلا کمـر بند طلا و نقره نعل اسپ لبـاس پشمی «گلیم پو ستین پارچه های لطیف نخی پشمی ، کرك و بر ك ظروف بر نجی و گلی کار خانه‌زر- گر ی وکوره‌آهن گدازی و صنایـع مستظر فه دیگر در او ستا نام‌برد ه شده واین نشان‌دهندآن‌است‌که‌سا- کنان واقوام آریانا درشهرنیشینی‌و مد نیت مقا م بلند و والا ی‌داشتند همچنا ن در او ستا از نا مهـا ی چون بازرگانی را (ویزوتا Vezuta مسکر را (اریزاتو سیپا Erazadasepa زرگررا (زاروا وسا یپا Zarauyosaipa عرا به جنگی را (وا چا ر یتا Vacharitha یا د آور شده است (۱)

در حقیقت خاك آ ریانا ی‌وسیع تاریخی هموار ه طو ل تاریخ‌محل تقا طع و ملتقا ی مد نیت ها هنر ها وگذر گاه ا فکار و فر هنـگ ها بود ه و هنر های متنو ع راکه در طو ل تاریخ در این سر زمیـن آفر ید ه اند مختص به همین‌منطقه و مرد م این سر زمین بود البتـه از مزایا ی هنر و تمد ن شـر ق وغرب بی تاثیر نبو د ه مثـلامـا می بینیم که در آثار مکشو فـه کا پیسا و با میا ن و غیر ه‌نفوذ هند ی و یو نا نی بخو بی هو یدا است و لی با و جود آ ن هم در این هنر عنا صر افغا نی و محـل خود در خو ر تحقیق و جستجـو است .

از نقطه نظر تـاریـخ صنایـع مستظرفه هنر گر یکو بود یــك (یو نا نی بودایی) در تاریخ افغا - نستا ن قدیم با آر یانا رو ل بس مهم و ار زند ه دارد در حقیقـت هنر گر یکو بود یك شا خه ازیك هنر قدیم دیگر میبا شد که دراین سر زمین و جود داشت و آ ن هنر عبار ت از هنر یونا نی با ختـر (گر یکو با کتریان) بود ه.حملات اسکند ر مقدو نی بطر ف شـر ق باعث نفو ذ مد نیت یو نا نی بـر مد نیت این سر زمین گر دید و در آریانا به تشکیل سلطنت مقتـد ر یو نا نو با ختر در دو قرن قبـل از میلا د پر داخت در خاك‌آریانـا هنر پیشر فت ز یاد ی کرد هیکل ترا شی از رو ی کار های هیکـل تراش مشهور یـو نان (لیسپ) هنر مندا ن با ختر ی و هنرمندا ن یو نا نی مسکو نه افغا نستا ن آن وقت رو نق پیدا کرد . خا نـم تر یور دا نشمند رو سی میگوید که د رصنعت یو نا نو با ختر ی هنر مندا ن با ختر رو ل مهـم و ار زند ه دا شتند خلا صه در زمان دو لت یو نا نو باختر ی‌هنریونانی با هنر اصلی با ختر با هم یکجـا امتزا ج نمود ه واز یکجا شـد ن آن هنر دیگری بو جود آ مـدکه آنرا بنام هنر گر یکو بـودیك‌یاد می نما یند با ختر و سا یر شهر

های آریانا در صنعت و حرفه چنان پیشرفت کرد که تصور آن هم نمی شد . بعد از گذشت زمان در آریانا (امپراطوری بزرگ وجود آمده که این سلطنت بزرگ در ادوار تاریخ بنام امپراطوری کوشانی یاد نمودند قدرت و شوکت این امپراطوری بحدی معروف بود که دولت روم دایمی کوشید تا با افغانستان آن روز روابط حسنه و نزدیک داشته باشد و یکی از علل علاقمندی دولت روم

بافغانستان همانا راه یافتن به خزرو جیهون بود روی این منظور از روم سفیر به دربار کوشانی فرستاده شد و همیشه محصولات نفیسه این سر زمین بروم و از روم باین کشور هدیه میشد .

در عصر کوشانی ها بخصوص در عصر شاهنشاه بزرگ این دودمان (کنشکا) هنر و حرفه ترقی فوق العاده شایانی نمود آثار زمان او مخصوصاً درمجسمه سازی معماری فلز کاری و غیره که در اثر حفریات از نقاط مختلف کشور در این اواخر مکشوف شده پیشرفت های صنعتی باستانی ما را نشان میدهد مجسمه های بزرگ بامیان که بدست مجسمه سازان آن عصر ساخته شده هنر نقاشی رنگ آمیزی این عصر که بعد از دو هزار سال هنوز نوعیت خود رااز دست نداده و ترکیبات رنگ و رنگ آمیزی آن عصر را باز گو میکند سر زمین آریانا کهن که نفوذ هنر گریکو بودیک تا تاکسیلا کوهسار ان کشمیرو مناطق شمالی و شمال غربی هند می رسید آریانا پرورشگاه هنری بود که جمال و زیبایی خاص داشت

تا ثیرات در مکتب های هیکل تراشی و بنای ستوپه های زیبا و نقاشی آسیای میانه از کرانه های جمنا تا ماورای امو نمایان بود که مرکز آن اکنون از زیر خاك کندز غزنه ، کاپیسا، بلخ «تخار» و بغلان ،ننگرهار ، بامیان و دیگر بلاد افغانی و حتی ماورای خیبر تا سوات و تا کیسلا بیرون می آید که هنر مندان و هنرشناسان جهان رابه حیرت انداخته است .

چرا گریکو - بودیك میگویند:

یونانو بودایی یاگریکو بودیک یك اصطلاح ترکیبی است که از دو عنصر جداگانه و کاملا متفاوت گریك Greek و بودیك بمیان آمده است یا به عبارة دیگر یایونانو بودایی Boudhic این اصطلاح که نام یك مکتب هنری جداگانه میباشد از ترکیب دو روح یا از امتزاج دو نوع نظر و عقیده (۲) بمیان آمده این هنر در اثر اختلاط افکار مذهبی بودایی وروحیات ذوقی صنعتی یونانی در خاك آریانا تولد شده که هنر وران باختری و گندهاری دردو کنار هندو کش در رشد وتکامل آن همت گماشتند یا به واژه های ساده تر هر دو عنصر چه مذهبی و چه هنری در آریانا روش به خصوص بخود اختیار نمود افکار یونانی و بودایی باختری شده آریایی شده هر دو کنار کوه پایه های هندو کش با هم مزج شده از تماس و برخوردان ها هنر گریکو بودیك بوجود آمده .

از پیش آمد های تاریخی ما به این نتیجه میرسیم که در این دو جریان فکری از شرق و غرب از کرانه های مدیترانه و از قلب هند یکی مقابل دیگر ،هر دو در کشور ما افغانستان با هم مواجه گردیدند . بعد از فتوحات اسکندر دولتی بنام یونانو باختری در صفحات شمال هندو کش تاسیس شد و مقارن همین دولت موریایی هند از نواحی شرقی کشور فتوحاتی را به عمل آورد که در اثر آیین بودایی دوشادوش فتوحات آوازگند ها را گرفته تا حوزه ارغنداب بخش و پراگنده گردید .

قسمیکه این دو جهان فکری یکی درساحه دیگری پخش شد آیین بودایی سراسر باختر را گرفت . باشندگان افغانستان در این وقت از خود فرهنگ ، آیین و هنر جداگانه داشتند و باجود آنهم تحت تاثیر جهان فوق قرار گرفت و نتیجه چنان شد که باشندگان آریانا از یك جا روح واز جای دیگر قالب‌را گرفته مکتب هنری مشخص و جدیدی را بوجود آوردند که نه هندی بود و نه یونانی بلکه وجه مشترك هردو را داشت (٤)

همین وجه مشترك است که درتاریخ صنایع مستظرفه افغانستان که در طی اواخر سده اول پیش از میلاد و در قرن بعد ازمیلاد دو قرن بعد از میلاد مسیح‌بنام مکتب هنری گریکو بودیك یاد میشود . و دامنه آن‌دوسه قرن دیگر دوام نمود عامل عمده‌پیشرفت این هنر همانا موجودیت استادان ماهر وباتجربه محلی که‌درعین‌زمان آنها از نگاه مذهب بودایی و از نقطه نظر روش هنری یونانی بودند و مکتب ترکیب و مشترك گریکو بودیك را بوجود آوردند یا به‌عبارة دیگر این دو جریان فکری یادو پدیده یونانی هندی محض با تماس با یکدیگر باعث بوجود آمدن مدنیت

و فرهنگ جدید نشد بلکه موفقیت خاك و استعداد هنرمندان این مملکت و اسطه اصلی پیدایش این مکتب گردیده است. محل پیدایش و پرورش هنر گریکو بودیك در تاریخ صنایع مستظرفه آسیا از مسایل بسیار با ارزش تلقی شده است. و دانشمندان از مدتی تقریبا (۶۰) سال به اینطرف درین مورد تحقیقاتی بعمل آورده اند قبل از اینکه در خاك افغانستان حفریات باستانشناسی آغاز گردد دانشمند فرانسوی موسیو فوشه Foucher (۵) درباره مکتب هنری گریکوبودیك مطالعات خود را شروع نمود او بیشتر در قسمت شرقی گندهارا مخصوصا در نواحی پشاور چارصده پشکلاواتی Pushkolawati و معابد چار طرف آن مشغول مطلعات و تجسسات بوده وی از تپه های اطراف پشاورومعابد چارصده آثار و مجسمه های سنگی بدست آوردومکتب هنری گریکو بودیك رابنام گندهارا نیز یاد نمود، مگر محل پیدایش وپرورش این هنر به تحقیقات و مطالعات و به نواحی باستانی مربوط به به افغانستان معطل قرار داد. دانشمندان زیادی در قسمت بلخ به تجسسات علمی پرداختند تا از روی یافته های باستانی موفق به دریافت محل زایش و پرورش این هنر گردند.

در آن وقت فتوحات سکندر مقدونی خاك های شرقی قلب آسیا ونیم قاره هند راباسواحل بحرروم وصل نمود و در نتیجه نفوذ هیکل تراشی که در یونان قدیم به حد کمال رسیده بود بخاك آسیا نیز انتشار یافت، یونانی ها درقدیم در شعب مختلف صنایع بخصوص در هنر هیکل تراشی سر آمدتمام ملل جهان بود و این هنر در عصر اسکندرمقدونی به مدارج عالی رسیده بود. زیرا از یکطرف سکندر مقدونی حامی و مشوق اصلی هنر هیکل تراشی بود و از جانبی او استاد چیره دست هیکل تراشی چون (لی‌سپ) (۶) را در پهلو داشت. گرچه فتوحات سکندر در شرق مدتی زیادی را در بر نه داشت ولی در حقیقت مجرای جریانات بزرگ سیاسی، تجارتی و صنعتی را باز کرد. در میان مدارس هیکل تراشی یونانی بهترین آن مکتب هیکل تراشی (لی سپ) میباشد. (۷) حین مطالعه آثار هده خواهیم دید که استادان هیکل تراشی در اینجا چطور تناسب بندی قالب و اصول هیکل تراشی این مکتب را پیروی میکردند، در مجسمه های هده اصول وروش مدرسه (لی‌سپ) را به عین مدل وشکل استادان هیکل تراشی نقل کرده اند. تصاویر ارباب انواع یونانی چون هرکول و پوزیدون روی مسکوکات شاهان یونانی باختری از روی مجسمه های ساخت لی سپ نقل شده است. به قول خانم تریور (۸) دانشمند شوروی ایوتیدم اولین شاه یونانو باختری بود که تصویر هرکول را از روی مجسمه نشسته او که کار لی سپ بود در مسکوکات خود به ضرب رسانیده است. با آمدن اسکندر واصل با نقل آثار دست ساخت لی‌سپ به آسیای مرکزی آورده شده و دستور مکتب او را دستور هنرمندان باختر ترجیح دادند که هنر یونانی آهسته، آهسته جا گزین هنر محلی شد. بقول خانم تریور تصاویر شاهان یونانی باختری روی مسکوکات کار دست استادان بزرگ است. این تصاویر کار استادانیست نهایت ماهر و بازیك بین. زیرا آنها تصاویر کوچك را طوری طبیعی ساخته اند که نه تنها خطوط ممیزه و مشخص آنها معلوم میشود بلکه جزئیات خواص روحی هر شخص را نمایندگی میکند. از گفتار فوق به این نتیجه میرسیم که در سکه های مذکور صنعتگران یونانی از اصول لی‌سپ استفاده کرده اند اما بر عکس در سکه‌های ارباب انواع یونانی رابا پالان و شلوار تیپ شرقی نشان داده اند. شکی نیست که استادان هیکل تراش یا رسام و نقاش آن باختری بوده زیرا استادان یونانی والاصل به چنین فکری افتاده نمیتوانستند. به این ترتیب مدرسه هنری یونانو باختری بهترین روش اساسی را که یونانی های قدیم برای هیکل تراشی وضع کرده بودند. در آریانا بوجود آمده و صنعتگران محلی چه یونانی و چه باختری آنرا طوری به پایه اکمال رسانیدند که از هنرمندان معاصر خود یونانی هم پیشی گرفتند. آثار هنری یونانو باختری به پیمانه زیاد در موزیم ارمیتاژ لیننگراد موجود است. این آثار شامل آثار طلایی (۹) و نقره یی بوده این آثار از روی محل کشف اصول تخنیك کار، از نقطه نظر موضوع نمایش سبك علایم هنر و ممیزات صنایع چینی، ایرانی و هند از قرن سه تا قرن اول تحت مطالعه قرار داده شده است.

آنچه ما در اینجا از کلمه بودایی و یونانی متذکر میشویم مقصداز آن هنرمندان خودآریانا است که از روی مذهب و ذوق بدایع صنعت بودایی ویونانی درمورد آن نزدیك به حقیقت است. قسمیکه قبلا اشاره نمودیم اسکندر حین حملات خود را در نقاط مختلف

این سرزمین باستانی اسکندریه های آباد نمود. در این اسکندریه ها و دیگر نقاط کشور عده از سربازان خسته و زخمی یونانی درآریانا ماندند که طبعا درمیان آنها استادان چیره دست و ماهر موجود بود آنها ذوق هنری یونانی را به کمال میل و شکل اصلی هنر و زیبای آنرا انتشار دادند. هنرمندان یونانی مسکون باختر به مرور زمان در میان اهالی محلی مزج و مخلوط شدند. هنرمندان که در دوره مکتب هنر گریکو بودیک (قرن اول و دوم میلادی) در دو کنار شمال و جنوب کوه پایه های هندوکش شهرت زیادی داشتند. همه باشندگان محلی و آریانا الاصل بودند. پس ما ازگفتار فوق به این نتیجه میرسیم که بوجود آورنده هنر گریکو بودیک هنرمندان آریایی بودند که با استفاده از دو روح و ذوق متفاوت مکتب هنری گریکوبودیک را بوجود آوردند که محل زایش و پرورش این هنر نواحی جنوب هندوکش بوده از این نقطه بدیگر نقاط شرق نفوذ و سرایت کرد. اصطلاح هنر گریکوبودیک درباختر یا در گندهارا در هر جاییکه بوجود آمده باشد در موردتاریخ آغاز این هنر نظریات فوشه وهاکن تقریبا یکی است و نظریات آنها آنقدر ازهم فاصله ندارد وزیرا هاکن می گوید که آغاز مکتب هنری گریکو بودیک در باختر با از بین رفتن شاهان یونانی و باختری می دادند. فوشه مینویسد: در زمان شاهان یونانو باختری این هنر در پوشکلاواتی Pushkolawati (چارصده) بوجود آمده است. به این اساس شروع مکتب هنری گریکو بودیک را در اوایل قرن اول ق م تعیین کرده میتوانیم. جای شک نیست که قبل از بوجود آمدن هنر گریکو بودیک هنرمندان هندی جرات نداشتند مجسمه بودا را بسازند. صرف پیروان بودایی از سمبول انتروپومورفیک کار میگرفتند در قرن سوم و دوم ق م در معبد سانچی هند آثار و لوحه ساخته شده که شاهد گفتار فوق است. طوری مثال بالای رکاب اسپ نشانه پای بودا و بالای زین نشانه چتری همچنان درق سمت زیرین چوکی علایم پای بودا و بالای آن سمبول درخت بودهی را میکشیدند. از علامات فوق پیروان بودایی تصور میکردند که بودا بالای اسپ سوار یا بالای چوکی نشسته است. درقرن اول میلادی در پرتو این هنر در باختر مجسمه های گچی ودر گندهارا مجسمه های سنگی به پیمانه وسیع بوجود آمد. اصطلاح گریکو بودیک را باراول عالم فرانسوی الفرد فوشه به وجود آورد (۱۱).

بی مورد نخواهد بود که در ذیل ما چند سطر از بودیزم و هلنیزم یعنی بودایی و ذوق هنری یونانی و برخورد آنها را در خاک افغانستان مطالعه میکنیم.

بودیزم:

آیین بودایی درسده ۶ ق‌م در خاک افغانستان مطالعه میکنیم. خاک پهناور و افسانوی هند در حومه مدراس و پتنه امروزی ظهور نمود و در قرن دوم ق.م بامبلغین اعزامی آشوکا موریا درسرحدات شرقی آریانا و دیگر نواحی آن گسترش یافت

فوشه معتقد است اگر آغاز آیین بودایی را در شمال هند و اوسط قرن سوم ق.م نسبت بدهیم اشتباه زیادی نکرده ایم. در همین وقت به امراشوکامبلغین بودایی وارد کشمیر و گندهارا شده به تدریج داخل کشور پیشرفت کرد.

به این حساب آیین مذکوررا در اواسط قرن سوم ق.م به گندهارا یعنی دره کابل و از علاقه پشاور و سوات بطرف ننگرهار (هده) لغمان، نجراب، تگاب، خورد کابل، (کابل بودایی) پیش آمده، در وادی سرسبز قشنگ کاپیسا، کوهستان و کوهدامن منتشر شد (۱۲)

امروز کشفیات علمی و تحقیقات باستانشناسی نقطه به نقطه صورت گرفته انتشار آیین بودایی ازجنوب به نواحی شمال هندوکش و مناطق دیگر چون فندقستان، بامیان، سمنگان، بلخ، کندز وغزنی صورت گرفت.

تنها چیزیکه در اینجا تحقیق آن مطرح بحث بودن است که آیا آیین بودایی هندوکش را چه وقت عبور نموده و بکدام عصر به صفحات شمال یا باختر گسترش یافت. موسیو فوشه تاریخ نشر (۱۳) آیین بودایی را به باختر در اوایل قرن دوم ق.م نسبت میدهد. و این زمانی است که شاهان یونانو باختری چون ایوتیدم، دمتریوس واوکراتیدس نفوذ دولت موریا را از نواحی جنوب هندوکش برداشتند. دولت نیرومند را تشکیل دادند، بطرف هند شروع به کشورکشایی نمودند. به این ترتیب تقریبا ۶۰ سال بعد از اعزام مبلغین آشوکا آیین بودایی در نقاط مختلف شمال هندوکش و از آنجا به پادریا ماورای شرقی پامیر انتشار یافته است.

چو ن مقصد ما در اینجا شـرح خط السیر بود یز م و انتشا را ت آن نیست بلکه میخوا هیم بدا نیم آیین بودا یی چه تاثیرا ت و رول مهم را دراین خاك وارد نمود ،گرچه مرکز و مهد نشونمای آیین بودا یی هند است و لی از روز یکه مجرا ی اندو س (سند) را گذ اشته و بـه آریا نا رواج پیدا کرد به تعبیر اکثر محققین آریا نا سر زمین منا سبت خو بی برا ی اننتشار این آیین بودا یی بود دا منه های کهسار ، در ه عمیق و خا مو ش نقا طمر تفع ومنزوی منا ظـر زیبای طبیـعیو چشمه سار های زیبا برای راهبیـن انز وا پسند ، صلح طلب و آرا م بودایی که درعالم سکو ت مشغو ل ریاضت بودند مساعد ترین جـای بود به همین لحاظ گند هارا درعالم بودایی شهرت زیادداشت که هرگوشه گوشه و کنار آن بایکی ازداستانهای ساکیامونی پیو سته بود با ارزش ترین یاد گار های بودا شر یــراز Sariras) در معا بد این خطه باستانی گذاشته شده بــود فوشه مینو یسد .

معبد ی را که کنشکا در حوا لـی پا یتخت ز مستانی(پشاو رامروزی) امپر اطور کو شا نی سا خته بودند بلند تر ین معبد بود ه تحقـیقا ت کنگهم cunningham حفریات سر جا ن مار شا ل Marshal ثابت سا خت که این شهر درعصر کو شانی بخصو ص در ز مــا ن یکی از پا یتخت ها ی ز مستا نی شمرده میشد چنا نچه ستو پــه جند یا ل Gandial و ستو پـه (دها ما را جیکا (٤ Daharmarajaka شوا هد از تر قیا ت بی شا یبــه کو شا نی مخصو صا کنشکا ر ! ثابت میسازد .

علاوتا (١٥..) معبد دیگر تنـها در همین نقطه مو جود بود .هیلو (هده) که هیوان تسانك دریا دا شت های خود در بار ه علا قه (نگار) یا (نگارهارا) یعنی ننگر هار را ازآن حر ف میز ند که بز رگتر ین مرکز مذهب بودایی گند ها را بود ه وبا صد ها معا بد بــا شکوه و غیره بزگترین مر کز هنر ی این منطقه بشماره میر فت (٦٥) .

کا پیسا (حوزه کو هـدامن و کوهستا ن) حتی در اوخر قــر ن هفت میلا دی که آخر یــن دور ه حیا ت بودا یی درین نقطه اسـت بیش از دو هز ار را هب و زیا ده از صد معبد دا شت فاین نایا فـن نایا بامیکان یا بامیان که از تـمام عالم بودا یی با هیکل های بزرگ بودا ، مجسمه خوا بیـد ه بو دا (١٦) در نیر وانا Nirvana در قسمت شر ق شهر با میـا ن مو قعیت دارد . مجسمه خوا بیده بودا به فا صله دوازد ه یاسیزد ه (لی) (١٧) متر از شهر دور افتاده است یا به عبار ه دیگر مجسمـه خوا بیده بو دا در معبد مر کـز ی در سه صد متر ی جنو ب مجسمه ٣٨ متری بود احراز مو قعیت نموده است . با میا ن جای بودکـه تما م زایرین بو دایی سرا سر آسیا بـه اینجا می آ مد ند . همین قسم د ر شمال هندو کش در دو ولایت باختر و تخار مرا کز مهم بودا یی و جود داشت . حینیکه هیوا ن تسا نگ ز ایر چینی از گندز عبو ر نمود در یاداشت هایش متذ کر شد ه کـه در کند ز ده معبد وصدهـا را هـب موجود بود درحالیکه درین موقع بلخ صد معبدوسه هزارراهب بودایی داشت

از رو ی ار قام فو ق در قــر ن هفت مـیلادی کـه دوره سقـوط بودیزم ا ست حدس زده میتوانیم که آیین بودا یی به کدا م اندا زه در نیمه شر قی افغا نستــا ن تاثیرا ت افگند ه بود . (١٨)

هیلنیز م :

عامل یا ترکیب عمده هـنـر گریکو بودیك (هلنیزم) ا ست که افکار و نظریات ا صول یو نـانی را دارا است الفرد فوشه معتقـد است (١٩) که بعد از فتح آریا نا به امر اسکند ر مقدو نی هنرمندان چیره دست و ما هر به آ ر یا نــا آمد ند . بعدا سلطنت یو نا نــو با ختر ی و دوا م دو صد سا لـه این سلطـنـت در آ ریا نا بـرا ی مد ت چهار قر ن که دردوقر ن دوره کو شا نی نیز شا مل آنست مترقی تر ین و کامل تر ین آرت یونا نـی در آسیا به حسا ب میا ید .(٢٠) هاکن مینو یسد از نقطه نظر آیین بو د ا یــی گنــد هـا رامهد ثانی هم بود فر امو ش نبا ید کرد که فتح و تسخیر هند بد سـت اسکندر با مفکور ه یو نا نی د ر عصری شروع شد که شاهان یونانو با ختر ی و کو شا نی بعد از فتح آن در یار به ا د ا ر ه وتوسعه مد نیت پر دا ختند فتح حصص شمال غر بی هند سبب شد که افکار سبب شد که افکارو مظا هرمدنیت یو نانی با رو حیا ت و فلسفـه هند ی تما س طو لا نی پیدا کند. یك عده اهل فن از قبیل طبیـب حکاك ، هیکل ترا ش و معمــا ر با ین دیارآ مدند درتعمیراسکندریه ها و قلعه های جنگی (تنـهـادر باختر از هزار قلعه صحبـت شده است) سا ختن ظرو ف فلز ی ، زیورا ت ، ضر ب مسکو کـات حکا کی و کند ن احجا ر کر یمه دخالت زیاد دا شت با یــن دسته هنر و را ن رو ح و ظرا فت یونانی درآرت و صنا یع مستظر فه در آریانا رواج یا فت .

محل تلا قی هلنیز م و بود یزم همین خا ك افغا نستا ن است که هنر هلنیز م و آیین بو دا یی در نوا حی جنو ب هند و کش باراول

با هم یکجا شده ازین نقطه به طرف شمال و شرق هندو کش سرایت نموده که ما نمونه های این هنر را از نقاط مختلف یافته ایم. طور مثال در مجسمه های هده، کندز، بامیان، غزنی، ای خانم، پایتاوه، شترك، کاپیسا نمونه این هنر دیده میشود.

دانشمندان بین سال های ۱۹۱۳ و ۱۹۷۰ گندهارا و مناطق مربوط آنرا مطالعه قرار داده اند تا بتوانند گندهارا و سرزمین مربوط آنرا تعیین مرزنمایند ولی تا جاییکه تحقیقات نشان داده میتوان گفت که گندهارا و سرزمین های قدیمی فرهنگ و تمدن مشترك داشته درمسیر تاریخ و در تمامی شئون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قدم بقدم جلو رفته در تدوین استحکام مظاهر و پدیده های هنری در آسیای مرکزی مقام ارزنده را احراز نموده بود.

سترابو می نویسد که علاقه گندهارا را بنام گندار یس یاد نموده و آنرایك حصه ازکوهپش Kohpesh یا کابل میداند (۲۱) محلات عمده گندهارا عبارت اندازه: ناگارهارا

Nagarhara جلال آباد (هده)

Happe جلال آباد، کنرها Kuner

جلال آباد پور شاپورا

Puroshapura (پشاور) اودیانه

Odhyana (سوات) گدروزیا

Gadrosia دره های بلوچستان

شپول Shpol شبازگری

Shabazgari (پشاور) تاکسیلا

Taxila (پشاور) بسنغر Basenghar

شهر بهلول Bahlol

چارصده Char Sad

مورامورادو Moramorado

شاه جی کی دهری Shahjikidehri

بهاولپور Bahawolpor

منکیاله Mankiala مردان Mardan کنشکاپوز Kanishkapur و کنکالیتیلا Kankalitila

الفرد فوشه علاوه مینماید که فرای F1 دانشمند امریکایی گندهارا را از دوره های موریایی های هند یعنی از (۳۲۴ ق م) باین طرف شناخته است.

هیوان تسانگ زایر چینی مینویسد وقتی داخل حوزه گندهارا شدم در این منطقه کدام حکمران مطلق نداشت و مربوط حکومت پشاور بود. گندهارا یا دره کابل منطقه ایست در جنوب‌هندوکش شرقی این محل‌از دریاچه کابل تا قسمت های‌اتك را تحت ساحه خود در آورده‌بود حوزه ننگرهار بشمول هده بحیث یکی از مناطق عمده این محل بشمار میرفت.

گندهارا در ازمنه قدیم جزخاك کشور آریانا خراسان دوره اسلامی یا افغانستان امروزی بوده‌است از روی اسناد وشواهد هیوان تسانگ را هب چینی گندهارا را بنام کین تولو (۲۲) نامیده قرار یاد داشت های هیوان تسانگ چنین توضیح میشود گندهارا ناحیه وسیع و بزرگی است در جناح راست دریای اندوس الکسندر کننگهم حدود اربعه گندهارا را چنین تعیین مرزمی نماید (۲۳):

لغمان – جلال آباد در سمت غربی – کوه های سوات و بنیر در شمال و کوه های کالاباغ به جنوب آن قرار دارد هرودت Herodat وسترابو منطقه گندهارا یا گنداریس را بین کنرها یا کوهپش و سند با دریای کنر کابل ذکرنموده است این حدود اربعه توسط سطسر بازان ومورخین سکندر ذکر نه‌شده‌درعهد یونانی هااین محل‌بنام‌گنداروی پارا یا گندارو ا. نامیده میشد الفرد فوشه گندهارا رابه چار نام عمده می داند:

پورو شاپورا، (پشاور) پوشکلاواتی، چارصده) پولوشا واوداهو ندا.

در عصر موریا این منطقه بحیث شاهراه کاروانی و مبلغین بوادیی شمرده می شد. گندهارا از نقطه نظرسوق الجیشی پایتخت شاهان کوشانی بوده وشاهان کوشانی هریك به نوبه خود د این محل اقامت گزیده اند همچنان شاهان کوشانی رابه اسم شاهان‌گندهارا نامیده‌اند از طرف دیگر این محل در نوع خود را از جمله مراکز عمده هنر کریکو بود یك بحساب می رفت هیرمن گویتس نظریه دارد که گندهارا را تقریبا دردره‌کابل‌موقعیت داشته‌سوات Uadyana کشمیر نیز ضم آن میباشد.

گندهارا یا دره کابل حصه ایست در جنوب هندو کش که از نقطه نظر هنری خیلی ارزش دارد مکتب هنری گندهارا با هنر مجسمه سازی بودا بود یستوا افسانه و داستانهای بودایی انکشاف نموده شاهان کوشانی مشوق اصلی و بزرگ ارت و مهندسی بوده اند که‌آنها شهر معابد، ستوپه، چیتاها، سومعه دیگر ساختمان های عام المنفعه را اعمار نموده اند.

درباره مبدا و انکشاف اصلی هنر مباحثی زیادی‌صورت‌گرفته است از جمله پرسی براون(۲۵) P. Brown آنرا کریکوبودیك تشریح نموده و آنرا نمایانگر آمیزش عناصر یونانی بامفکوره های مذهبی بودایی میداندسرجان مارشال نظر فوق را

را تا ئید (۲۶) می نما ید .انندکمار اسوامی (۲۷)

Anand Cumar Aswamy

معتقد است که هنر تصو یر ساز ی و مواد آ ن اکثرا شکل یا نمود ها ی هنر ی هلنستیك است که اصل یا مبدا آ ن از دور ه یو نا نی افغا ـ نستا نسرچشمه گرفته‌که نظراین دانشمند توسط علمای دیگر چون بنجا مین رو لاند بچتل و غیره تا یید شد ه‌است بچنتل بر سیمای رو می هنر گند هارا بیشتر پا ـ فشار ی می نما ید . ز یرا و ی معتقد است که او لین مجسمه‌بودا به شکل مجسمه های عبا دارامپر ـ اطور ی های قبلی رو م سا خته‌شده ممکن یك تقلید اگا ها نه از مجسمه اکو ستو س با شد .

بودیز م در ز ما ن شا هان‌کو ـ شا نی مذهب رسمی و مسلط ناحیه مذ کور گر دید نقا شا ن ومجسمه سازا ن این عصر رو ش هنر ی تعداد ز یاد مجسمه های بودا نشان و علایم مقدس مر بو ط این مذهب را خلق نمود ند که باز ما ند ه های آ ن بصور ت پر ا گند ه ا ز تمام نوا حی گند ها را چو ن ناکا رها را(جلال آباد)بلیسما ن ، بگرا م پشاور ، واد ی سوا ت ، منطقه یو سفزی ، تا کسیلا و شا باز گری کشف گردیده ا ست . نمو نه های زیاد بودای نشسته را که تماما از نگا ه مفهو م باطن هندی است هنگا میکه هنر مندا ن‌یونانی تو سط شا ها ن‌کو شا نی استخدام گر دید ند عنا صر یو نا نی در سا ختما ن هنر ی مکتب مذ کور مزج گر دید ه که چنین مواد را میتوا ن در سر ستو نی های کور ـ نتین در یا فت نمود .

مراسم مذ هبی (آتش پرستی)

اکثرادرروی‌سکه‌های شاهان‌کوشانی بضرب ر سیده تا ثیرات عناصر رومی بنا بر تجارت همه جا نبه آن با امپراطوری کوشانی در هنر این سرز مین محسو س است‌پارچه های گیلاسهای شیشه یی اسباب‌و لوازم آرایش وزینتی ، پارچه های فلز ی ، در اثر کاو شها ی‌باستانی از تاکسیلا و بگرا م کشف‌گردیده است کنشکاه رابه‌حیث مو سسس این مکتب هنر ی می دانند عد ه ای را عقیده بر این ا ست که‌پرستش باز ماند ه های بودا قبل از به سلطنت رسید ن کنشکا درتاکسیلا نیز رواج داشت‌پارچه های مجسمه های یو نانی که متعلق به عصر ساکها میبا شد از نا حیه مذ کور بد ست آ مده است‌سرجان‌مارشا ل بنجا مین رو لاندو و انند کمار اسوا می متعقد اند که مکتب‌هنری مذ کور در عصر کنشکا بو جودآمده است اما نظر به ملا حظه جعبه تبر کات جوا هر پشاور که‌بی مهار ت و زشت سا خته شده‌دلالت بزوال هنر مذ کور در آن ز مان می نما ید شکی نیست ریلف یا برجسته‌کا ر ی های جعبه‌تبرکات نظر به اکثر مجسمه های گند هارا با درنظر داشت مجسمه های‌معیین شکل بودا نا مر غو ب و نا پسند میباشد. ما نباید تمام محصول هنر ی گند هارا را با در نظرداشت

یك پار چه آ ن مقا یسه و بررسی نما ئیم ما نمو نه های عا لی‌مکتب گند هارا را داریم مثلا مجسمه بردا به شکل خیلی ضعیف ولا غر که نما ینده گی از فاقه کشی طو لانی وی میبا شد به شکل واقعی‌تمثیل گردیده فعلا در موزیم لا هورمیباشد همچنا ن عین مجسمه از شتر ك‌به دست آ مده که در اتاق شتر ك موزیم کابل نیز مو جود است‌همین قسم‌مجسمه ما مین دهری سا ل

۸۹ ق م واقع چار صده بد ست آمده که ملا قا ت بودا را با اند را نشا ن مید هد از جمله پار چه‌های نفیس و زیبا ی گند هارا میباشد مجمو عه پار چه های صند و قچه آرایش از عا ج هند ی که از ویرانه های قصر سلطنتی کنشکا و جا ـ نشینا ن او از بگرام مربوط حوز ه گند هارا کشف گردید ه که ازجمله شا هکار های هنر ی مکتب مذکور بحساب می آید مکتب هنر ی متهو را نیزتعقیب‌کننده همین‌روش بود یعنی مو ضو ع لو توس‌و صحنه های آ را یش‌همه درمجسمه های متهورا نیز بملا حظه رسید ه است تصویرخانمی که بعد ازحما م مو های خود را به عقب شا نه می کند و قطر ه آب از مو ها ی و ی پا ئین می ریزد نمو نه از هنر این مکتب است بعضی ها آنرا مروارید تصور می کنند خانم مذ کو ر گردن بند مروار ید را بصور ت ما هرانه بر گردن خو یش می بندد . دو خدمتگاردر زیر روا ق درواز ه‌باوی استاده اند این منظر ه بنا بر مفکو ر ه های هند قدیم نما یش عا شقا نه است‌مجسمه های‌گندهارا اکثرا از سنگ شیست خا ـ کستر ی وسبز رنگ سا خته می شد سا ختن مجسمه ها ازستو ك وسنگ اهك در این دور ه آ نقدر عام نبوده اما تدریجا مواد مذ کو ر بخاطر قا بلیت و ساز گار ی آ ن جا گز ین سنگ شسیت گر دید مجسمه های که از آ هك وستوك سا خته می شد قسما سالم آ مده که نمو نه مجسمه های‌ستو کی سالم در اتاق‌هده موزیم‌کابل‌موجود است قسمت های عقبی آ ن‌نسبت اینکه اکثرا در اتاق هاودیوار های معابد نصب می گردید هموارساخته می شد مجسمه های مذ کور اکثرا باور قه طلا پوش یا ملمع کار ی گردیده.

هده‌نظر به موقعیت جغرافیایی که دارد بین دره های سوات و دهیانه وکاپیسامهمترین مرکز هنری آرت گریکو بودیک گنبد ها را را احراز نموده است آبدات مشهور این دوره را میتوان بدوره های قرون ۲ تا ۵ میلادی دوره شاهان کوشانی تعیین نمود .

هیوان تسانگ که‌در قرن هفتم میلادی سفرش را آغاز واز قسمت های واخان بدخشان گذشت از معابد بودایی کند ز نیز باز دید می نماید بعد از مسافرت بجانب هندوستان می رود و وی دریادداشتهای خود از هیلو (هده) یاد آوری می نماید ازنقطه نظر تحقیقات زبانشناسی کلمه هیلو را به هده نسبت میدهد که‌از نگاه معنی و مفهوم لهجوی و لسانی محل مقدس معنی میدهد در واقعیت امر پایگاه و جایگاه معبد نشینان بودایی مفهوم میدهد وی شهرهیلو را خیلی‌وسیع وپر مساحت دانسته موبدان وارد اتمندان در صبحگاه برای اتحاف به هده می آمدند و مراسم مذهبی بجا آورده می شد بتهای زرین و منقوش بودا در کنار دروازه ها در اتاقهای بلند زینه های مزین یا انواع تزیین پرده های ابریشمی با الوان متنوع بنظرمی رسید . هیوان تسانگ از ستوپه معروف دیپکارا جاتاکا یاد آور می شود که مهمترین ستوپه‌عصر بشمار می رفت این ستوپه همان ستوپه معروف شایسته توپ میباشد وی از مغاره های حرف می زند که در آن سایه بوداقرار داشته و بنام مغازه ناگاکو پاله معروف بود که در سلسله کوه کنونی سپین غر در دامنه جنوب قریه چار باغ موقعیت داشت‌و اکنون اثری از آن وجود ندارد درسال های ۱۸۲۴ــ ۱۸۳۵ سیاحین اروپایی چون مورا کرافت، جان کورت و کو میناری‌و درسال های ۱۸۳۴ چارلز مسون و هونیك برگر از مناطق مختلف هده و ساحات باستانی آن باز دید نموده کاوشهای غیر قانونی انجام دادند که از آن‌جمله کشف جعبه طلایی ستوپه بیماران بود که فعلا در موزیم لندن موجوداست.

در دوره اول آتش سوزی هده اکثر ساختمانها از بین رفت ودر دوره اخیر حیات راهبی‌ومذهبی مجددا ترمیم گردید در دوره سوم چهارم از دو حجره بین‌ویهارا راو صحن خارجی ویهارا یك حجره را هرو بایك جویچه کم عرض‌که آب باران را به‌وسیله‌آن درصحن صفه می ریختند ساخته شده در دوره چارم و پنجم تپه شترك هده میتوان استیلای مستقیم خانواده یفتلی ها را ذکر کردزیرا در همین دوره بود که مرده های یفتلی در مغاره ها جا بجا می شد ودر صورت کمبود دفن گاه در محوطه غربی محوطه عمومی ساختمانی اعمار میکردند و در آن مرده دفن میشد از نظر مواد نوع خشت و ساختمانهای پخسه ای تیکری خیلی لشم و لعابدار با تزئینات و اشکال سر انسان که با سکه های یفتلی شباهت دارد بدست آمد . چنانچه از دهن‌یکی از اسکلیت ها از دروازه‌ورودی مغاره «ب» سکه کوچکی یفتلی بدست آمده که از دوره های اخیر زندگانی معبد نمایندگی مینماید در قسمت موادو ساختمان آن باید گفت ، تغییراتیکه در هر دوره رونما گردیده مثلا مواد و ساختمانی حجره هابادهلیز معبد از هم تفاوت داشته و درصورت تغییر پذیری ساختمانهای قبلی مواد و شیوه کار آن نیزتغییراتی به چشم میخورد چنانچه سنگ کاری های دوره سوم و آغاز دوره چهارم خیلی منظم بوده‌داخل سنگ کاری ها توسط چونه انگاف گردیده و پخسه آن از گل سبز و بعضا گل زرد و شکل مستحکم و با دوام تهیه شده و روی آن بعد از دوره حریق‌پلاستر گردیده است. درمواد ستوکی دوره دوم و سوم فرق فاحشی به نظر نمیرسد صرف دوره چارم و آغاز دوره پنجم روی‌مواد گلی مجسمه ها نوعی ماده ستوك نسبتا نرم تر و دارای مقاومت کمتر کار گرفته اند . به‌زیبایی آن تاثیرنه‌بخشیده است معمولاروی این مواد رنگ آمیزی میشد و یا ملمع طلا صورت میگرفت‌مواد گلی و گل خام عموما برای مجسمه های که بصورت نیم رخ در دیوار های از صحنه قهرمانان تراشیده میشد مانند مجسمه های قهرمانان افسانوی دیو های ارد کشووهدیه دهندگان کار گرفته شده است که از یك نوع مواد سبز رنگ‌بوده در اثر حریق دوره اول و دوم معبد عموما رنگ شان به‌نصواری پخته تبدیل شده و آن عده از مجسمه ها که از حریق در امان مانده بحال خود شان باقیست .

همچنان در هده دریك زمان از دو نوع گل استفاده شده مانند گل سبز مایل به زرد و گل آبی کمرنگ که مقاومت زیاد درمقابل عوامل جوی وفشار داشته وعموما روی این نوع مواد ستوك شیرچائی و ملمع طلا کار مینمودند در مجسمه های قرن پنجم هده علاوه از ستوك از گل نیز کار گرفته شده و ستوك بعدا روی آن کار میشد بهر صورت ازآغاز دوره دوم و سوم هنر قالب گیری و قالب ریزی مجسمه ها نیز توسط برونز صورت‌میگرفت که یکی از مجسمه های برونزی

بود یستو امیتر یا از این موادبوده و فکر میشود که دریکی ازرواقهای کو چك خار ج معبد عمو می نصب شده بود .

الفرد فو شه دانشمندفرانسوی هنر دور ه بودا یی را در گند هارا قبل از یك تحو ل هنر ی قر ناول میلا د ی میدا ند و تذ کر مید هد بودا هادر هر حا لت شا نه برهنه ندا شته پا های مجسمه معمـــولا پنها ن اســت بـــوداهیچگـــاه د ر حالت تعلیم یاد هیا نامدرا Dhiyanamudra ملاحظه نمیشود واشخاص رو حا نی همرا ها ن هدیه دهندگان از بودا بزرگتر نیستند و لــی در قر ن او ل و اواســـط قر ن دو م اینگو نه های هنر ی گرا یش‌عمیق با پیوند های مذ هبی مینماید مثلا بودا در حالت تعلیم دیده میشود عمو ما کف های پا ها بصور ت‌بالا تمثیل شده است از حالت‌انفرادیت افراد در صحنه کا سته میشود د ر تعدد اشخا ص در اطرا ف بو دا علاوه میشود . ستو په ها از مواد مشخص اعمار نمیشود و تخنیـك سنگ دیا پر ی یا سنگ‌پر چال که محصول هنری قرن سوم و چهارم هـــد ه اســـت تا ثیـــرا ت فراوا نـــی را د ر استو پـه ها و و معا بد بزرگ‌بودا یی قر ن چهارم و پنجم هده ، کامه ، کنر ها و از آنجا بطر ف شمال غر ب‌میبخشد . زیرا سا ختما ن دیاپر ی‌که‌از قرن سو م آ غاز و تا اواخر قر ن پنجم ادامه می یا بد .

معا بد مخصو صا بعد از قر ن سو م به بعد کو چك شد ه میرود و سا ختما ن های ر ها یشی ر ا هبین و ارادتمندان در معبد زیـاد می شود .

در اینجا بیمورد جلو ه نخوا هد کرد ازاو لین هیکل بودا یی کند ز که نمو نه دیگر ی از هنر گر یکو بود یك در شما ل هندو کش‌است یاد آور شو م . قرار شهادت‌هیوان تسانگ ز یرا چینی در کندز د ه معبد بودا یی و جود دا شت د ر سپتمبر ۱۹۳۶ بـه فا صله ســه کیلو متر ی شر ق کند ز از محل که معبد بودا یی در آ نجا و جو د داشت چندسر گچی کشف گر دید هنگا میکه پیر مرد ی غر ض آ ب یار ی اراضی جو ی حفر نمود ا ز پای دیوار یکی از معابد سر گچی بد ست آورد حفر یا تیکه در اینجا صور ت گر فت ثابت شد که معبد و عمار ت مربع شکل بود ه هرضلع آ ن پنجا متر طو ل دا شت . آثار یکه از این محل بد ست آ مــد ه عبـــا ر ت از هفت ســر یـــك مجسمه کـــو چك که نیمه انسان و نیمه پر ند ه را نشا ن مید هــد میبا شد .

گر چه شوا هد که از شمـــا ل هندو کش «کندز» در مورد ثبو ت این هنر بد ست آ مده خیلی کـم و نا چیز است. در جلگه های‌باختر سنگ زیاد نبود ه عد م استقــرار یو نا نی ها در شما ل هندو کش سبب شد به جنو ب هندو کش که مواد برای همچو آثار ز یاد واز طرفی امنیت جنوب‌خوبتر بودآمدند . چو ن‌مردما ن جنو ب هندو کش علا قه بیشتر به هنر دا شتنـد و دامنه جنو ب را بز ود ی فراگرفت فر صتیکه یو نا نی های با خترب‌عدا شا ها ن کو شا نی خا ك هند را متصر ف شد ند این هنر درقسمت های شر قی سند انتشار یا فت . هنر مندا ن و رزید ه و ما هر د ر جنو ب هندو کش با خا طرآرا م مو قع یا فتند تا در اینجا با و جود مواد ز یاد ابراز لیا قت نما یند . زما نیکه مر کز ادار ی و سیا سی دو لت یو نا نو با ختر ی‌به حوز ه شا دا ب کا پیسا منتقل شد ازنقطه نظر مذ هبی و کثر ت مواد ارزش داشت . آ بدا ت بزرگ در نقا ط مختلف این در ه به میا ن آمد .در آنها یاد گار های (شریراز) بودابود یعه گذا شته شد با ین تر تیـب طور یکه ز مینه برا ی تر قی‌هنری که در باختر تولد شده در گندهارا به صور ت فور ی و مد ت کم‌باو ج خود رسید .

هنر گر یکو بودیك چگو نه‌تحول یافت :

در تحو ل و تر قی هنر گر یکو بودیك عوامل ذیل رو ل عمد ه و ارزند ه دا شت

۱ـ گرا یش کنشکا امپر اطور مقتدر کو شا نی به آئین بودا یی.

۲ـ تو سعه تجا رت امپراطور ی کو شا نی با رومن ها.

۳ـ شیو ع هنر و تر بیه عد ه زیادی از هنرمندان در آر یـــا نا

فر صتیکه قدر ت شا ها ن‌یونان و با ختر ی در نوا حی شمال‌باختر از بین ر فت به تعقیب اسکا یها ، پهلو یها و کو شا نیها یکی بعـد دیگر در صحنه سیا ست و تار یخ ما ظاهر شد ند با آنهم آ نطوریکه فکر میشد این هنر پیشر فت‌قابل ملاحظه نکرد ه ز ما نیکه کنشکـا امپر اطور مقتدر کو شا نی قدر ت سیا سی را به دست گر فت‌او در بخش گستر ش آئیـن بودا یی و تو سعه هنر گر یکو بود یك ز یا د کو شید . کد فیزس ا ول تمایل زیاد به آئین بودا یی دا شت وکد فیز س دو م طور یکه از رو ی‌القاب مسکو کات و مضا مین خرو شتی او معلو م میشود .شیوا یی‌مذهب بود کنشکا بعد ازچندسا ل‌سلطنت خود آئین بودا یی را قبو ل نمود ازین تاریخ به بعد دوره با شکوه آئین پندا شته شد . کنشکا با ر اول رو ی مسکو کا ت خود بودا یی را با لبا س یو نا نی و بنا م بودو Bodo به رسم الخط یو نا نی‌به ضر ب رسا نید . کنشکا ما نند

آشو کا در اد بیا ت بو دا یی شهر ت ز یا د دارد .

کنشکا مجلس بزرگ مذ هبی (مهاسنگها) را تشکیل داد که اعضای این شورا ی مذهبی مر کب ازپنج صد نفر تحت ریا ست و شومیترا بود دا یر شده اومبلغین زیاد ی را به نقاط مختلف هندو بعضی کشور های مجاو ر فر ستاد فلسفه بودیزم را تو سعه داد و طریقه مها یانا یا راه بزرگ نجا ت را به میان آورد . کنشکا در عمر انا ت مذهبی تو جه خاص دا شت او در تبلیغو ترویج هنر مسا عی ز یاد ی به خر چ داد او معمارا ن حجارا ن ، نقا شا ن و دیگر هنر مندا ن را جمع وایشان را حما یت و تشویق نمود .

سلا طین کو شا نی در قسمت جمع آور ی شا هکار یها ی صنعتی و قت چه یو نا نی و چه رو می ، چه هند ی و چه چینی علا قه زیاد و مخصوص دا شت (۲۹) عامل دو م بسط و تو سعه تجار ت امپر اطوری کو شانی با رو من هاست که آنرا بنا م عامل اقتصادی یاد مینما یند . در حصه تو سعه و پیشر فت این هنر بی تاثیر نیست. راه معرو ف کا روا نرو (ابریشم) روم شر قی (بیزانس) سواحل مدیترا نه و پا رتیا را از جا نب غر ب و با زا ر ها ی تر کستا ن چین و چین را از جا نب شر ق به امپر اطور ی کو شا نی و صل مینمود .

چو ن در عصر کو شا نی رفت و آ مد با امپر اطور ی رو م ز یاد بود لذا بازر گا نا ن از رو م طلا به پیما نه ز یاد آورد ند کثر ت طلا در عصر کو شا نی با عث سکه ز نی طلا گر دید . کار وانها ی تجار های بزرگ که ماه ها دره های هندو کش و جلگه های و سیع باختر وتخا ر ستان را طی کرده از ماورا ی پا میر تا واد ی هریرود و حوز ه اند وس مال التجار ه خود را نقل میداد ند . تجارا ن بزرگ جهت تو سعه و کسب مفاد همیشه اعا نه میداد ند که اکثر معا بد و ستو په ها در خط السیر مذکور از اعا نه تجارا ن اعمار گر دیده است.

الفرد فو شه مینویسد (۳۰) : بعضی او قا ت تجا ر ها محض برای تمر کز سر ما یه و برا ی تعمیر معبد یا ستو په مسا فر ت مخصوص تجار تی مینمود ند . فو شه معتقد است که صنعت هم یك مال التجار ه لو کس است . تر قی و پیشر فت آن و جود اعا نه دهند گا ن پولدار را مینما ید . این همه ستو په های با شکو ه و معا بد مجلل باتزئینات منقو ش و رنگ آ میز یها ی بدیع ترا ش هیکل ها بدو ن پول وسر ما یه بدو ن معاو نت و دلسوز ی تجار چطور بمیا ن می آ مد ؟ طور مثال آیا با میا ن در ه یی با یسن تنگی چگو نه چند ین هزار را هب بودا یی را که از نقا ط دور دست و خار ج از کشور که اکثرا آ نها جز ریا ضت وظیفه دیگر ندا شتند. چطور تغذیه میشد ند؟ درصور تیکه رفت و آ مد بازر گا نا ن موضوع در طر فه تجار ت هندو کش نمی بود چگونه امکان داشت را هبین را که شمار آ ن ها از هزار بیشتر بود تغذیه نمایند . خلاصه هنر گریکو بودیك با ختر در عصر کوشا نی ها مخصو صا در ز ما ن ز مامدار ی کنشکا د ر او اخر قرن او ل میلاد ی خار ج از کشو ر بطر ف شر ق گستر ش یا فت .

عامل سوم که درزمینه پیشرفت و تر قی این هنر نقش مهم وباارزشی را باز ی نمود ه هما نا ورود هنر مندا ن گر یکو رو من از سوا حل مد یترا نه وبیزا نس بود که به دعو ت در بار کو شا نی صور ت گر فت. مو سیو رونه گر و سه (۳۱) درین قسمت مینو یسد که این مکتب در سد ه اول میلاد ی به انتها ی او ج خود رسید. در همین فر صت هنر مندا ن ورز ید ه و با تجر به گر یکورومن طبق درخواست و دعو ت هنر مندا ن عصر کوشانی وارد در بار کنشکا شدند .قسمیکه را ه تجار ت آزاد بود رفت و آ مد اهل حر فه و هنر مند هم د ر حر کت و گرد ش بودند .هرجائیکه خریدار و مشوق دا شتند میرفتند هنر خود را تقد یم مینمود ندایشان با آ ن عد ه هنر مندا نیکه که د ر خاك آریا نا قبلا تر بیه شده بودند یکجا شده شمار ا هل فن و حر فه در آر یا نا ز یاد شد .

بزرآگتر ین اهمیت هنر گر یکو بودیك مو ضوع ابتکا ر آنست که درمورد نمایش بوداساکیا مونی وسایر شخصیت های بر جسته د یا نت بودا یی بخرچ داده است . آ ئین بودا یی با و جود یکه هندی است این دین از قدیم الا یام نما یش دادن ز یروح چه حیوان وچه انسا ن تر دید ندا شته باز هم قبل از ظهور مکتب هنر ی با ختر ی (گریکو - بودیك) و انتشار آن در گند ها را هیچ هنر مندی جرات نکرده که هیکل بودا را بسا ز ند یا ترا ش کند . این مسا له از مطا لعه آثار مکتب های بو می هند قدیم چو ن بهر هو ت و سانچی بصورت اشکا را هو یدا ست در اینجا بودا را به واسطه سمبو ل و رمز مخصو ص او تمثیل مینمود ند . مثلا با لای اسپ عو ض اینکه خود او رانمایش دهند چتر و سایه بان را نمایش داده اند و یا در حصه تحتا نی تخت نشا نه پا ها ی بودارا رسم میکر د ند . و بالا ی تخت سمبو ل در خت بود هی دید ه میشود . از رو ی ع لایم فو ق پیر وا نش تصور

مینمود ند که تشخص بودا با لا ی اسپ سوار و یا بالا ی تخت نشسته است . هنر گریکو و بود یك دراین بخش ابتکار بخرچ داد و پرد ه از روی پییر وا ن سا کیا مو نی بر - دا شت او را در صحنه هاو مجالس کشید و دا ستا نهای ز ند گی او را در قالب هیکل ســـا ز ی رو ح بخشید .

مکتب هنر ی گر دیکو و بودیك با ختر ی یا گنـــد هارا در واز ه جد ید ی را در تر قی و پیشر فت هنر بودا یی با ذکر در نمو نه کار این مکتب هنری بحیث مدل درهند تعقیب و تکرار میشد .

گسترش این هنر به کشور های مجاور :

بعد از ینکه آئین بودا یـــی در اواسط قر ن سوم ق.م در افغانستان منتشر شد در طی قرو ن او لودوم میلاد ی این مملکت یکی از بز ر- گترین مرا کز آئین بودا یی محسوب گر دید ه از ممیزا ت تاریخ افغا- نستا ن این عصر اعزا م مبلغا نو صنعت گرا ن به خارج از کشــور مخصو صا به آسیا ی مر کــز ی ختن ،کا شزغر و چین است بایدنو- شت که هنر گر یکو بودیك چطور از افغا نستا ن به سر ز مین چیـــن انتشار یافت .

علما معتقداندقسمیکه آیین بودایی از دو طر ف در یا از را ه (سغد) وواخا ن به ما ورا ی شر قی پامیر راه خود را باز کرد . مکتب هنر ی گریکو بود یك هم همین را ه ر ا دنبال نموده درامتداد راه های مذکور به کا شغر ختن و دیگـر نـــقا ط سنکیانگ یا به اصطلاح قـد یـــم (تر کستان چینی) وارد شد .

اثارو شوا هد هنر گر یکوبودیك ازحوا لی سمر قند در خرا به های معا بد ختن و غیر ه شا هد ایـن ادعاست . اولین نقطه ایکه شواهد این مکتب از آن بـد ســـت آ مده (رواك) است که در شرق چیـــن افتاده است. تصا و یر یکه بشکل رنگه بودا یی از دیوار های معابد رواك پیدا شد ه با مجسمه هـــا ی بودا یی هده و ختن شبا هت زیادی دید ه میشود . میا ن تصاو یررنگه و سر های گچی هیکل های هد ه و با میا ن ازیکطر ف و آثار هنر ی نقاط مختلف آسیای مر کزی مانند رواك ، میران دور تربطر ف صحرای گو بی چون قزل کمتورا تا تو ئن هوا نگ چین تشبهات زیاد به چشم میخورد که نفو ذ هنر گریگو بود یك را بـــه اثبات میرساند .

روش هیکل تراشی وسبك های مختلف نقاشی روی دیوار که د ر افغا نستا ن عصر بو دا یی معمو ل بود تنها درآسیا ی مر کز ی متوقف نماند بلکه با شیو ع آئین بودا یی پیشر فت در وادیها ی (تورخا ن) که به سر حدا ت چین تما س دارد ودر نقا طی ما نند مورتـــك و با ز اکلیق آ ثار ز یاد ی از این هنـــر دید ه شده است . رونه گرو ســه خاور شنا سس فر انسو ی معتقد است که در نقا ط مذ کور تا قر ن نهم میلادی از روی کـــار هـــای هده و تا کسیلا تقلید میشد . این مفکور ه را سر ها ی مجسمه ها ی که از نقا ط متذ کر ه کشف گردیده ثا بت میسا زد . از نقا ط جنو بـی صحرای گو بی آ ثاری کشـــف گر دید ه که در آن نشا نه هـا و نشا نهها ت بودا یی افغا نستـــا ن چو ن با میا ن و فند قستا ن دیده میشود در مکتب هنر ی گر یکو- بودیك رو ش هیکل ترا شـــی و نقاشی بودا یی روی دیوار که د ر معا بد معمول بودترویج آئین بودایی به تدریج از سر حدا ت افغا نستان خارج شد و تا کا شغر ختن وچین سرا یت نمود .

در یاد دا شت های زا یرا ن چینی شهر قد یم کا پیســا معروف بود . هیوا ن تسانگ این شهر را به صفت پایتخت کــو شا نیها ی بزرگ یاد مینما ید .(۳۲) .

در طی قر ن ۱۹ ما نند اکثـــر نقاط افغا نستا ن در خرا به هـــا ی بگرا م کاو شها ی سطحی صور ت گر فت . ولی حفر یا ت اسا سی از طر ف هیت با ستا ن شنا ســـی فرا نسو ی در (۱۹۳۷) آغازشد که در نتیجه آ ن مجمو عه گـــو نـــاگون آثار نفیس بد ست آ مده کـــه از جمله شوا هد و مدار ك گرا نبها به شمار میرود . در خرا به های بگرا م سه دور ه سا ختما ن دیده میشود سا ختما ن او لیه شهر از طـــر ح شهر ساز ی یو نا نی مناطق غربی آسیا مثلا دورا ایرو پوس چندا ن متفاو ت نیست . بگرا م پایتخت آخرین پاد شا هان یو نا نو بــا- ختر ی بود که سلطنت ایشا ن د ر اثر ورود اقوا م سیتی به جنو ب هندو کش منتقل شد . سا ختما ن های بعد ی مر کز حکمفر ما یـــی او لین ز ما مدار نی کو شا نی بود این شهر بعد از ورود یفتلی ها در قر ن پنج میلاد ی از بین رفته واز آن به بعد بگرا م متروك و غیــر مسکون گر دید

آثار مکشو فه بگرا م عبارت از صندو قچه های لا کی چینی کـــه صندو قچه لاکی اصـــلا از چو ب سا خته میشد و رو ی آ نرا بالا ك یا یکنو ع گند در خت نقاشی ورنگ آمیزی میکردند . مجسمه هـــا ی مفرغی یو نانی و رو می ظـــروف متنوع شیشه ای رومی ظروف یونا نی از سنگ مر مر جگر ی دانه دار و یشم ، آثار گچی و آثار گرانبهای عاج میبا شد . اگر چه به مجسمه

های مفرغی گریکو رومن دقت شود مجسمه هرکول و هربوکرات - کار هنری اسکندریه مصر میبا شد. تشابه این دو مجسمه را به عصر رومیها ی مصر موجودیت گیلاس بزرگی به اثبات میرسانند که از سنگ مرمرجگری ساخته شده زیرا این نوع سنگ درعصر رومیها از مصر استخراج میشد. در آثار کلاسیک بگرام که فوق العاده بارزش است موجودیت پنجا پارچه آثار گچی است این مدالها ی گچی شکل مدور داشته که اصلا از روی قالبها ی فلزی یونانی قالب‌گیری شده وبعضی از این اثار در حاشیه خودسوراخ دارد که در حقیقت امر این آثار بحیث اشیا ی تزئینی در محلی یا دیوار تعلیق میشد. همین قسم آثار نفیس هندی که شامل آثار عاج میبا شد از آثار یونانی کمتر نیست. نقوش و اشکال برخی از عاجها بسیار بر جسته و از دیگر ی آنقدر بر جستگی ندارد. در بعضی از مواردد‌رنقوش بصورت مشبك منبت شده و دربرخی دیگر اشکال مقعر تراش گردیده است. مجسمه هرکول از مفرغ توسط معر وفترین هیکل تراش یونانی بنام لی سپ ساخته شده است. هرکول قرار معلوم عصای کلفت و سیب در دست دارد و به دور کلاه او شاخه زیتون که علامه حاصل خیزی وادی نیل است‌دیده میشود این اثر فعلا در اتاق‌بگرام موزیم کابل به نمایش‌گذاشته‌شده است. از جمله مدالها ی گچی(۳۳) یکی آن در موزیم کابل و دیگر آن در موزیم گیمه فرانسه موجود است. پهلوان جوانیکه در این مدال گچی دیده میشود خود اسکندر کبیر تلقی شده که به صفت رب النوع جنگ در آمده است. عین همین صورت در نگین هاو مسکوکات هم به نظرمیخورد. در جمله آثار عاج یکی هم تصویر زن نشسته است که خطوط خارجی بدن زن در متن بصورت عمیق کنده شده و بقیه قسمت ها در داخل خطوط کمتر بر جستگی دارد. زیبایی اندام این لوحه عاج هیکل تراشی دوره های اولیه کلاسیک هندی را به خاطر میاورد.

به همین گونه در نقاطی مانند پایتاوه و شترك که به فاصله چند میلی بگرام واقع است. کاوشها ی از طرف هیت باستان شناسی فرانسوی قبل از جنگ جهانی دوم صورت گرفت چنین پنداشته میشود که شترك همان جائیست که یرغمل‌های چینی کنشکا در آنجا بود و باش مینمودند. نقشه افتاده معبدان به معابد مذهبی تاکسیلا شباهت زیاد دارد. مجسمه های این دو محل که در سنگ آبی رنگ شیست (سنگ ورق) گندهارا ساخته شده از طرز و روش کار مجسمه‌های بودا وسایر داستانها ی که در سنگ ها حجاری شده همه به یك دوره اخیر مدرسه گندهارا تعلق‌میگیرد

تاریخ آن از قرن سوم میلادی تجاوز نمیکند. هیکل بودا دیپانکارا) (شکل ۱) مجسمه یی راارائه مینمایند که در آن تناسب دوره های اول کلاسیك به کلی ازمیان رفته خطوط قاتها ی لباس بودا در آئین مجسمه طور تیزوساختگی به نظر میخورد که حقایق وضع البسه پرحجم که به‌سان بوداهای قرن اول ودوم میلادی‌دیده‌میشود احساس نمیشود. عین همین‌تجسم و کرختی پیکر در سایر مجسمه های پایتاوه نیز دیده میشودمانند مجسمه مایتیریا Maitriya که‌از پایتاوه بدست آمده است. صرف یك پارچه بزرگ که صحنه ای ملاقات بوداوگسیا پسا Kasyapsa را در شترك نشان میدهد به سبك قرن دوم مدرسه گندها را نزدیك است. این پارچه ها ی هیکل تراشی بگرام در سنگ‌ورق (سنگ سلیت) اهمیت بسزایی دارند. زیرا از آخرین نمونه‌های سبك مکتب گندهارا نمایندگی میکند.

با میان یکی از بزرگترین مراکز بودایی آسیا ی مرکزی بوده است هیوان تسانگ زیرا چینی در این باره مینویسد که به طرف شمال شرق شهر کوهی است که در این کوه مجسمه بودای استاده تراشیده شده که اشعه زرین از آن به هر طرف میتابد و احجار قیمتی زیور آلات آن چشم را خیره میکند. بطرف شرق معبد یك مجسمه ایستاده به شهادت زیرا چینی هوی‌چاو (ساکیامونی بودااز سنگ فلزی ساخته شده است

در قرن ۸ میلادی Hui-chao هنوز معابد بودایی در کمال آبادی و شکوه خود باقی بود داز این‌تاریخ‌به بعد بامیان مدتها در سکوت و فراموشی ماند. اگر از نقاط مرتفع خرابه ها ی ارگ شهر غلغله یااز جناح غربی از

ویرانه های دره فولادی نظری به بامیان امروزی افگنده شود یکی از پرهنگامه ترین مناظر آسیا به نظر می آیدهیکلی که در انتها ی شرقی کوه به ارتفاع (۳۸) متر استاده است یك هیکل گندهاری را به پیمانه اندازه بزرگ مجسم میسازد. هسته‌مرکزی این مجسمه در سنگ‌کوه شکل داده شده و یالان راهبی او که قلها ی ضخیم دارد جزئیات سرو صورت او که حالا از بین رفته کلفت قالب گیری شده بود. روی آنرا از ورقه نازکی پوشانیده بودند.

تصاو یر دیوار ی سقف روا ق بودا و دیگر نقو شیکه در دیو ا ر های سمو چ های مجا ور دیده می شود به سبك تقلید ی سا سا نـی طرح و رنگ آ میز ی شده است.در سقف روا ق طاق هیکل بوداتصویر بزرگی که از رب النو ع آ فتا ب و عراده اش نقش شده‌اشاره ایست به جنبه الو هیت آفتا بی بودا د ر پهلو ی روا ق و طاقها تصاو یـر اما نه دهند گا ن نقش است وصور دسته جمعی ورسمی هیکل‌تراشهای ساسانی را به خاطر میاورد . آنچه در اینجا قابل توجه است تزئینات سمو چهاست که در جنا ح غر بی مجسمه بزرگ بودا قرار دارد. به علت فرو ریختن زینه که در دا خل کو ه کنده‌شد ه بود رفتن به آنجـا ممکن‌نیست در سقف سمـوچ (ج) تز ئینا ت به شکل پار چه هــا ی ابریشمی سا سا نی دید ه میشود و در میا ن دایر ه ها حیوا نا ت و پر ند گا ن تصور ی دیده میشود .

حاشیه دایره ها یکه این‌تصاویر در میا ن آنها به ملا حظه میر سد بادا نه های مرواردید و چارگل چار گو شه مز ین گر دید ه است .گرچه مجسمه ۳۸ متر ی بودا خا طر ه هیکل ساز ی بودا یی‌راطبق‌موازین مکتب گندهارا در قر ن دو م‌میلادی و انمود میسازد . در حصه شر قی مجسمه (۳۸) متر ی بودا بقا یا ی معبد کو چکی کشف گر دید ه که‌در سنگ کند ه شد ه و در اثـــر ریختن پار چه های سنگین سنگ از بد نه جدا و نا پد ید شده بود . این معبد بنا م سمو چ(ج) نیزیاد میشود . در وسط این سموچ‌ستو په کو چکی و جود دا شت که تزئینات آن قسما برجسته و قسما مر کب از تصاو یر رنگه بود که تا بلوهای خیا لی را درنظر مجسم مینما یـد نیر وانا Nirvana مهمتر ین‌صحنه بود که در جدار این ستو په کوچك با برجستگی های گلی ورنگ‌آمیز-یها ی رو ی جدار نقش گردیده‌بود.

مجسمه (۵۵) متر ی که‌زیر رواق سه گوشه یی در حصه غر بی دره قرار دارد یك مجسمه عصرگوپتا را بینما یت بزرگ نشا ن مید هد. قا تهای لباس مجسمه که‌خطوط میخی تیز با روش مخصو ص طرح شد ه سبك قر ن پنجم بودا ها ی (متهورا) را بیاد میاورد تصاو یـر رنگه که در سقف تاق و در دیوار های دو جناح آ ن نقا شی شـــد ه کا پی تقلید ی تصاو یر دیوا ر ی علا قه اجا نتا است . دهلیز یکـه عقب پا ها ی مجسمه کشید ه‌شده چند سمو چ بزرگ در دل کـــو ه ترا شید ه شد ه یکی ازآنهاسمو چ نمبر (۱۱) میبا شد . که در گنبـد سقف خود تز ئینا ت بر جستـه قالب گر فته شده یی دارد .

در دره ککرك به فا صله ۲و۳ میلی جنو ب غر ب بودا ی عظیـم عقب خرا به های مترو ك شهرغلغله سمو چها ی معا بد دیگر ی در ما-حول مجسمه بودا و جود دارد کـه در سنگ ترا ش شـده اســت . تصاو یر رنگه در موز یم کابــل مو جود است . از سقف دیوار های اطرا ف یکی از این معا بدبرداشته شده است یك پار چه بزرگ آ ن بحیث نمونه.(۳٤) بصورت رنگـه میبا شد که بنا م مندالا Mandala یا دایر ه نجو می ایست که دروسط آن بودا نمایش داده شده‌وانگشتان دست او حر کت (دها رما چکر ه Dharmachakra دا نش و تعلیم‌را ارا یه میدارد در چهار طر ف‌بودای وسطی در میا ن دایر ه های‌کوچکتر اشکا ل بودا های کو چکتر دیگـر نقش شده است که طبق فلسفـه طریقه‌راه‌نجات‌بزرگ Mahayana بودایی مقام علوی بودا را نشا ن مید هد .

درزمان عروج آئیین بودا یـی پایتخت امروز ی افغا نستان مر کز یك عده معا بد و دیر های بودا یـی بود که بین قلمر و سلطنت‌کاپیسا نگار ها را زایرا ن رابـخود جلب مینمود ، ستو په های شیوه کی در سا یه کو ه های چکری‌ومناربودایی چکری در فراز کو ه وبقایا ی‌ستوپه های معا بد گل در ه در سر را ه در ه لو گر از جمله همین آ بادیها بشمار میر فتند . همچنا ندرویرانه معا بد بالا ی تپه مر نجا ن‌کاو ش صور ت گرفت . مجسمه های گلـی بودا و بودیستو ا که تقر یبا همـه صحیح و سالم بد ست آ مده‌نمونه های‌محلی و تاز ه‌ترتقلیدی‌از هیکل تراشی هده‌است به همین علت‌نفوذ هندی بیشتردر آنها مشهود است. این مجسمه ها بجا ی خمیر ه گـچ از گل و خاك محلی قالب گیـر ی شده در تا قها ی منقش و رنگـه نصب میگرد ید از تپه خزا نه که در عقب شفا خانه جد ید ابن‌سینا در پوز ه کو ه هزار ه های چنداول واقع است پار چه های متعد د سر های گلی بد ست آ مده‌که‌به آخرین تحو ل روش تقلید ی گند هارا در فند قستا ن یعنی به قر ن ۵ یا ۶ میلاد ی تعلق میگیرد . همین قسم چند نمونه مجسمه سنگـــی از حوالی تگا ب بد ست آ مده اسـت حتما این مجسمه متعلق به هما ن مکتبی است که در حجار ی هـا ی سنگی علا قه بگرا م تو لید گردیده سر مجسمه بودا ی روزه دار که از این جا کشف گر دید ه به مثا بـه اعلی در میا ن آثار هیکل ترا شی گند هارا و موزه های پشاورولاهور موجود است .

با ید متذ کر شد که در اثـر-حفریات هیات‌باستانشناسی فرا نسو ی در یکی از تپه های در ه غور بند معبد فند قستا ن راکشف

گرد و آثار مکشوفه این تپه از
نقطه نظر ارتباط به هنر آسیای
مرکزی در خور کمال اهمیت است
هیئت فرانسوی تاریخ این معبد را
از روی آثار مکشوفه قرن ۷ میلادی
تعیین نموده است . پلان این معبد
که بالای تپه مخروطی شکل در
فندقستان آباد شده بود مانند
سایر معابد بودایی گندهارا
شامل یک حویلی یا ویهارا بود در اطراف
ویهارا اتاق ها آباد شده که در
داخل اتاقها اعمار گردیده است .
در هر اتاق مجسمه ها جا بجا
گردیده بود . عقب هیکل ها رابا
الوان کم رنگ رنگ آمیزی نموده
بودند . در پیکر سازی فندقستان
عوض خمیره گچ که در قرون اولیه
در هده و سایر نقاط معمول و
مروج بود ، بار اول گل خالص
بکار رفته و آنرا با مواد دیگری
مخلوط کرده اند تا مقاومت آن
بیشتر شود . این روش جدید از
فندقستان به آسیای مرکزی و
چین منتشر گردید . تصاویر رنگه
دیواری فندقستان جلوه هنری
ساسانی و هندی هر دو را به
نحوی دارد که در دیوار های سموچها وتاقهای بامیان دیده شده است.
مجسمه های بودیستوا ها بحالت
تنها به اشکال مشابه به خود در
نقاشیهای دیواری قرن های ۵
و ۶ میلادی اجانتا شباهت بهم
میرسانند . مجسمه های رنگه
گلی تحفه دهندگان با اندام و
اعضای چاق از نظر جزئیات
لباس بشتر مظاهر هنر ساسانی
را ظاهر میسازد . خصوصیت آثار
فندقستان در مجسمه های زیبای
بودیستوا ها و زنها متمرکز است.
حرکات بدن جلوه خاص در اینجا
به هنر گوپتا دارد . در این سبک
خواص تصوری آثار گچی هده
وجود دارد باید گفت که در زیبای
مجسمه‌ها مبالغه شده است حرکات
دست قشنگ ـ انعطاف بدن هاو
لطافت خیلی زیبا و دلکش است .
آثار فندقستان آخرین و زیبا
ترین مظاهر انکشاف هنر بودایی
افغانستان را معرفی میکند . ودر
پیکر های زیبا حقایقی نهفته که با
درک آن روشن میشود که چطور
روش هنری هندی به یک سبک
حقیقی در آسیای مرکزی تغییر
شکل یافته است.

ویژه گی های هنر گریکوبودیک

در قسمت ویژه گیهای هنر
گریکو بودیک باید علاوه نمود که
معابد این هنر بطور عموم دارای
یک میدان بزرگ (ویهارا) که به
دوران یک تعداد خانه ها یا حجره
ها برای رهایش روحانیون و
راهبین ساخته شده ویک دیوار
احاطوی دوران آن گرفته شده
میباشد .

همچنان اتاقهای دیگر یکه
دارای تاقهای کوچک میباشد
ساخته شده است در این تاقها
مجسمه های بودا گذاشته میشد.
ستوپه ها و تاقهای این معابد
با تزئینات سنگی مزین شده و
با رنگهای زیبا و صیقل کاری
قابل توصیف رنگ آمیزی گردیده
بود . ولی امروز نه تنها نقش ها
و رنگهای زیبا و صیقل کاری قابل
ملاحظه آن از بین رفته بلکه
مجسمه های سنگی آن نیز بیجا
شده است .

ازیک طرف ضرر به مسلمین واز
جانبی ضربه طبیعیت به آن ضربه
شدید رسانیده است .

هیکل های مختلف که حیات
بودا را تمثیل مینماید ابتدا در قاعده
ستوپه قرار گرفته آسباب زینت
و ظرافت آن شده بودند . در
بین مجسمه های که بدست آمده
است مجسمه های بزرگ و کوچک
سنگی ، گلی وستوپی که حالات
مختلف حیات بودا را تمثیل مینماید
مثلا بودا بحال تفکر یا دهیانامودرا
Dhiyanamudra عدم
ترس یا آبهایا مودرا
Abhayamudra
حالت تدریس و غیره دیده
میشود که چهره هندی او بالباس
یونانی بتن دارد خیلی عجیب به
نظر میخورد . هر قدر به طرف
وادی صوات بالا تر برویم از
اجتماع و کثرت معابد کاسته
میشود ولی خرابه ها و بقایای
آن که در زمان بودایی در این
منطقه وجود داشت زیاد بوده که
که در اثر حفریات و کاوشهای
باستانی یکی بعد دیگر از زیر
خاک کشف گردید . ازمنطقه صوات
مجسمه بزرگ بودا بربدنه کوه
ساخته شده بروی این مجسمه
بزرگ ما بصورت واضح و آشکار
انمونه های هنر گریکو بودیک
را ملاحظه نموده میتوانیم(۳۵)

مواد ساختمانی هنر گریکو ـ
بودیک به خصوص در هده از گچ ـ
سنگ، گچ، سنگ شیست (یکنوع
سنگ ورق است) بیشتر آثار ازگچ،
خمیره گچ . گل سبز مایل به زرد
وگل آبی ساخته شده . اولین
ساختمانی که وابسته به مواد
محیطی میباشد و کدام تفاوتی
از نگاه رنگ ، نوعیت و صورت
ترکیب آن نمیکند . هیکل های
گچی هده در مقابل هیکل های خشک
کرخت سنگی گندهارا به مراتب
زیبا و تازه معلوم میشود . آثار
گچی هده عموما در قالب ریخته
شده وقالب‌های مختلف ومصالح کار
زیبا و شفافیت زیبا و جالب
به آنها داده است آثار گچی هده
که بیشتر ریالیزم در چهره ها
محسوس است باقیافه هیکل های
سنگی سایر نقاط گندهارادرواقع یک
نوع سبک خشک تقلید رومی درآمده
اند .

اختلا ف بارز دارد و برا ی شرح علت آ ن اختلا ف نظر یا ت مختلف مو جود است .

سر جا ن مار شال که تحقیقات وی در تا کسیلا نا مش را بلندآوازه کرد علت پیدا یش مکتب هده ر ا ظهور یکنو ع تجدد هنر ی میداند و اقلا یك قر ن بعد از اتما م دو ر ه مکتب هیکل ترا شی سنگی گندهارا را بمیا ن آ مده است (٣٦) .

داکتر بچهوفر Dr. Bachhofer پیکر ساز ی هده را بحیث یك جنبش نوین سبك گند هارا تلقی مینماید. نظریات و افکا ر بالا همه مبین این است که میا ن سبك مجسمه سازی هده در مواد نسبتا نرم پلا ستیکی با هیکل ساز ی سنگی گند هارا فرق با رزموجوداست. سرمورتیمرو ویلرخاطر نشا ن مینما ید که میان سر ها ی گچی که ا ز سا براتا از نا حیه شما لی افریقا و سرهای که از هد ه کشف شد ه درنو عیت و تخنیك کو چکترین اختلا فی موجود نیست طور یکه در معا بد بودا یی سا یر نقاط افغا نستا ن و درعلاقه شمال غر ب پا کستا ن معمول بود هسته داخلی بد ن بودا و دیگر مجسمه ها را اول ازگل میسا ختند و بعد رو ی آن با ور قه نا زك گچ می پوشا نید ند . هسته مرکزی سر ها و بد ن مجسمه ها را ا ز ماده نر می محفو ظ با کاه وسنگ ریز ه ها میسا ختند و بعد سطوح بیرو نی چهر ه مجسمه و مو های آ نرا از ور قه نظیف خمیر ه گچ قالب گیر ی میکرد ند .

چو ن بد نهای زود شکن مجسمه های هد ه حتی قبل از آ غاز حفر- یا ت به هم خورد ه و شکسته بود تعداد سر به تنا سب بدن خیلی ز یاد است . مجسمه های سنگی هد ه که در سنگ شیست و یك نوع سنگ ورق آ بی رنگ ورنگ های نر م دیگر حجار ی شد ه ا ز دو نقطه نظر اهمیت دارد . یکی از نکا ه شیو ه کار که این قبیل آثار در هیکل ترا شی گند هارا درپا- کستا ن هم یا فت میشود . دو م اینکه اقسا م جالب آثار کلاسیك را در این نوع پیکر ساز ی سنگی میتوا ن یا فت . نمو نه های کلاسیك که در آثار هده و جود دارد چه آنها یی که در گچ قالب گیری شده و چه آنها یی که در سنگ حجاری گر دیده هم به آثار یو نانی و هم به آثار رو می عصرفلا و ین Flanian دوره های بعدی شبا هت بهم میسر سا ند . وجود این تشا بهات چه در هیکل تراشی سنگی گند هاراو چه در پیکرسازی گچی هد ه صرف یك مطلب را آشکار میسازد که هیکل ترا شا ن و پیکر سازا ن گند هارا و هده یا در کار گاه های هیکل سازی مغرب زمین (یو نا ن و روم) یعنی در جا های تر بیه شده اند که اصل نمونه های کلا سیك در آنجا هامعر وفیت دا شته یا در خود محل به آثا ر اصیل کلا سیك دستر سی دا شتند و از آ ن میتوا نستند استفاد ه کند

از نقطه نظر رو ش هنر ی معمولا عقید ه همگا نی برا ین است که پیکر های گچی هده بمرا تب از های سنگی مهمتر و ز یبا تر است ز یرا خمیره گچ در دست استاد به آسا نی شکل مطلو ب بخود میگرفت تیکر های این دور ه از نظرمقایسه با مرا کز معا بد بودا یی حوز ه کابل ، تپه مر نجا ن پچیروا گا م ، کامه ، شیر شا هی و دا منه ها ی کو ه گا مه از لحظ پرو فیل خمیره ،سیستم پختن وتز ئینا ت رو ی ظر ف با هم شبا هت دار ند . د ر سا ختما ن دو ر ه او ل تپه شتر هد ه در اثر آ تش سوز ی اکثر سا ختما نها از بین ر فته و به صور ت مخرو به با قیما ند ه است

در دور ه اخیر حیا ت را هبی مذ هبی مجددا تر میم گر دید ه و در دور ه دو م و چهار م از دوحجره بین ویهار ا وصحن و یها را یك حجر ه یك را هر و بایك جویچه کم عرض که آب بارا ن از آن خار ج میشد سا خته شد در دور ه چهارم و پنجم تپه شتر هد ه میتوا ن ا ز تسلط مستقیم خانواد ه یفتلیها رادر اینجا ذ کر کرد ز یرا در همین دوره است که مرد ه های یفتلی ها د ر مغار ه ها جا میگیرد . سا ختما ن های این دو ره از نظر مواد ما نند نوع خشت ، سا ختما نها ی پخته یی تیکر های خیلی لشم و لعا ب شد ه با تز ئینا ت و اشکا ل سر انسا ن که با سکه های یفتلی شبا- هت دارد بد ست آ مد . چنا نچه از دهن یکی از اسکلیتها در مغار ه دو م پهلو ی مغار ه او ل سکه کو چك یفتلی کشف گر دید ه اکثر پار چه های ظرو ف سفا لی که از سطح عمو می محو طه شمال غر بی و جنو بی بدست آ مد همزما ن بوده اند و از دو ر ه های اخیر ز ند گی معبد نما یند گی میکنداینها کو ز ه های را بصور ت سرچپه میگذاشتند

که در بین آ ن الیا ف نبا تی مانند کاه و یا علو فه دیگر ی را می- سو زا نند که دود آ تش باعث طرد و رفع حشرا ت میگرد یداین خصلت یفتلیها بود . او لین سا- ختما نیکه وابسته به مواد محیطی میبا شد و کدا م تفاو تی از نظر رنگ نو عیت و صور ت تر کیب آن نمی کند همانا معبد یا آتش کد ه است . بعد از تخریب بعضی حصص این آتشکد ه از مواد ی کار گر فته شد ه که علت آ ن مقاو مت و استحکا م آ تشکد ه بود ه این مواد عبار ت از خشتها ی خام و طو یل به اندازه (٤٣ × ٤٠ - سانتی متر) بود ه بعد ها در سا ختما نها ی

گلی ، خشت کاری پلاستر دیوار ها به خصوص در تهداب آن تفاوتی دیده میشود . مثلا مواد ساختمانی حجره ها با دهلیز از هم مباینت دارد . سنگ کاری های های دوره سوم و آغاز دوره چهارم فوق العاده منظم بوده‌داخل سنگ کاری ها توسط مواد چونه دار انگاف گردیده و پخسه های آن از گل سبز زردرنگ خیلی مستحکم تهیه شده و روی آن بعد از یك دوره حریق پلاستر گردیده است . دردوره چهارم و پنجم روی مواد گلی مجسمه ها نوع ماده ستوك نرم ترو کم مقاومت را به‌کار برده اند که به‌زیبایی آن آنقدر تاثیر نه بخشیده ،معمولا روی این مواد رنگ آمیزی میشد و یا ملمع طلا صورت میگرفت .

مواد گلی و گل خام معمولا برای مجسمه برای مجسمه ها ییکه به صورت نیمرخ در دیوار ها یا رو-قهای از صحنه ساخته و نصب میشد بکار رفته است . مواد گلی سبز رنگ در اثر حریق دوره اول و دوم معبد عمومی به نصواری پخته تبدیل شده است . باید گفت که ستوك روی گل گرفته می شد اجزای مجسمه های بودابود ایستوا هدیه دهندگان ، عبارت کننده گان و غیره بصورت جدا گانه تهیه و بعدا روی آنستوك کار میشد . در دوره های دوم ، چهارم و ششم مواد اضافی دیگر چون انساج‌نخی ، ملمع‌طلا والیاف نباتی و الوان طبیعی که مرکب از اوکساید آهن و برونز می بود کار گرفته شده ، رنگ لاجوردی که زاده قرن چهارم و پنجم است در هیکل های این دوره بوضاحت مشاهده میشود. رنگ سندری در اثر حریق‌برنگ جگری و بعضا سیاه‌تغییر شکل‌داده تنها رنگ زرد که ترکیبات چونه یی در آن موجود بود بعد ازسوختن به رنگ سیاه مبدل گردیده است .

الفرد فوشه هنر دوره بودا یی را در گندهارا قبل از تحول‌هنری قرن اول میلادی اینطور تذکر میدهد : بودا هادرحالات مختلف شناخته بر هنه نداشته پا های‌بودا معمولا زیر ردا‌پنهان است اشخاص روحانی، همراهان وهدیه دهندگان از بودا بزرگتر نیستند ، به تناسب وجود بودا ساخته شده است ولی در اواخر قرن اول و اواسط قرن دوم میلادی هنرگندهارا تحول مینماید که بودا هادر حالات تعلیم دیده میشود (شکل۲) بعضا به حالات متنوع چون بودا بحالت تفکر (شکل ۳)دهیا نامودرا و بحالت اطمینان
Dhiy ananudra)
یا آبهیا مودرا شکل (۱) دیده میشود کفپا ها عموما برهنه بوده بصورت چهار زانو یا به شکل دها یا ناسانا (۳۷) یا حالت نشستین پا ها به صورت متقاطع بوده که‌کف پاها طرف بالا یکی بالای دیگر گذاشته میشود . از حالت انفرادیت در صحنه کاسته میشود در تعداد اشخاص در اطراف بودا افزایش بعمل آمده است (شکل۴)

الفرد فوشه برای‌اولین بار بعد از ختم جنگ جهانی دوم تصنیف هنری را در آرت‌گندهارا بوجود آورد . مثلا وی متذکر میشودکه صورت‌بندی‌قسمت‌خارجی مجسمه از قبیل موهای موج دار لطافت و نازکی لباس ،حرکات آبهیا یا مودرا (عدم ترس) موقعیت ساپرخدایان هندی در مظهر فرامین وتعالیم مانند اندرا وبرهما و همچنان خدایان یونانی مربوط به تهذیب بودا یی‌وتغییر هویت هنری آنها مانند ،زوس، دیو نیز و س ، وهیر اکلس ازقرن دوم آغاز و تا اخیر قرن سوم رواج داشت . از آن‌به بعد در طریقه ها تغیراتی وارد میشود. به این معنی که‌طریقه هینایانا جای خود را به راه نجات بزرگ یا ۳۸ مهایانا و شعبات دیگر چون تیراوادین و سرواستیوا دین (۳۹) و اگنداره میشود.

نقطه مهم دیگر یکه باید در این مورد تذکر داده شود همانا موجودیت مواد هنری میباشد که‌هنرمندان این دوره از آن استفاده اعظمی نموده اند . مثلا در هده از گل و ستوك ودر تاکسیلا از سنگ استفاده شده است . در صحنه ها از خلقت پدیده های مقدس چون گل لوتوس (شکل ۵) تری رتنا (۴۰) یاسمگاها)علامه سه اصلی دیانت بودایی) چکره (چرخ) مکارا (حیوانات انسانوی) ، تریتون دهرمه چکره (چرخ قانونی) اشکال خدایان و روحانیون هندی و یونانی اشکال پرنده وظروف آبی حیات دیده میشود . خلاصه مشخصات و ممیزات هنری یونانی و خصوصیت مذهبی‌هندی با هم مخلوط شده است.

تعداد بیشتر آثار گندهارا و هده مملو از وقایع زندگی‌ساکیامونی بودا میباشد که تمام قصه و افسانه زندگی بودا (۴۱) رااز روی آثار حدس زده میتوانیم . زندگی بودا را مانند تولدبودا، جوانی او ، دوران شهزادگی و فراگیری تعلیم در هند شمالی، ازدواج او ، ترک حیات‌شهزادگی ، دوران راهبی و ریاضت کشی، به مقصد رسیدن او زیر درخت بودی (۴۲) ، اولین خطابه و موعظه مذهبی در پارك دیربنارس تعلیمات او ، معجزهای اووبالاخره مرگ او (نیروانا) یادر گندشمت

بزرگ سا کیا مو نی در کو شی نگر واقع در شهر کا سیا ی هند در هزار ها مجسمه ترا شید ه شده بودا یی یا فته میتوا نیم (٤٣)در هنر گر یکو بود یك نه تنهامجسمه های ار با ب النوا ع سا خته شده بلکه مجسمه های حیوا نا ت نیز به چشم میخورد که از جمله همه آنها مجسمه شیر با اهمیت تلقی شد ه است . ز یرا مجسمه ها ی شیر از ز ما نه های قدیم بحیث سمبول شاهان مورد ا ستفاده بود ه. واز جمله حیوا نا ت قو ی الجثه تلقی‌شده است .درهنربودایی شیر در دو جا بیشتر به ملا حظه رسید ه. یکی زیر تخت بودا ودیگری سمبو ل خانواده سا کیا بود .همین قسم را هبین ریاضت کش(مرتاض) پهلوا ن ها و جنگجو یا ن حتی حیوانا ت ما نند فیل و شیر درحال ارا ی احترا م بودا دیده میشود .

بودیستوا ها عمو ما (شکل ٦) لبا سی به تن دارد که به نا م‌دوتی یاد میشود . این نوع لبا س شکل لنگ یا دامن را دا شته که‌بدور کمر بسته میشود و به طر ف پا ئین بصورت دامن چین دار آو یزا ن میبا شد . یك سر این لنگ اززیر بغل چپ گذ شته بالای شانه‌ودست چپ اندا خته میشود . این لباس معمولا نخی یا آ بریشمی میبا شد. را هبین عصر بودا بیشتر دو تی لنگ پشمی می پو شید ند . این را هبین .(را هبو را هبه) از د و نوع لباس عو ض شال استفاد ه میکر د .ند که یکی آ ن اوتا راسانگا uttarasanga یاپیراهن بدو ن آستین بود که طو ل آ ن تا زانو میر سید و دیگر جا مه که هند ی که مخصو ص پیروان بودا به نا م سنگها تی Sanghati یاد میشود . (٤٤) ستو په ها ی معبد عمو می تپه شتر هد ه ازسنگ پر چال دیا پر) اعمار گردید ه‌وروی این ستو په ها ستوك کار شد ه مجسمه های بودا و بودیستوا (شکل ٧و٨) در قسمت تحتا نی ستو په‌که حالا ت مختلف د رآ ن تمثیل گردید ه دید ه میشود.رواقها توسط ستون پا یه ها از هم مجزا گر دید ه ستو ن پا یه ها درقسمت فو قا نی در ارا ی تز ئینا ت‌کو ر- نتین میبا شد . در مجمو عه آ ثار هد ه سر ها ی متعد د ی مو جود است که با دا شتن چهر ه انسانی برخی ممیزات حیوانی هم درآنها دیده میشود .

اینها سر ها ی شیا طینی است که طبق اسا طیر بودا یی حین‌حمله مارا Mara شا ه مارا ن آ بی در موقع رسید ن الها م به ساکیا- مو نی ظاهر شد ه و همه مر بو ط به کدا م نما یش‌رو ح همین‌داستان بوده و نظیر آ نها به شکل چهر ه های مضحك در هنر گو تیك فرا - نسوی مشهود ا ست. میکل آنث‌در تصو یر (باز پرس باز پسین) که نام یکی از تصاویر د یواری اومی با شد شیا طین را هم نشا ن داده شیاطین هد ه ما نند شیا طین که چهر ه های حیوا نی دراد و ازخوی سبعیت این مخلو قا ت نمایند گی میکنند سبك دینا میك و ریالیستیك با یك نرمش عجیب آمیخته‌گرایش روح یو نا نی مکتب (پرگام) را در بر آوردن مقتضیات بودایی وانمود میکند . این‌سر شیطا ن ستو کی مکشو فه تپه تو پ کلا ن هد ه می با شد .

دیوا تا Divata یاشخصیت مقدس یا نزدیك چرا که میتوا ند مرد یاز ن با شد با سه حلقه و گل تر ی‌رتنا Triratna (٤٥) دیده میشود . این مجسمه سه گل مدو ر نیلو فر را که علامه فار قه سه اصل دیا نت بودا یی است در دست دارد . این سه اصل ع بارت از بودا - قوا نین و او امراوست. نمو نه دیگر ی که از آ ن درحجاری های سنگی گند هارا مو جو داست از لور یا ن تا نگی Loriyantangai بد ست آ مد ه و یکی از قدیمترین آثار هنر گر یکو بود یك (گریکو بودا یی پا کستا ن) بشمار میرود. همین طور سر بر بر یا جنگجو ب چهر ه غضبناك دید ه میشود . این مجسمه مکتب یو نا نی (پر گام) را به خاطرمی آورد . ممیزا ت چهر ه فو ق العاد ه خو ب نما یش یا فته و کما ل مهار ت در قا لب گیر ی رو ی آ ن به عمل آ مده است .

سر بودا از ستو ك مکشو فه هده (تپه تو پ کلان) که این سر- اسا سا ت کلی و مقر را تی را مجسم میسازد که درهیکل ساز ی سر بودا در هده مرا عا ت میشد . اگر چه نر می و لطا فت طر ح آنها به عنعنه طبیعی پسند ی یو نا نی نزدیك است خطو ط چهره‌که بوی قیا فه ما سك را بخشید ه درقالب ریخته شده مو های سر او انبوه و بصور ت امواج جدا گا نه‌ومتناظر طرح گر دید ه و روش یو نا نی در آن بنظر میر سد. در فر ق سر کره مو ی (او شیینشا) که ازخصو صیا ت‌هیکل بودا یی هند ی است دید ه میشود . همچنا ن مرد ی با کلا ه فولاد ی یا سر باز یکه‌فولادی معمو ل رو می به سر دارد . این نوع کلا ه‌بر سر مجسمه های‌پلاس (pallas آتنه Attna وروما Roma در موزه مر کز ی لاهور دید ه میشود . چشما ن پر- خمار لبا ن شگفته و جذا ب هنر یو نا نی را در بسیار ی از آثا ر گچی هد ه جلو ه مید هد (٤٦).

سر ستو کی یك‌را هب به‌ارتفاع ٩ر٧ سا نتی متر از تپه تو پ کلان کشف گردید ه است . این را هب سیما ی پر اند یشه و تفکرانگیز

دارد . احتمالا جز کدا م صحنه نیز وانا بود ه در حلقه های چشم و خطو ط لب و دهن اواحسا سا ت معنو یت حکمفر ما ست . جلو حقیقی د نیا ی بیرونی و معنو یت ا حساسات درونی چنا نکه در این صورت بهم در آمیخته مخصو ص هنر عصر گوتیك میبا شد .

شا خه تاك در سنگ شیست (سنگ متورق) به ار تفا ع ۱۷ سا نتی متر از تپه شتر هده بدست آمده است . در این پا رچه سنگی هده مظاهر و ممیزا ت کلا سیك به تما م قو ت خود منعکس شده که شبا هت ز یاد با نمونه های مختلف هنر رو می دارد . ما نند نمو نه های مشا به که در مقا م بعلبک Ballbek لبنان و لپتس مگنا و جود دارد اشکا ل و برگ تاك چنا ن عمیق و بر جسته کنده شده که از متن مجزا به نظرمیخورد (۴۷)شکل (۵) شا خه ها ی تاك در قسمت تحتانی تخت گل لوتوس باو ضا حت دید ه میشود .

صحنه باد ه گسار ی ستو کی که در آن ز نا ن و مردا ن جا م در دستها معلو م میشو ند در پیکر ساز یها ی قدیم گند هارا بسیا ر معرو ف است . قا متها ی کشید ه و بد نها ی بر هنه و نیمه بر هنه بشکل نمو نه های بسیار کو چك از صحنه ها و هیکل ساز یها ی مکتب لی سپ نما یند گی میکند . و جود چنین مجلس باده گسار ی به شیو ه بز مها ی ر قص دیو نی زوس (رب النو ع شرا ب و انگور اسطور ه یو نا نی) در یك محیط بودا یی میبا شد . از امکا ن بعید نیست که این نو ع مجا لس مخصو ص باز ما ند گا ن یو نا نی با شد و احتمالا بدا ن مقصد د ر محیط بودا یی جا داد ه شده باشد تا در ذهن همگا نی رو شن شود که همه طبقا ت و همه مذاهب بشمول ارباب لا انواع غیر بادایی درپیشگاه آئین بودا یی به نظر احترا م دید ه میشود . سبك حجار ی وانزوا ی بد نها از متن صحنه های رو می عصر فلاوین را بخا طر میاورد(۴۸)

نمو نه های گچی آثار کند زکه از سا حه شر قی با ختر قد یم به دست آ مده شمالی تر ین نمو نه های این طر ز کار است . سبك مجسمه ساز ی آ نطور یکه درفند قستا ن (در ه غور بند) هم مشهور است رو ش قدیم مکتب هد ه رابا پیرا یه بندی جد ید معرفی میکند از نظر تاریخ و شیو ه کار به قر ن ۵ یا ۶ میلادی تعلق میگیر د سر ستو کی یك ز ن که در اثر کاو ش سر سر ی این محل د ر شمال هندو کش تعداد آثارنا چیز هیکلها ی ستو کی به دست آ مده است که رو ش تصو یر ی هد ه در آن مشهود است . ظر افت وزیبایی این اثر کوچك آخر ین مر حله و هنر بودا یی را در قرن هفت میلادی در فند قستا ن وکشمیر نشا ن مید هد .

تصو یر رنگه رو ی ور قه گل که بنا م (مندالا) یا دا یره نجو می یاد میشود این قطعه بزرگ مدور ورنگه از گنبد یکی از عبا دت گاه های معبد در ه ککر ك مجزاساخته شد ه که یکی از قدیم تر ین نمونه های مندالا میبا شد .

در وسط دا یر ه صور تی ازبودا نما یش یا فته که انگشتا ن دست های او در مه چکر مو درا
(Dharmacha Kraumudra)
یعنی علا مه تعلیم
ودانش را ارا یه مینما ید، اطراف او را بودا ها ی دیگر گر فته که دستها ی همه ایشا ن سر ز ا نو هابهم بسته است . طر ح نما یش رنگهای سر خ و زرد، نصوار ی و آبی آن سر مشق تصاو یر ر نگه تبت ونیپا ل میبا شد .

سرد یو اتا Devata یا مقدسان گل ر نگه ازسمو چ با میا ن کشف

شد ه و به صحنه و فا ت بو دا تعلق دارد از گل سا خته شده است و بعد ا رنگ آ میز ی گر دید ه است اگر چه تاریخ تز ئینا ت و تصاو یر ر نگه سموچ راقد یمترین به قرن دو م میلا د ی گشا نیده اند. ولی از رو ی علایم متعد دیکه د ر تصا و یر رنگه و هم در پیکرسازی اینجا به نظر میخور د تاریخ آنها به اواخر فعا لیت هنر ی با میا ن تعلق میگیرد . چو ن مواد وصورت قالب گیر ی آ نها عین رو ش و مواد پیکر ساز ی فند قستا ن است تاریخ آنها را از قر ن ۷ پیشتر نبا ید پندا شت .

مجسمه تحفه دهنده گلی به ز انو نشسته از معبد تپه مر نجا ن از حا شیه شر قی کابل بد ست آ مده است . این مجسمه گلی که برو ی آن و رقه نازك ستوك کار شده و ظاهرا متعلق بدور ه تحو لی است که بعد ها در سبك مکتب هیکل ساز ی پد یدار گر دیده است . لذا از شیو ه و سبك سموچ (ج) با میا ن و فند قستا ن مقد متر است . مجسمه گلی یك طفل به ار تفاع ۶ر۵ سا نتی متر از تپه خزا نه از عقب شفا خانه ابن سینا کشف گر دید ه است و پار چه های این مجسمه آ خرین مر حله هنر بودا یی را در قر ن ۵ و ۶ در افغا نستا ن نشا ن مید هد . دراین سر مانند هیکلهای گلی فندقستان و روح مجسمه ساز ی دور ه گو پتا مشهود است .

سر بودا ی روزه دار از سنگ شیست از نجرا ب کشف شده

است این سر متعلق به مجسمه ایست که به مجسمه بودای روزه دار لاهور شباهت دارد.

در این مجسمه بدن ساکیامونی در اثر روزه گیری طولانی قبل از ملهم شدن به پیام بودایی به استخوان و پوستی مبدل شده است. ترمیم حقایق دشوار که دراین سر نموداراست جز استخوان جمجمه و پوست نازك باقی نمانده است.

تخت گل لوتوس که بالای آن بودا به حالت استاده دیده میشود البته این مجسمه گلی بوده که از زانو به بالا در اثر آتش سوزی انهدام معبد از بین رفته و در ناحیه تحتانی تخت گل لوتوس (نیلوفر) شاخه های تاك دیده میشود شکل (۵). این اثر باارزش و گرانبها مکشوفه تپه شتر هده میباشد.

در پیکر سازی فندقستان واقع دره غوربند عوض خمیره گچ که در قرون اولیه در هده وسایر نقاط معمول بوده باراول گل خالص به کار رفته که آنرا بامواد دیگری مخلوط کرده اند تامقاومت آن بیشتر شود.

مجسمه های این ناحیه واجد کمال ظرافت و زیبایی است. در زیبایی مجسمه هامبالغه هم شده، حرکات دست قشنگ، انعطاف بدنها و لطافت آن خیلي زیبا دلکش است. در چهره های گیرا و جذاب خطوط تخیلات باطنی احساس میشود طبق توصیف و مقتضیات ادبیات مهایانایاطریقه راه‌بزرگ نجات دراین‌مجسمه‌ها آثار زیبایی ظاهری و اندیشه‌های‌پاك تخیلات باطنی هر دو منعکس‌شده است. هنرمندان فندقستان به بهترین وجهی آزادی آن در تجسم پیکر ها موفق بدر آمده اند.

از فندقستان آثار گرانبها و خیلی با ارزش بدست آمده که میتوانیم بطور نمونه از یك اثر نام برد.

مجسمه نیم تنه‌دیوااز گل‌ساخته شده و روی‌آن بعدا رنگ‌آمیزشده است. این مجسمه اصلا مربوطبه دسته یی بوده که در یك مجلس بهشتی بودایی یا در مجمع‌ماندالا در یکی از رواقهای معبد قرار داشت. ماده کی از آن این پیکر ساخته شده گل است که در آن مواد غرض مقاومت مخلوط شده و به صورت خفیفی رنگ آمیزی گردیده است.

این پیکرادا های پر نزاکت را جلوه میدهد که در آخرین کانون بودایی در افغانستان ستایشگران زیاد داشت.

همچنان سر بودا از ستوك مکشوفه کمه دکه واقع میباشد.

این سر با ینکه شباهت به بعضی سر های هده دارد، ولی نرمی و زیبایی و ظرافتیکه در قالب گیری این سر مراعات شده آن‌راز پیکر سازی‌های اخیر فندقستان مقدمتر قرار میدهد.

حفریاتیکه درقسمت شمال تپه دوم ستوپه بیماران جلال آباد از طرف م. بونیك برگر صورت گرفت که در نتیجه آن آثار گرانبها بدست آمد ازجمله یکی جعبه تبرکات است. حفریات این آبده تاریخی بعد از مدت کم‌نسبت مشکلاتیکه برای هونیگ برگر رخ داد موفق نشد تا تمام حفریات رادنبال نماید. وی بکابل آمد. حفریات را ویلس یکی از همکاران با تجربه وی دنبال نمود. در مرکزتپه شماره دوم ستوپه بیماران ظرف گلی‌بدست آمد. کار حفریات را ویلس یکی‌از تبرکات طلایی (شکل ۹) که دارای‌آثارگرانبها بودجابه‌جاگردیده بود. این آثار متشکل از پارچه کوچك سوخته‌مروارید، مهره های یاقوت کبود کرستل مانند وغیره جا بجا شده بود قسمت بیرونی جعبه تبرکات دارای‌هشت چهره (شکل ۹) بصورت ایستاده در زیر رواق های‌جداگانه به حالات مختلف‌مشاهده میشود حصه فوقانی و تحتانی دورادور جعبه تبریکات ستوپه‌شماره ۲ (شکل۱۰)

بیماران با لعل بدخشان یادانه های یاقوتی رنگ مزین گردیده بود. تعداد هر قطار لعل‌بدخشان ۱۲_۱۲ عدد که مجموعا ۲۴ عدد میشود به فاصله های مساوی جابجا گردیده‌است. باید یادآور شد که از بین این جعبه ۴ عدد سکه مسی یافت شده که متعلق با خانواده ازس میباشد بقول بعضی از دانشمندان این مسکوکات از ازس اول (۳۸ تا ۱ ق.م) ویا به قول عده دیگری از ازس دوم (۵_۲۵م) میباشد.

در مجموع مجسمه های بودا گوش های دراز خال‌پیشانی‌یا اورنا (۴۹) (چشم سوم و برآمدگی موی سریا اوشنیشا (۵۰) شکل۲ میباشد نشان داده شده است که

در حقیقت این سه علامه درازی گوشها (همه چیز را میشنود) — اورنا یا چشم سوم (همه چیز را می بیند) و بالاخره اوشنیشا (همه چیز را می فهمد) یا سمبول وسعت عقل و فکر بیش ازانسان عادی میباشد را افاده میکند (۵۱)

همچنان مجسمه دیپانکارابودا از سنگ شیست مکشوفه‌شترك ـهیکل به اساس شرح اساطیری آخرین بودایی را نشان‌میدهدکه ظهور (بودا گوتاما) را پیش گویی کرده بود باساس نوشته هازیرا چینی هیوان تسانگ صحنه پیشگویی دیپانکارا را جاتاکا(۵۲)

علاقه نگار ها را درحوا لی جلال‌آباد فعلي بو د . شهر ت این بو دا در شتراك هم مربوط بهمین اسطـوره است . لو حه در حصه‌اول‌پیشگو‌بی خارقه نمای‌دیپانکا را رانشان‌میدهد قرا یکه م لاحظه میشود بر همـن جوا نی بنا م (مغا) پنـج گل‌نیلوفر به پا ی بودا می انداز د . این پنج گل لو تو س بصور ت خار قه بالای سر بودا معلق میما ند و در حصه فو قا نی صحنه به نظر میخو رد . هیکل بر همن جوا ن که بعد هادر اثر پیشگو یی سا کیا مو نی‌میشود در پا ی صحنه مشهود است‌موهای سر خود را فر ش قد م بودا کرده تا پا ی او گل آ لوده نشود .

بودیستوا ی کو چك در گو شه تحتا نی سمت را ست صحنه‌آخرین تجسم سا کیا مو نی را هو یدا می سماز د . در حا شیه تحتانی صورت بودا ی آ ینـد ه (متریا) جلـب نظر میکند . چو ن تنا سب سر - نسبت به طو ل قا مت قد مجسمه کو تا ه شد ه شعله های آ تش که فراز شا نه های بودا ز بانه‌میکشد علا مه بر تر ی کسی است کـه و جود ش به رو شنا یی عا لم بالا منور گر دید ه است . دست‌راست بودا به حالت اطمینا ن بوده د ر کف دست او دایر ه که سمبـو ل چرخ قا نو ن (دهر ما چکره) (۵۳) میبا شد دید ه میشود . شکل (۱ و ۱۱).

نتیجه گیر ی

هنر گر یکو بود یك (یو نا نو - بود ایی) از نا م آ ن پیدا سـت یك اصطلاح تر کیبی است که از دو عنصر جدا گا نه و کا ملامتفاوت (گریك) و (بودیك) یا یو نا نو - بودا یی بمیا ن آ مده است. یا به بیا ن دیگر این اصطلاح که نا م‌یك مکتب هنر ی جدا گا نه میبا شد که از تر کیب دو رو ح یا از امتزا ج دو نوع نظر و عقید ه بو جود آ مد ه

ه است . یا به تعبیر سا ده تر د و عنصر مذ هبی و هنر ی در آ ریانا روش و سبك مخصو ص را بخود اختیار نمود ه است که به این نام شهر ت یا فته است .افکار مذهبی بودایی و افکار هنر ی یو نا نـی با ختر شد ه و ار یا یی شد ه هردو در کنار کو ه پا یه های هندو کش با هم مزج یا فته و از تما س وبر خورد آ نها هنر گر یکو بود یـك ایجا د شده است .

این دو جر یا ن فکر ی ازشرق غر ب از کرا نه های مد یترا نه از قلب هند یکی مقابل دیگر در کشور ما افغا نستا ن با هم‌موا جه گـر دید نـد ، قسمیکه این دو جر یا ن فکر ی یگی در سا حـه دیگر کستر ش یا فت آیین‌بودایی سر اسر با ختر را گر فت باشند- گا ن افغا نستا ن در این و قت از خود فر هنگ آیین و هنر جدا گانه داشت با و جود آنهم تحت تا ثیر جر یا ن فو ق قـرار گرفت ونتیجه چنا ن که با شند گا ن آریا نا ا ز یك جار وح و از جا ی دیگر قا لب را گر فته و مکتب هنر ی‌مشخص وجدیدی را به و جود آورد ند که نه هند ی بود و نه یونا نی بلکه و جه مشترك هر دو را در خود دا شتـه همین وجه مشتر ك است که د ر تاریخ صنایع مستظر فه افغانستان که در او اخر سد ه او ل پیش از میلاد ودو قر ن بعد از میلاد به نام مکتب گر یکو بودیك یاد میشود و دا منه آ ن دو سه قرن دیگر دوا م نمود . عا مل پیشر فت این هـمر هما نا مو جود یت استادا ن ما هر و با تجر به محلی که در عین ز مان آنها از نگاه مذ هب بو دایی واز نقطه نظر رو ش هنر ی یو نا نـی بودند مکتب تر کیبی و مشتر کرا بنیا د نهاد ند یا به عبار ت دیگـر این دو پد یده یو نا نی و بودا یی صر ف با تماس با یکد یگر با عث ایجاد مدنیت و فر هنگ جـد ید نشد بلکه مو قعیت خاك و استعداد هنر مندان این مملکت به واسـط اصلی پیدا یش این مکتب گردید ه است .

الفر د فو شه دا نشمند فـرا - نسو ی برا ی بار اول این هنر را به نا م مکتب هنر ی گر یکوبودیك یاد کرد .وی بیشتر در قسمت‌های شرقی گند ها را مخصو صا د ر نوا حی پشاور ، چار صده و معابد چهار ، طر ف‌آن مشغو ل مطالعات و تحقیقات علمی بود مو صو ف از تپه های اطرا ف پشا ور و معا بـد چار صده آثار و مجسمه های‌سنگی را بد ست آورد . فو شه از رو ی تشا بهات آ ثار گلی وستوکی هده نوا حی‌مر بو ط آن این هنر را به نام مکتب هنر ی گر یکو بود یـك یاد کرد .

در تحول و تر قی هنر گر یکو- بودیك عوامل ذیل نقشی عمـده‌و ار ز نده دا شت :

۱- گرا یش کنشکا امپر اطو ر مقتدر کو شا نی به آیین بودا یی .

۲- توسعه تجار ت امپر اطوری کو شانی با امپر ا طوری رومن‌ها.

۳ شیو ع هنر و تر بیـه عـده یاد ی از هنر مندا ن در اریا نا.

کنشکا بعد ازچنـد سال‌سلطنت خود آیین بودا یی را قبو ل نمود . از آ ن تاریخ به بعد دور ه‌باعظمت با شکوه آ یین بودا یی پیدا شنه شد. ز یرا کنشکا باراو ل درمسکو کا ت خود بودا را با لبا س‌یونانی به نام بودو Bodo به رسم‌الخط یو نا نی ضر ب ز د . کنشکامانند آشوکا شا ه مور یا در ادبیـا ت بـودا یـی شهـر ت بـه سزا یـی دار د کنشکـامجلس بزرگ مذ هبی (مها سنگهـا) را تشکیل داد. اعضا ی این شورا ی مذ هبی متشکل از ۵۰۰ ، نفر تحت

ریا ست و اشو میترا در کشمیر دا یر گر دید او مبلغین ز یا د ی را به نقا ط مختلف هند و بر خی کشور های مجاو ر غر ض تبلیغ ـ فلسفه بود یز م فر ستا ده تا باشد که این آیین را گستر ش دهند . طریقه مها یا نا یا(راه نجات بزرگ) را نیز بو جود آرود . کنشکا درعمر انا ت مذ هبی تو جه خاص داشت. او در ترو یج و تبلیغ هنرمساعی زیاد به خرچ داده وی معماران، نقاشان و دیگر هنر مندا ن را جمع نمود و ایشا ن راتشویق مینمود . حفر یا ت بگرام پایتخت تا بستا نی به اثبا ت رسا نید که شا ها ن کو شا نی در جمع آوری شا هکار های صنعتی وقت چه یو نا نی ،چه رو می ، چه هند ی چه چینی علا قه زیاد دا شتند . عا مل دیگر ی درین زمینه انکشاف تجار ت که بنام عنصر اقتصادی نیز یاد میشود با رو می ها بود . راه معرو ف کار وا ن رو یعنی را ه ابریشم رو م شر قی (بیزانس) سوا حل مد یترا نه و پار تیا را از جانب غر ب و باز ار های ترکستا ن چین و چین را از جا نب شر ق به امپر ا طور ی کو شا نی و صل نمود . در این عصر بود که ازامپر- طور ی رو من بازر گا نا ن به پیمانه یاد طلا آورد ند که با عث سکه ز نی ط لایی گردید تجا را ن بزرگ جهت تو سعه و کسب مفاد هیشه اعا نه میداد ند که اکثر معا بد و ستو په ها در خط السیر مذ کو ر از اعا نه تجارا ن اعمار گردیده است

عامل عمده و مهم ورودهنرمندان گریکو رو من از سوا حل مدیترا نه و بیزا نس بود که به د عو ت د ر بار کو شا نی صور ت گر فت این مکتب در سد ه او ل میلا دی به انتها ی او ج خود رسید . ز یرا در این فر صت هنر مندا ن و ر ز ید ه و متبحر گر یکو رو من به اساس دعو ت هنر مندا ن عصر کو شا نی وارد در بار کنشکا شد ند.ایشا ن با هنر مند اینکه در خا ك آر یا نا تربیت شد ه بود ند یکجا شده شمار اهل فن و حر فه در آر یا نا ز یاد شد .

بزرگتر ین وبااهمیت ترین عنصر گر یکو بود یك مو ضو ع ابتکا ر آنست که در موردنما یش بوداسا کیا مو نی و سا یر شخصیت های بر جسته دیا نت بودا یی بخر چ داده است . آئین بودا یی باوجودیکه دین هندی است این دین از قد یم الایام در نما یش ز یروح چه حیوا- نا ت و چه انسا ن تردد ندا شته و لی با آ ن هم قبل از ظهورمکتب هنر ی با ختر ی (گر یکو بودیك) و انتشا ر آ ن در گند ها را هیچ هنر مند ی جرا ت نمیکرد که شخص بودا رابسازد یا هیکل او راتراش کند . این مسا له از مطا لعه آ ثار مکتبهای بومی هند قدیم چون بهرهوت و سا نچی بصور ت آ شکار اهویدا است . در سا نچی و بهر هو ت بودا را به واسطه سمبول و عـلا یم مخصو ص نشا ن می داد ند مثلا بالا ی اسپ عو ض اینکه بو دا را نشا ن د هد چتر و سا یه با ن را نما یش داده اند و یا در حصه تحتا نی تخت نشا نه پاهای بودارارسم میکرد ند و بالا ی تخت سمبو ل در خت بودی (آسواتا) دید ه میشود از رو ی علایم فو ق پیر وا نش تصور مینمود ند که شخص بو دا بالا ی اسپ سوار و یا بالای تخت نشسته است .این هنر دراین بخش ابتکار به خرچ داده و پرده از روی پیروا ن سا کیا مو نی بر دا شت و بودا را در صحنه ها و مجا لس کشید و دا ستها نها ی ز ند گی او را در قا لب هیکل ساز ی روح بخشید .

از ممیزا ت تا ریخ افغا نستا ن این عصر اعزا م مبلغا ن و صنعتگرا ن بخار ج ازکشور مخصو صا به آسیا ی مر کز ی ،ختن ، کا شغر و چین میبا شد . یاد آو ر با ید شد که هنر گر یکو بود یك از اینجا (افغا نستا ن) به سرزمین چین گسترش یافت.دانشمندان معتقد اند طور یکه آیین بودا یی از دو طر ف در یا از را ه سغد و وا خان به ما ورای شرق پا میروارد شد این هنر نیز همین را ه ها رادنبال نمود . در امتداد را ه های مذ کور به کا شغر ، ختن و دیگر نقـا ط سکیانگ انتشار یافت .آثـار شوا هد این هنر از حوا لی سمر- قند در خرا به های معا بد ختن وغیره شا هد این ادعا است . او لیـن نقطه ایکه شوا هد این مکتب از آن بدست آمد رواك میباشد که در شرق ختن افتاده است . تصاویر رنگه بودا یی که از دیوا ر ها ی معابداینجا بدست آمده با مجسمه های بودا یی هد ه و آثار رواك ختن شبا هت ز یاد دارد . میا ن تصاویر رنگه و سر های گچی هیکل ها یی چو ن هده و با میا ن از یکطر ف آثار هنر ی نقا ط مختلف آسیای مر کز ی ما نند رواك ، میرا ن دور تر بطر ف گو بی چو ن قز ل،کمتو را، تا توئن هوانگ چین تشابهات زیاد به چشم میخورد که در حقیقت امر نفو ذ مکتب هنر ی گریکو بودیك را در اینجا به اثبا ت میرسا نند . در وادیها ی تور فا ن که به سر ـ حد ا ت چین تما س دارد ، درنقاطی مانند مر تك و باز اکلیق آ ثارزیادی مربوط این هنر دید ه شده است . از نقاط جنو بی صحرای گو بـی آثار ی بد ست آ مد ه است که در آن نشانه ها و تشا بهات آئیـن بودا یی افغا نستا ن چو ن بامیا ن وفند قستان د یده می شود . در مکتب هنر ی گر یکو بود یك روش

وشیوه های هیکل تراشی و نقاشی بودایی روی دیوار که در معابد معمول بود دیده میشود . **ترویج آئین بودایی به تدریج** از سرحدات افغانستان پابیرون نهاده و در کاشغر ختن تا چین سرایت نمود .

فرصتیکه یونانی های باختر وبعدا شاهان کوشانی خاک هند رامتصرف شدند . این هنر در قسمت های شرقی سند انتشار یافت . با فتوحات کنیشکای بزرگ این هنر به ختن کاشغرو چین تا شرق دور گسترش یافت. هنرمندان ورزیده و ماهر در جنوب هند و کشبا خاطرآرام موقع یافتند تا در اینجا **با وجود** **مواد زیاد ابراز لیاقت نمایند.** زمانیکه **مرکز اداری و سیاسی** دولت یونانو و باختری به حوزه شاداب کاپیسا **منتقل شد ازنقطه** نظر مذهبی و کثرت مواد ارزش بیشتر کسب کرد . **ابدا**ت بزرگ **درنقاط مختلف این دره بمیان** آمد و در ستوپه ها و**معابد یا**دگار های بودایی بودیعه گذاشته میشد .

در نتیجه بنا بر ملاحظات فوق طوری استنتاج میشود که نمونه **های کلاسیک در آثار هده وجود** دارد آثاری که در گچ قالب‌گیری شده و آثاریکه در سنگ حجاری گردیده با آثار یونانی دوره‌های بعد شباهت دارد . وجود این تشابهات چه در هیکل تراشی سنگی گندهارا و چه در پیکرسازی گچی هده صرف یك مطلب را واضح میسازد که هیکل سازان **گندهارا وهده یادر** کار گاه های هیکل سازی مغرب زمین تربیه **شده اند و یا در** خود محل به‌آثار اصیل کلاسیك دسترسی داشتند **و از آنها استفاده** میکردند . از نقطه نظر روش هنری عقیده **دانشمندان** این است که مجسمه های گچی هده به مراتب از هیکل های سنگی گندهارا مهمتر و زیبا تراست . زیرا خمیر گچ‌دردست **استاد به آسانی شکل مطلوب به** خود میگرفت .

یادداشت ها

۱- سیدقاسم رشتیا. مجله آریانا سال اول . سال ۱۳۲۲ ص ص ۳۱-۳۳ .

۲- احمد علی کهزاد . افغانستان در پرتو تاریخ. کابل ۱۳۴۶ص - ۱۳۷ .

۳- نظر محمد عزیزی . تاریخ امپراطوری کوشانی . کابل۱۳۵۵ ص. ص - ۶۵-۶۷ .

۴- محمد عثمان صدقی . مجله آریانا شماره (۸) سال ۱۳۲۲ص ص - ۲۷ -۳۱ .

۵- محمد نبی کهزاد.مجله آریانا شماره (۱۰) سال ۱۳۲۲ ص ۱۲ .

۶- احمد علی کهزاد . دافغانستان پخوانی تاریخ دوهم توک کابل ۱۳۳۹ . ص - ۳۳۵ .

۷- احمد علی کهزاد. دافغانستان پخوانی تاریخ دوهم توک کابل . ۱۳۳۹ . ص - ۱۳۷ .

۸ - احمد علی کهزاد .افغانستان در پرتو تاریخ دوهم توك. کابل ۲۳۴۶. ص ۱۳۹ .

۹- الفرد فوشه . هنر گریکو- **بودیك گندهارا . پاریس . ص -** ۴۰۷ -

۱۰- روف **نفلد** . م . هنر دوره کوشانی . ترجمه سرور همایون کابل ۱۳۵۷. **ص ۴۰.**

۱۱- عبدالرحیم ضیایی مجله آریانا شماره (۸) سال ۱۳۴۷ ص ۲۶ .

۱۲- محمد عثمان صدقی: مجله آریانا شماره (۱۱) سال ۱۳۲۳ ص - ۳۸.

۱۳- پوگاچینکوا . تاریخ‌صنایع **افغانستان ترجمه صدیق طرزی** کابل ۱۳۵۷ . ص ۳۴

۱۴ - ب . ن. پوری. هندتحت تسلط کوشانی ها ترجمه ضمیر صافی ۱۳۵۷. ص ۱۱۴

۱۵- هیوان تسانگ .دچینیا نو یون لیکونه . ترجمه‌عبدالکریم محب . ۱۳۵۷ ص ۱۴۶.

۱۶- دوکتور زمریالی طرزی. کنفرانس علمی در مورد بودای خوابیده با میان قوس ۱۳۵۷ .

۱۷- یك لی معادل ۵۷۶ متر است .

۱۸- بنجامین رولاند. هنر قدیم افغانستان ترجمه احمد علی کهزاد کابل ۱۳۴۶ ص . ۳۸ .

۱۹ احمد علی کهزاد. افغانستان در پرتو تاریخ کابل ۱۳۴۶ ص- **۹۴-**

۲۰ -ویلسن . آریانا انتیکوا و مسکوکات افغانستان . لندن ۱۸۴۱. ص . ۸۲ .

۲۱ - ب . ن . پوری . هندتحت تسلط کوشانیان . ترجمه‌ضمیر صافی . **کابل ۱۳۵۷ص ۲۲.**

۲۲- احمد علی کهزاد دافغانستان پخوانی تاریخ دوهم توك. کابل ۱۳۳۹ . ص -۳۳۸ .

۲۳ -نظر محمد عزیزی . تاریخ امپراتوری کوشانی ها دوهم‌توك کابل ۱۳۵۵. ص ۹۹. .

۲۴- هارالد انگولت هنر گندهارا در پاکستان . نیو یارك . ۱۹۵۷ ص .ص - ۳۰ - ۴۶ .

۲۵ - رادها کرشنان .س . . **۲۵۰۰ سال بودیزم . کلکته .ص-** ۲۵۸.

۲٦ـ میر حسین شا ه . مجلـه آریا نا شمار ه (۹و۱۰) سال ۱۳۳۸ ص ـ ٥٤.

۲۷ـ عبد الر حیم ضیا یی .مجله آر یا نا شمار ه ۲ کابل ۱۳٤۱ ص ۳٦ .

۲۸ ـها را لد انگو لت . هنر گند هارا در پا کستا ن . نیویارك ۱۹٥۷، ص ۱٤ ،

۲۹ـ بنجا مین رولاند . هنـــر **قدیم افغانستان تـــرجمـــــه احمد علی کهـزاد ، ۱۳٤٦ ، ص ـ ۸۰.**

۳۰ـ میر حسین شا ه ، هنرگند هارا ، مجله آ ر یانا شمـار ه (۹) سال ، ۱۳٤٤ ،

۳۱ ـ محمد نبی کهزاد ، مجلـه آریا نا شمار ه (۱۲) سا ل ،۱۳۲۲ ، ص ۳۱ ،

۳۲ـ و.د. مها جا ن . هند قدیم دهلی جد ید سا ل (۱۹۷٦) ص، **ص ۳٥۸ـ ۳٥۹**

۳۳ـ مونستربرگ‌هوگو هنرهند و جنو ب شر ق آسیا ، نیو یار ك سال ۱۹٦٥ . ص ٥٤ ،

۳٤ ـ پو گا چینگوا ، تاریـــخ صنایع افغا نستا ن ، ترجمه‌صدیق **طرز ی‌کابل ۱۳٥۷ ص ٤٤ـ٤٥**

ـ۳٥ـ روز نفلد .م. هنر د و ر ه کو شا نی . تر جمه سرو رهمایون کابل ۱۳٥۷ ص . **٤۷.**

۳٦ ـ هیوا نتسا نگ . دچینیا نویون لیکونه.. ترجمه عبدالکریـم محب ۱۳٥۷ ص ، ۱٦۸

۳۷ـ دهیا نا سا .روش نشتـن پا ها بجا لت متقا طع یکجا باتمرین دهیا نا میبا شد .

۳۸ ـمها یا نا . به معنی(چر خ عراده بزرگ) میبا شد وار تبا ط **میگیرد به آ ن بخش فلسفی‌بودیزم** که را ه بودا گر ی را در نها یت برا ی تمام بود یستوا هاو همه‌مو- جودا ت ز نده ه باز گذا شته امامفا هیم اسا سی آ ن به‌اند یشه ها ی بودا یی ار تبا ط میگیرد .

۳۹ـسر وا ستی و اد ین . یکی **از مکا تب قدیم بود یزم که بـــرای مدت زیادی باقی نماند اما جــــای** مهمی را در اد بیا ت قد م بودا یی اشغا ل میکند بخصوص‌در کتابهای سده چارم **واسوبند هو.**

.٤ـتر ی رتنایا سمگا هـــا. معنی لغو ی آ ن جمعیت میبا شد در اینجا مراد از جا معه رهبا نیت بودا یی است تر ی ر تنا به معنی سه جو هر که عبار ت از(بودا دهر ماوسمگاها میبا شد) میرسا ند .

٤۱ـ بودا. از نقطه نظر گرامر معنی کا مل و دقیق را میر سا ند بود، شخص بیدار شده ه و رو شن **شده را میدهد بـــر ای ز اهـد** رو شن شده و بجا ی رسیـــد ه استعما ل میگردد این اصطلا ح در بود یز م عا لیتر ین مقا م قا بـل دستر سی که تو سط بزر گتر یـن استا دا ن گذ شته و مو جود ه این **جهان و جهان دیگر استعمال گردد.**

٤۲ـاسوا تا درخت‌بود ی(سمبول مذهبی) که زیرا ن بودا به روشنی رسید ه مثال آ ن بوداگا یا اســت

٤۳ـ ها را لد انگو لت. هنرگند هـــارا در پـــاکستان . نیویار ك ۱۹۷٥ ص ص ٤۷ ـ۱۹٥ ،

٤٤ـ مو نستر برگ هو گو ،هنر هند و جنو ب شر ق آسیانیو یارك ۱۹٦٥. ص ـ ۳٤ ،

٤٥ـ بنجا مین رو لاند هـــنر **قدیم افغا نستان ترجمه احمدعـلی** کهزاد کابل ۱۳٤٦، ص ۹۰

افغا نستان تر جمه احمد علی‌کهزاد کابل ۱۳٤٦ ،ص ۸۱،

٤۷ـ بنجا مین رولا ند ه هنرقدیم **افغانستان ترجمه احمدعلی کهزاد** کابل ۱۳٤٦ ، ص ۷۸ ،

٤۸ ـ و،د، مها جا ن . هندقدیم ،دهلی جد ید سا ل ۱۹۷٦ ، ص ، ۳٦۲ ،

٤۹ـ اورنا در لغت مفهو م آ ن خال زیبا ی پیشا نی میبا شد د ر بود یز م عبار ت از چشم سو م که **در حصه بالا بین هر دوا بر و قرار گر فته است میگو یند .**

٥۰ـ او شنیشا. (پندید گی‌عقل) **معنی لغوی انست و لی در بودیزم** عبار ت از گر ه مو ی بر فر ق سر **بود اکه سمبو ل و سعت عقل وفکر** بیش از انسا ن عاد ی میبا شد .

٥۱ـ مونستر برگ هو گو . هنر هند و جنو ب شر ق آ سیا .نیو- یارك ۱۹٦٥ عکس ، ص ـ ۳٤ـ

٥۲ـ جا تا کا ، (داستان تو لد) **در بخش و یژ ه یك دا ستا ن عمل کرد ها ی سا کیا مو نی در زندگی گذ شته میبا شد بخصو ص‌باتذکر** کار ما و به مفهو م کلی آ ن تو لد دو بار ه میبا شد .

٥۳ـ ها را لد انگو لت .. هنـر گند هارا در پا کستا ن .نیویار ك سال ۱۹۷٥ ـ ص ٦٤ .

شکل ۳ـ مجسمه ستوکی بـودا بحال تفکر (دهیانا مودرا) مکشوفه تپه شتر هده .

شکل ۱ ـ مجسمه بودا بحال اطمینان (ابها یا مودرا) از سنگـك شیست مکشوفه شترك (کاپیسا)

شکل ۲ـ مجسمه‌گلی بودا بحال تعلیم مربوط رواق دوم تپه‌شترهده.

شکل ٤ـ مجسمه گلی بدون سر بودا ، راهبین واجراپانی حین فرا- گیری تعالیم بودایی تپه شترهده.

شکل ٥ـ مجسمه گلی نامکمل بودا بالای تخت‌گل‌لوتوس مکشوفه تپه شتر هده.

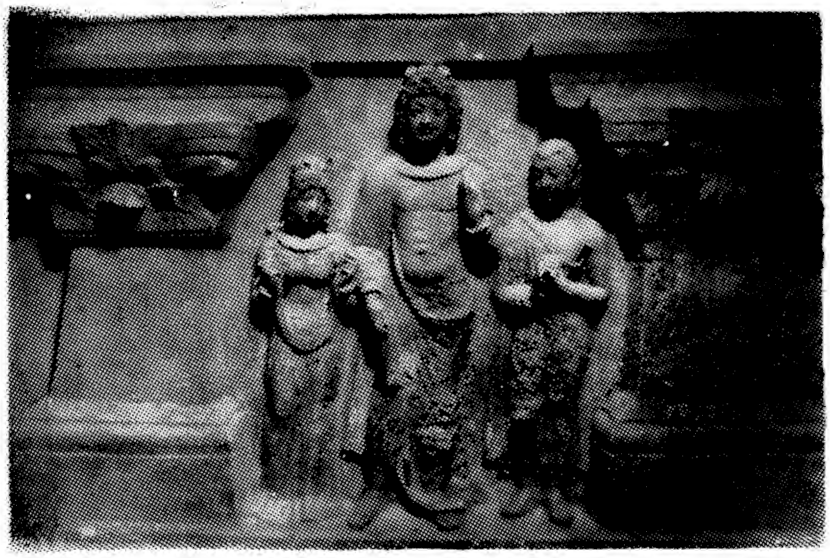

شکل ٦ــ مجسمه ستوکی بودـ
یستوا زیر رواقیکی ازستوپه معبد
عمومی تپه شتر هده .

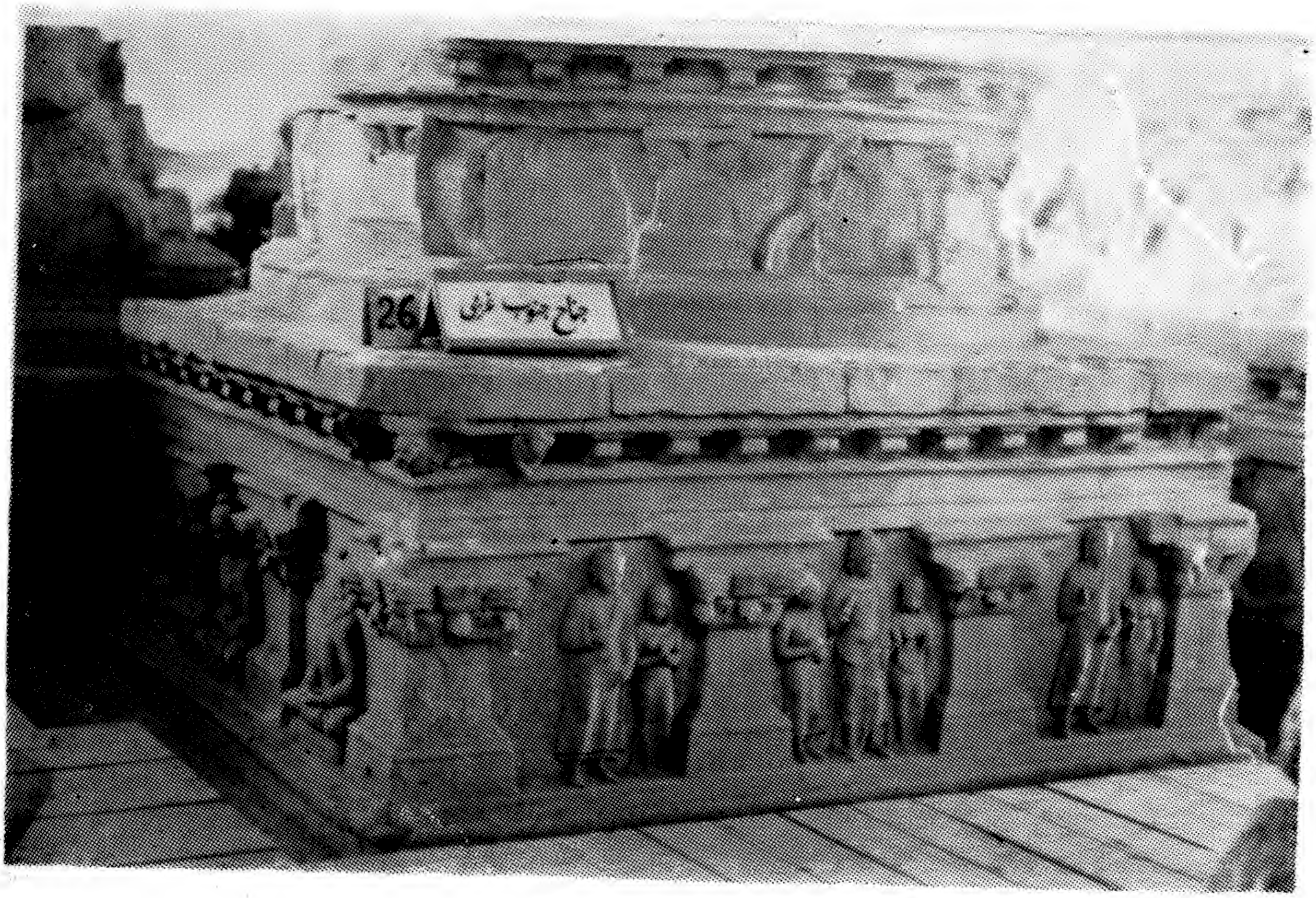

شکل ٧ــ الف : مجسمه هــای ستوکی بودا بحال تفکر
ب : مجسمه‌بودا به‌حال اطمینان ومجسمه بودیستوا ستوپه مر کزی تپه شتر هده .

شکل ۸ـ مجسمه ستوکی بودا
بحال اطمینان بایك راهبه مکشوفه
تپه شتر هده.

شکل ۹ـ تزیینات روی جعبه
تبرکات طلایی‌مکشوفه ستوپه نمبر۲
بیماران واقع ننگرهار

شکل ۱۰ـ نمای خارجی ستوپه
نمبر۲ بیماران ولایت ننگرهار

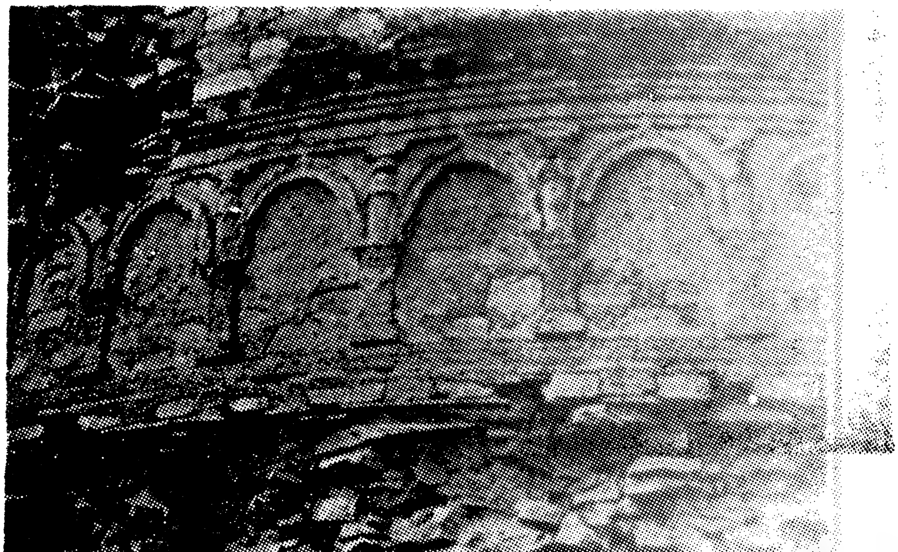

شکل ۱۱ـ مجسمه ستوکی بودا
درحال تعلیم دهرمه (قانون بودایی)
مکشوفه هده.

شکل ۱۲ـ سر گلی بودا بعداز ترمیم مکشو فه تپه توپ کلان .

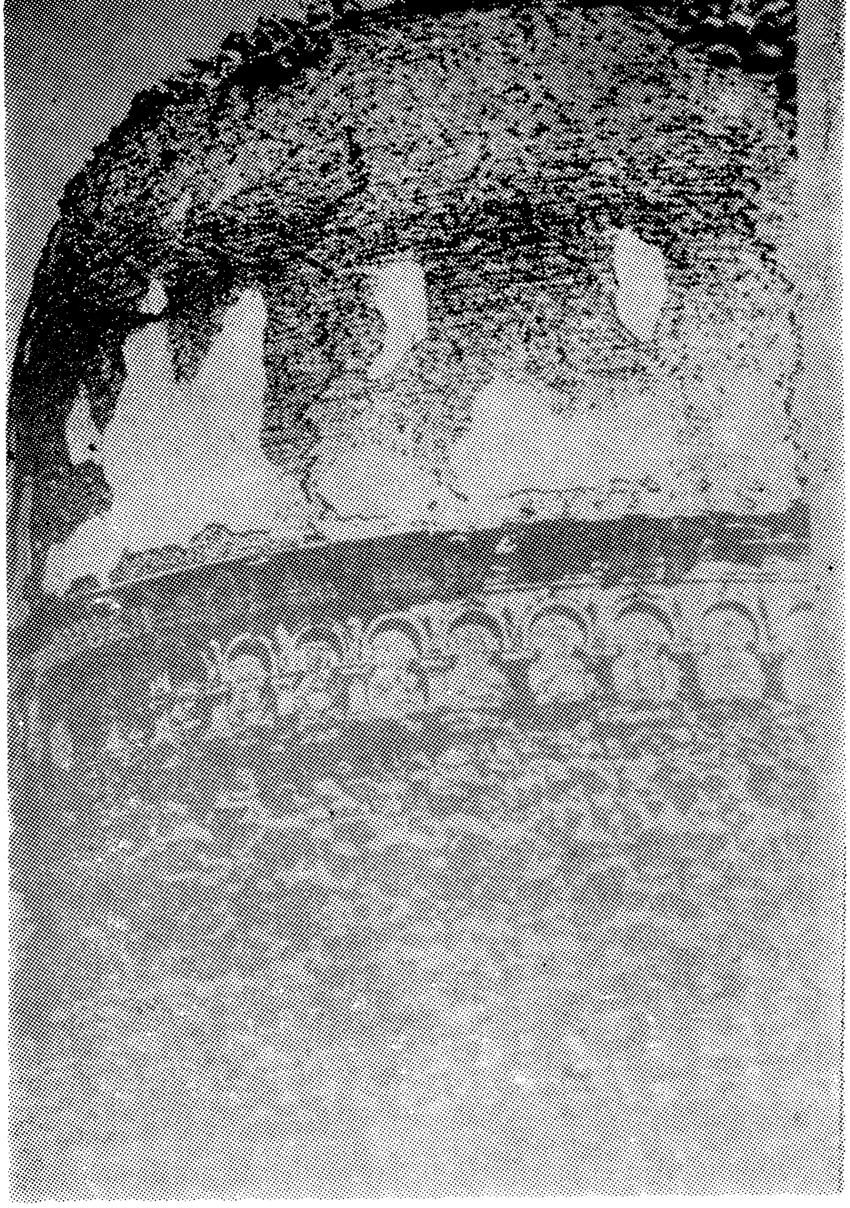

شکل ۱۳ـ ستو په شیوکی
نزدیك کابل .

شکل ١٤ـ معبد دوسره عقاب
سرکپ تاکسیلا نواحی شمال
غربی پاکستان .

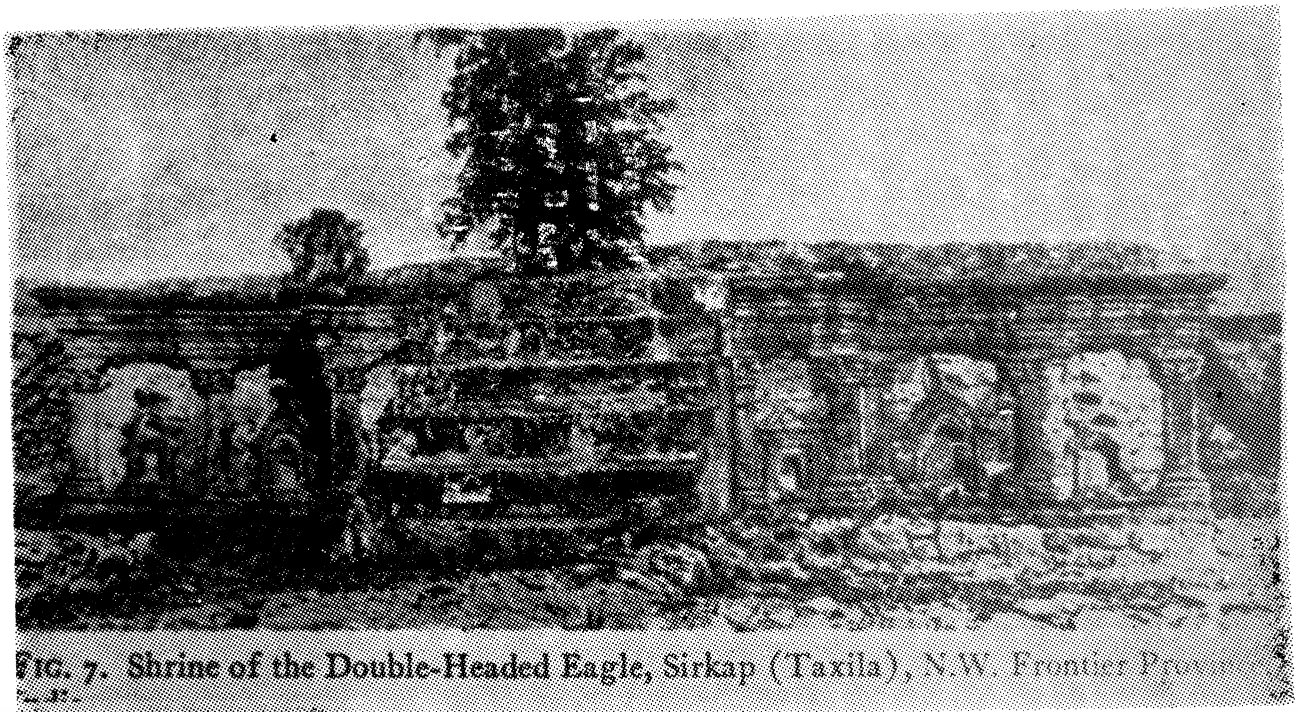

FIG. 7. Shrine of the Double-Headed Eagle, Sirkap (Taxila), N.W. Frontier Prov.

فهرست ماخذ .

الف ـ کتا بها .

۱- پور ی . ب.ن. هند تحت‌تسلط‌کو شا نیا ن . تر جمه ضمیرصافی‌کابل . سا ل ۱۳۵۷

۲ـ پو گا چینکوا. گا لینه.تاریخ‌صنایع افغا نستا ن . تــــر جمــه‌صدیق طرز ی کا بل سال ۱۳۵۷

۳ـ رولاند . بنجا مین . هنـــر قدیم افغا نستا ن تر جمه سرو رهمایو ن کابل ۱۳۴۶

۴ـ روز نفیلد .م .هنر دو ر ه‌کوشا نی . تر جمه احمد علی‌کهزادسال ۱۳۵۷

۵ـ عز یز ی . نظر محمد .تاریخ‌امپر اتور ی کو شا نی تر جمــــه‌کابل سال ۱۳۵۵

۷ـ کهزاد . احمدعلی . دافغا نستا ن پخوا نی تاریخ دو هم توک‌کابل سال ۱۳۳۹

۸ ـ مستمند ی شا هی با ی حفریا ت جدید هده کابل‌سال.۱۳۵

۹ـ هیوان تسا نگ . دچینیانو یو ن لیکو نه . جلد او ل تر جمــه‌عبد الکریم محب کابل ۱۳۵۷

ب ـ مجلا ت

۱ـ **بلد یو کمار . مجله‌تحقیقات‌کو شا نی** . تر جمه عبد الظا هــر یوسفز ی شمار ه‌دوم. سال.۱۳۶۱

۲ ـ **بـــابـــک. م ترمینولوژی بودیزم. مجله با ستـــــان شناسی**افغا نستا ن . شمار ه دو م .۱۳۵۹

۳ـرشتیا .سیدقاسم . بو دیز م .مجله آریانا.کابل. شماره۷.۱۳۲۲

۴ـ **صدقی . محمد عثمان. مجله** کابل . شمار ه ۸ . ۱۳۲۲

۵ـضیایی . عبدالرحیم . مجــله‌کابل . شمار ه ۷و۸ .۱۳۴

۶ـعز یز ی .نظر محمد . مجله ستا نشنا سی افغانستا ن .کابل**شماره دو م ۱۳۵۹**

۷ـ **کهزاد محمد نبی . مــجــله‌آر یا نا کابل** شمار ه (۱۰و۱۲)سال۱۳۲۴

۸ـ میر حسین شا ه . آغـــا زهنر گند هارا . مجله. کا بل‌شماره(۹و۱۰) سا ل ۱۳۳۸

فهر ست ماخذ انگلیسی :

1— Ingholt, Harald. Gandaharan art in Pakistan. New York 1957. pp. 14—194.

2— Monsterberg. hogo. art of Pakistan and South East Asia New York 1965 p.p. 34—54.

3— Mahajan. V.D. ancient. India New Delhi. 1976 p.p. 358—359.

4—Radhakrishnan. S. (2500) years of Buddhism Cullcutta. India P.P. 258—263.

ليکو نکی : ی ، پ د ينيسو ف　　　　مترجم : سرمحقق دوست شنواری

د دنگار يانو او تخار يانو يو پيچړی لرغونی هديری

هر کال هغه وخت چی د کرکيلی نوبتی موسم پای ته ورسيږی موږد دنگار (Dangair) دار کيا لوژی د تو لگی لس واړه همکارا ن موتر بارو و ددو شنبی په شمال کی ددنگار سيمی ته روا نيږو . لکه چی معمول دی کارونه دمی دميا شتی په آخرکی پای ته رسيږی او بيا زموږ موټرته په کاروی چی دميږو له رمو دمخه شی نوبتی موسم دايوه نيمه مياشت وخت دی .

دکومسو قشلاق ته نژدی دکسيروف ، سرگزون نومی واړه ، خوسر کښږرود په سيمه کی په زړه پوری موادمو ندل شوی دی .

اود ارکيا لوژی په برخه کی دنوو موادو موندنه په ناڅاپی توگه کولای شی قايم شوی تصورونه بيرته را واړوی . دځمکی په جغرا فيه (هغه هيوادونه چه دوگړی دپښی پل په کی نه وی ايښودل شوی) د تير وخت غيږ ته سپارل شوی دی ، اوس نو په ارکيالوژی او ضمناً د منځنی اسيا په ارکيا لوژی کی اکتشاف او اغلباً ډير لوی يی دغه ننی ورځ ده .

هو! زما په نظر لرغونپوه (ارکيا لوجست دنوو ځمکو کشف کوونکی) ته بيخی ورته دی ، خو تو پيری له بل هر څه زيات په دی کی دی چی دغه نوی ځمکی چير ته له سمندرونو پوری غاړه پرتی نه دی بلکی همد لته زموږ تر څنگه غالباً چيرته زموږ دپښو لاندی پرتی دی . او د دی له پاره چی هغه کشف شی نظامی کښتی په کار نه دی ، بلکی کولنگ . تبنځ او چړوکی په کار دی که لرغونپوه را پيدا شوی نه وای کيدای شوه چی دهيواد لرغونی اسرار به يادو دانيو دکار ونو او ياد کرنی داړتياو له پاره دډ گرونو دپراخو لو په وخت کی دتل له پاره دځمکی له مخه ورك شوی وای .

. . . موټر دچار مزك په غاښی پورته کيږ ی او رمی د دنگار له سوزول شويو غونډيو څخه د شمال په لور دآسمان په لمنو کی د گيسيار د ښکاريدو نکی لړی خواته روانی دی چی هلته ټولدوبی په غرنيو چمنونو کی شنه مرغه ولاړه وی .

لرغو نپوهی د ځربور مواود سوزول شويو وښو ترمنځه کوم دير نژدی ار تباط شته دی !

زموږ ټولگی دلرغونو زمانو دهغو کوچيانو دغونډيو دراسپړلو کار لری چی له دغو ځمکو څخه يی دژمنيو ورشو گانو په توگه کار اخيست زموږ د نظريی دسمون ناڅايی تاييد موږ د قبرونو د دورنو په لوری پيژندنه کی وموند .

. . . په غوڅ اکثريت سره مړی د لويديځ ، جنوب لويديځ په لوری ، يعنی دژمی دلمر دلويدلو خواته ښخ شوی دی . دشمال خواته له ميلان سره لويديځ ته دمتو جهو ښخو نو هغه واحدونه گڼل شوی څومره چی په اپريل او دمی په نيمائی (دحمل ۱۵ ، دثور لسم مترجم) کی تر سره کيدای شوی چی لاتر دغه وخته وا ښه تنکی وی او کياڅ شوی نه وی .

لرغونو قومونو خپل مړی دا سی ښخول چی سرونه به يی دلويديځ خواته وواو څرنگه چی هغوی قطب ښود (قطبنما) نه درلود د غه کاريی دلمرختلو او لويدلو څخه اخيست

طبيعی ده چی زموږ له خوا دلرغو نو هديرو په پلټنه کی ډير خاور ين لوښی وسلی . پسولونه او ډول ډول اسبابونه وموندل شول . ددغو څيزو نو يوه برخه دکو چيانو په لاس جوړه شوی او بله خورا ارزښمنه يی دما لداری د محصو لاتو د بدلون له

لاری د ډیښنو (۱) څخه تـــر لاسه
شو ی ده په دی توګه نودلر غونـــو
هدیرو پلټنه له دی امله هم اهمیت
لری چی موږ ته دهغی په برکـــت د
لرغونی بـــاختر ، تخار ستان دهندو
کش اودګیسار دغره ذلړیو ترمخه ،
هیواد دکو چیانو او دیشنو د ماد ی
کلتور په باب تصورو نه را په برخه
کیږ ی او نه یواز ی دماد ی بلکـــی
دروحی کلتور په باب هم‌له موږسره
فکر پیدا کیږ ی) .

مثلاً په (۱۹۷۸) کال کی د یوی
غونډ ی په کیند نوکی موږ منحصـــر
بالفرد طلایی غوږ والی وموند لـــی
چی د داسی چرګانو په بڼه وی چی
دالو تنی په حال کی وی دغه غوږـ
والی په رښتیا سره د هغه وخـــت د
زرګری د هنر له شهکار یو څخه دی
چی‌تکنا لوژ ی دخورا بیخی بیلا بیل
ترکیب یووالی یی په خپل ځان کـــی
نغښتی دی مثلاً د چرګ وزرو نه د
هغوورو څونکو کوشیردی چی‌دزرګری
په ژبه یی (اوبدنی) بولی هغه په
نری اواری پاڼی باندی دچرګ دبدن
په ترڅ کی کلك کښینول شـــوی دی
د کوشیر شوی نر ی مز ی سره همد
غسی بل نری مزی په مار پیچ توګه
تاو شوی دی . او په هغه کی دچرګ
د ستر ګو اشکا ل او دزر کی انځور
کښل شو ی دی . او چـــر خـــو ل
(چرګ خول) یی‌په بیاتی کولو سره
تیار شو ی دی . هرشکل بیا دسپینو
مرغلرو اومیا شتـــو (هلالولو) سره
پسولل شو ی دی .

دچرګانو انځور ول د لـــر غونو
تا جیکانو په نظر دډیر والی اوحاصل
ورکولو مفهوم درلود .
(همدا رنګه هغه دلر غونو آریانیانو
دژغور ندوی خدا ی . دستـــر خدا ی
آهورا مزداد پنځونو (پیدا یشتونو)
ساتو نکی سراوشی Sraosha
یولازمی صفت و .
د ښنخـــو شـــو یومړو ســـره یوځا ی
موږ دسر وزرو نور ډیر پسو لو نه

غوږ والی د څپـــو په شکل د پاسه
ګنډل شوی پیلا کونه ، له‌ژړو څخه
د جوړ شو ی لاسوکی کړ ی ښځینه
وړوکی طلایی کڅـــوړه د سپینـــو
زروشپړوړی پیسی هم‌موندلی دی‌چی
دیوی کوپیکـــی (د روبل سلمـــــی
برخی سکی) په اندازه دی داو سپنی
اوژړو غربی سګکونهٔ هم موندل‌شوی
دی . ضمنأ دوه په زړه پوری غربی
په ورو ستی موسم کی وموندل شول
، یوئی ددووګر یفون(۱)دوه سرونه
لری چی د پارئیس د مریم د کلیسا
خیمـــــر Cnimaira (۲)
را په زړه کو ی .
پـــه دغو کیند نوکـــی د ښځـــو
ښخونی په آسانی سره دسړیو څخه
توپیر لری دهر نرینه مړی په ښـــی
لاس‌کی بوغده (پیش قیض) ورکړه
شو ی ده . سرته یی لوښی له بـــل
هرڅه زیات منګی ایښودل شودی .
په ښځینه قبرو نوکی پرلوښـــو
برسیره موږ دیرپسو لونه .غوږ والی
مر ی و ښـــی اود ژړو هندا ریـــــی
موند لی شوو .
دغه کوچیان څوك‌وو ؟ دکسیروف
Kciyov لرغونی هدیر ی د
میلاد ی عصر په پیل کی نژدی دوه
زره کاله دمخه جوړ ی شوی دی‌موږ
ته څرګنده ده چـــی په قبل المیلاد
دویمه پیړ ی کی دګریکـــور باختـــر
دولت چی د سکندر مقدونی دلښکرله
ټوټو څخه جوړشوی‌وو کوچیو قبایلو
ړنګ کړ او هغو ی بیا په خپـــل وار
نوی دولت دکوشا نیانو پیاوړی امپرا
توری جوړه کړه . دګریکـــو باختر د
دولت لښکر د نسکور ونکو قبیلـــو
په جمله کی دلویدیځ لرغونی منابع
(داسیانو asi یاپاسیانو Pasyan
ســـر ا و کـــانـــو Sarauk ،
او تخار یانو نومونه یادوی . د دغو
پیښوپه ارتباط چینی منابع داوسونی
(usun) ساکو او یویچژ ی
نوم یادوی ورو ستیو ته دا وسینو
محقیقنـــو اکثریت د تخار یانو ســـره
سمون ورکړی دی . ددغو معلو ماتو
له مخی یویچژی چی دهون قبا یلـــو

له خواماتی وخوړه دلویدیځ خواته
دختیځ ترکستان او له هغی نه ورو
سته دتیان‌شیان دشمال‌داو سیدنو)
سیمی ته وکو چیدل .

له اوسو نیانوڅخه چی‌خلاص‌شول
د جنوب په خوا وخو ځیدل اوګریکو
باختر د دولـــت پولوته ور سیدل .
د دغه عصر دلر غونو هدیرو څیړنی
له ډیره پخوا څخه د منځنی آسیا د
لرغون پوهانو له‌خوا روانی دی ډیر
کلونه کیږی چی دبیشکنت دوا دی
د شار توز په حوزه کـــی بیشمیـــره
قبرورنه راسپړل کیږی تابه ویل‌چی
ځینی هدیری وړی‌دی ځینی لـــوی‌دی
توپیریی آیازیات‌و ؟ دبشکنت‌په وادی
کی‌دښخونی اساسأ‌جنوب نه‌د شمال
په سمت‌برابری شوی اوخاورین کړی
(دورونه) دی چی تاخچـــی لـــر ی
(تاخچی دقبر په یوه دیوال کی‌وهل
شو ی دی) په عین وخت کـــی . لکه
د کسیروف په لرغونو هدیرو کی د
قبرو نو غالب اکثریت ساده خاورین
کړی دی چی دختیځ له خوا دلویدیځ
په لور ی غزید لی دی . له بلی خوا
د قبرو نو دهمد غه شان جوړونی او
دهغوی لوری په باب د (اووسیندنو)
او دشمال تیان شان دلر غونو هدیرو
دا کثریت په باب هم یادونه کیږ ی
که دغه حقیقتو نه ســـره پرتله شی
له هغو څخه بایدنتیجه واخستله شی
چـــی یویچـــژ ی چی‌موږته له ډیره
پخوا څخه په استشنائی توګه یوازی
د لیکلو اسنادو له مخی څر ګند وو
هغوی داو سنی د دهنګار دحوز ی‌اود
هغی په جمله کی دکسیروف درودپه
غاړه کوچ او لیږ دکاوه .

اتکل کیږی چی د کسیـــروف په
لرغونو هدیرو کی هغه یویچـــژ ی
شیخ ووچی په (۱۹۷۸) کال‌کی هغه
وخت را ښکاره شول کله چی یوازی
لس قبرونه وموندل شول . خواوس
د هغوی شمیر تر (۳ ٤) پور ی‌رسید
لی دی . نوڅه ؟ هماغه لور ی لـــری
اوهم هغه ددخاورودورونه دی.کیدای

شي په دې تینګار وشي چې زموږ اټکل دوخت تیریدو راتصحیح کړ .

بیاهم دتاریخ یوه ننداره : داو سني دنګار حوزه په هم هغه هیوادکی شامله وه چي زرکا له پخوا دختل Khutall په نامه یادید له .
د هغه ساحه تقریباً افغانستان د ګاونډیو سیمی په شمول دکو لیاب Kulyab (۱) ولایت له ساحی سره سمون لري . البته دختل نوم (غالباً دیفتل) هغه توکم له نامه څخه را وتلی دی چی دیرغل څپه یې دپنځمی میلادي پیړي په پای کی په منځی آسیا کی خپره شوی وه .

په دی باب چې دغه خاوره د میلاد ی پیړیو په سرکي په څه نامه یادیدله لیکلي اسناد یوازې د اټکل امکان راکوی
په چیني تاریخلیکونو کې یې له ساتل شویو معلوماتو سره لویدیځو منابعو معلوماتو نه سمون ورکول موږدی ته اړ کوی چې یوئیچژ ی او تخار سره یوشی وګڼو البته د اشرط وړاندی کوو چې څپله د دراړ وولس یودي نه د دوی نوم نه او دا پخپل واردا معنا لري چې د کسروف په لرغونو هدیرو کی ښخ شوی مړي دهغه ولس وګړی دی . چی پراخ هیوادیي ضمناً په لرغونو زمانو کی دباختر یاپه نامه یادیده او بیا دتخار ستان په نامه یادشو .

دهم هغه پرا بلم (تخار یویچژي بله خوایوه پوښتنه ده چې دغوقبایلو په کومه ژبه خبری کولی ؟

زموږ دپیړی په اوایلو کی دختیځ ترکستان دساحی دتاریم دحوزی ، د تور فان د کوچه او کسره ښار د ښارو په خوا اوشاکی لوی شمیر اسناد موندل شوی چي په داسی ژبو دی چې د هغو دموجودیت په باب پخوا هیڅ ډول ګومان موجود نه وو لکه چي بیا وروسته ښکاره شوه . دغه اسناد په دوو ژبو لیکل شوی وو او هغه ژبی سره زیاتی نږدې او سره خپلوانی وی.

دغه اسناد دمیلاد ی څلورمی نه تر لسمی پوری منځ ته را غلی دی .

له دی وروسته د هغو ژبی له منځه ځی . معتبر اسناد د دی شاهدی ورکوی چي درغو ژبوویونکو خپل ځان وتخار یانو په نامه یاداوه همدارنګه په همدغه نامه ډیرو ګاوندیو ولسونو او دهغو په جمله کی تبتیانو یادول له همدی امله نو ی موندل شوی ژبی د تخاری ژبو په نامه یادی شوی . وروسته هغه له منځه لاړی او دهغو پاتی شونی چې په تخاری ژبویې خبر کولی رویګور یان ډګرز یدل .
په نولسمه پیړی کی هغه ژبپوهان چې دمجموعي مهمو ښنو نښانو له مخې داند وارو پایي ژبو په طبقه بندی بوخت وو په دغو ژبو کی یې دوی ستر ی څانګی سره بیلی کړې لویدیځه څانګه دوی د کینتوم (Kentum) په نامه یاده کړه او ختیځه څانګه یې د ستم (Satem) په نامه یې وبلله . په لو یدیځه څانګه کی یې ضمناً جرمنی ، رومانی کیلی ژبی را غلی ژبی راغلی اوپه ختیځه څانګه کی یې بالتو سلاو یانی وار میا نی او داسی نور ی راغلی . کیدای شی تصور وشي چې ژبپوهان څومره حیران شول . کله چې دوی ته څرګنده شوه هغه ژبی چی ویونکی یی په هغو سیمو کی میشته دی چی داند وارو پایی ژبو په نهایی ختیځه پوله کی میشته دی یعنی ، تخاری ژبی دخورا ډیرو مهمو نخښو نښانو له مخی د دغو ژبو دختیځی څانګی په پر تله دلویدیځ څانګی یعنی ددکنتوم څانګی سره ډیر نږدې والی لري .
ښکاری چي دوړاندې شوو څرګندونی په رڼاکی به له چاسره په دی باب دکتنې وړانکار له پاره کم ځای پاتي شوای وای چي تار یخی تخار یانو په همد غه تخاری ژبو خبري کولی که په هغو موندل شویو لیکلو آثاروکی چې دکو شاني امپرا توری وخت ته منسوب دی په اریایی او هندی ژبو دکتیبو ترڅانګه تخار ی متنو له هم لیدل شوی وای خوپه تخاری ژبو دلته هیڅ ډول کتیبو نه وی موندل شو ی . ځکه نوپه بیخی توګه نه شي کیدلی چې دا خبره له شکه ووځی چې په لیکلو منابعوکی دیادو شو دتخار یانو یوویچژ یانو آیا ناممکنه نه ده چی هغو ی په ختیځو آریایی ژبو . یعنی د خپلو پخوا نیو په ژبو او سینو پامیر ی پښتو . او سیتی او په خپلوانه تاجکی ژبه خبر ی کولی نو آیا کیدای شي په دی باب لرغو نپوه څه ووائی ؟

ښکاری چې دلرغونو هدیرو په پلټنه کی که لرغونپو هان دلرغونو آریا نیانو دښخو نو له داسی دودونو سره چې بیخی څرګندنه وای مخامخ شوی وای په هغه وخت کی کیدای شوه چې ویل شوی وای چې زموږ په مخ کی د دی په ګنه شواهد شته چې زموږ په وړاندې د اسی ولس دی چې د هغه . په باره کی موږ د مخه هیڅ معلومات نه درلودل . په اوسنی حال کی پیښه بل شان ده . دهغو قبایلو چې خپل مړی یی دکسیروف په لرغونو هدیرو کی ښخ کړی دی که له هغو دودونو سره یې دودونه پرتله ،شی د کومو له مخی چې آریانی کوچی قبیلو داستو ګنی په لویدیځه سیمه کی خپل او خپلوان ښخول له دی څخه یوازې یوه قاعده استثنا ده چې د کسروف – دریم په لرغونی هدیره کی داحاطی دځایو لو له پاره موندل شوی ده . دلته دزنځیر په شمالی برخه کی سړی داسی پراته دی لکه په جنوبی کی ښځی دی .

دلرغونو آریا نیانو په باره کی هیڅ ډول داسی افسانی یا مذهبی متون څرګند نه دی چې د هغو له مخی استنباط شي چې ددوی په نزد

شمال دمړانی له سختی (کلکوالـــی) اوِ جنوب د(نرمی) (لندبل) دښځیتوب معنا ولری .

په ورو ستیو کلو نوکی دازیاته راپه ډاګه کیږی چی په قبل المیلاد ورو ستیو پړیو او په میلادی لومړیو پیړیوکی د باختر یا ، تخار ستانپه تاریخ کی په خاصه توګـه مهم رول ددغه هیواد ختیځو سیمو . داو سنی کولیاب ایالت اوداوسنی افغانستان ګاونډیو ولایتو نو لوبو لی دی .
داسی چی ، فرخارته نژدی دپنځ په جنوبی غاړه‌کی . هتله چی دهغه کین مـر ستیـا ل د کو کچی سیند ورتویږی دفرا نسوی لرغون پوهنی د هیأت له‌خوا یوستر ښار کشف او په پوره اندازه وڅیړل شو چی پـه (ـ٤ ـ ٢) ق م پیړ یوکی ودان‌و او **بایدډکریکو باختردواکمنی په‌وروستی** پړاو کی ددغه دولت پای تخت وی. (دغه ښار دآی خانم په نامه شهرت لری ،مترجم)زمـوږ پـه فکـر دق.م ددویمی پیړی په‌پای او په‌لو مـړی (ق . م) پیړ ی کی همد لته ، داو سنی کولیاب په‌ایالت اودافغا نستان په ورسره نښتو ولایتونوکی دلیکلو منا بعو له مخی موږ ته دکوشا نیاپه نامه څرګنده شاهی درا تلو نکـی د زړی‌و .

تراوسه پوری یوه لرغونی هدیـــره بشپړه راسپړ له شوی‌ده . دویمه‌یی تر نیمائی پور ی . یوه په دووغوند یوکی او بله په دریو غوند یوکی د غونډیو نوی پلټنی د پخوا نیو حـــل غوښتو نکو پوښتنو ځواب دی . خـو هغه په‌خپل وار نوی پوښتنی رامنځ ته‌کوی . زیاتی یی په دی پوری‌اړه لری چی په خپل کار کی به زمـو ږ انترو پلو جست تاتیانا پتروونا کیـا تکینا څه نتیجی تر لاسه کړی . ډیر ژرنوی موسم‌پیل کیږی هیله من‌یوچی هغه به له بربا لیتوبونو سره‌وی. په هرصورت له تیرو موسمو نوڅخه به‌یی بریالیتو بونه کم نه وی .

پاور قی

۱ ـ دیش ـ دیس = ځای سیمه ،وطن ، دیشین ، ځای ، سیمیزه‌وطنی(مترجم)
۲ ـ ګـر یـف ا و ګـر یغـو ن‌په لرغونو افسانو کی الوتو نکـــی‌زمری دی چی سریی د ګور بـت دی (متر جم)
۳ هغه افسا نوی بلاچی له خولی‌اورغورزوی خوله یی‌دزمری ، لکی‌ئیی‌دښامار تنه یی دوزده (متـر جـم)
۱ ـ کـــو لیـــا ب د شـورو ی‌تاجکستان د پا میتـــرا تای په غربی‌سیمه کـی یوښار دی چی د ۱۹۸۱ کال دسر شمیر نی له مخی (۵۹)زره‌نفوس لر ی ښـــــار له ۱۹۳٤ کال‌راهسی ایالتی مرکـز ګرزیدلی دی دتول ایالات ساحه دولس زره مربع‌کیلو متره او نفوس یی د ۱۹۸۰ له‌مخی (٤٦٧) زره دی مترجم)

ژباړو نکی ـ هلالی
لیکو نکی ا ـ ل . عبد الایف

د پنـــج حفریـــات

دعلمی ، تخنیکی انقلاب ، دصنعتی تولیداتو اومثمری کرنی په برکت ، نن ورځ دپنج وادی زموږ د جمهوریت د پنبی کرلو یوه له سترو سیمـــو ځخه ده . په دی سیمه کی داوبـــو لگولونوی کانالونه کیندل شوی‌دی ، نوی کلی ودان‌شوی‌دی ، چی‌مستریح‌او مجهز استو گنځی لری . ددی بدلونو نو په نتیجه کی داسیمه تر پخـــوالا ډیره ښکلی شو ی ده .

د دی بدلونونو په ځنـــگ کـــی ، ددی سیمی دتاریخی آثارو ساتنی‌ته خاصه پاملرنه کیږی . د پنج سیمه له پخواځخه دمنځنی آسیا دیوی غوږ یدلی او له فیضه ډکی سیمی پـــه حیث گڼـــل کیده او خلکو له پخوا ځخه دغـــه حا صلخیـــــــزه سیمه خوښوله . په دی وادی‌کی دښارونو او کلیوپه سلگونو لویی اوورې کنډ والی پرتی دی ، چـــی د دی وادی د تاریخ بی‌خولی اوبی‌ژبی شاهدان‌دی.
ددی سیمی‌مرکزی‌کنډوالی په دی‌ډول دی : فیض آباد کلاد ((سرحد چی)) کلخوز په ساحه کی ده ، کیك تپـــه او قزل تپه د ((راه لینین)) کلخوز په سیمه‌کی ، توردیش علی اوفیض آباد کلا ((دمی لومړی ورځ)) کلخوز په ساحه کی دی . دغه کنډ والی‌په لرغونو زمانو کی د گڼ شمیـــــــر او سیدو نکو غوړیدلی ودانی‌وی چی‌خپل پیچلی اجتما عـــی او سیاسی پـــرا بلمونه یی درلودل .

دلرغون پیژندنی حفریات اوپلټنی چی په دی برخه کی ترسره شـــوی دی ، په څرگند ډول داښیی چی ددی وادی ساحه څومره‌آباته‌وه اوڅومره گڼ شمیر نفوس‌یی درلود . موږدلته دگریکو باختری او سترو کوشانیانو دوخت قشرو نه ، د کوچـــی مالدارو غونډی ، د ساما نیانو او تیمور یانو دسترو جنگونو دوخت ودانی ، وسلی لیدلای شو . سر بیره پردی ، په‌دی وادی‌کی‌یو‌گڼ شمیر‌کانالونه موجودوو چـــی دا حا صلخیـــزه او غـــوړ یدلی سیمه یی خړوبو له لکه‌شکر کلنگی . حلقه یار ا و یانگی . په لرغو نـــی زمانه‌کی دغه کانا لونه هریومستقل کانال‌و ، خوپه نږدی تیر وخت کـــی دغو ټولو کانا لونو دپنج ځخه ســـر چینه اخیستله . کانا لونه راسپړل شوی ، خوځینی‌یی دنوو کانا لونـــو دایستلو په وخت کی قسماً تخریب شوی‌دی . خصوصاً دشکر‌کانال ډیره صدمه لیدلی‌ده . دشکر‌کانال ترهغه تیراس لاندی تیر یږی . چی واد ی دختیځ ، شمال لوری‌ځخه احاطه کوی.

د لرغون پیژ ند نی د معلو ماتو او مدارکـــو پراساس د دی کانا ل د جوړ یدو وخت دمیلاد نه مخکی ٥ـ ٣ پیړیو ته رسیږی . ښایی، په هغه وخت کـــی به د شکـــر د کانال سره دپور تنیو یاد شوو کانا لونو له جملی ځخه کوم یوبل کانال هم‌موجودو . سر بیره پردی دووکانا لونو ، په ډیر را ورو ستـه تاریخی مرحلو کی ، کله چـــی داباتو مځکـــو ساحه پراخه شوه او د شکر دکانال او به‌دوادی دآباتو مځکودخړوبو او دپاره کافي نه وی ، نور کاڼالو نه هم وایستل شول . اوس داسي فکر کیږی ، چی ځلور ستـــر کانا لونه ایستل شوی وو ، چی دهر ستر‌کانال ځخه بیالس کوچنی ځانگی غزیدلـــی وی . دغه معلو مات نه‌یوازی داچی دلرغون پیژ ندنی دمدا رکو پراساس د تائید وړدی ، بلکی لیکلی آثارهم دغه معلومات تائیدوی ، په کوموکی چی دیوه یابل کانال دا یستلـــو یا پاکولو په برخه‌کی معلو مـــــا ت وړا ندی شوی دی .

غواړم دلته دیوه په زړه پـــوری حقیقت یادونه وکړم ، چی‌ددی وادی دار کیالو ژیکی آثارو د مطا لعی په نتیجه کی را ځرگند شوی دی . په کیندل شوو اکتشافی ځاهانوکی دیوه یابل تاریخی اثر دنیتی د ټاکلـــو په وخت کی د میلاد نه مخکی د ٣ ـ ٢ پیړیو دودانیو بقایا په مشخص ډول تثبیت شوی‌دی . مگر موږ د میلادنه مخکی د ٦ـ٥ پیړیو مشخص قشرونه ونه موندل . ځکه نودامسئله طرحه شوه چی دمیلادی‌نه مخی د٦ ـ ٥پیړیو آو تردی لادپخوانیو د ورو قشرونه پیدا کړو . پخوا موږ په کیندل شوو برخوکی دمیلاد نه مخکـــی د ٦ ـ ٥ پیړیو خاورین مواد پیدا کـــړی وو ، خودغو موادو دژوندا نه دسطحی یا ودا نیو سره ارتباط نه درلود . په ورو ستیو کلونوکی په دی پلټنوکی بریا لیتو بونه ترلاسه شول خبر داده . چی دپاسنی تیراس (چی دپنج پروادی را گرځیدلی دی) داآباتیدو اواوبو لگولو کار پیل‌شو ، اودی‌کار دلر غون پیژندو نکوکار تسریع کړ . په همدی ار تباط تصمیم ونیول‌شو چی پاسنی برخی وڅیړل شـــی . د

تیراس د ښنډو د دقیقو کتنو په نتیجه کی د میلادنه مخکی د ٦ـ ٥ پیړیو یولړ زیات آثار وموندل شول دغه آثار ، په عمده‌ډول ، دوادی‌په ختیځه برخه کی ، چی دبا یتو دشت په نامه یادیږی ، واقع دی . په همدی برخه کی تراتوزیات ځایونه ثبت شوی دی چی دښار نو او کلو کنډ والی دی دا څرگنده ده ، چی دمخه تردی هم موږ دا قصد درلود چی په پاسنیو تیرا سونو کی پلټنی پیل کړو ، خودا کروند گروکار زموږ د پلانونو د تحقق پرو سه تسریع کړه .

خبره داده ، چی‌داو سپنی دپیړی په لومړیو وختو نوکی ، اوامکان‌لری چی تردی لاپه ډیرو پخوا نیو مر حلوکی ، خلکو کوښښ کاوه چی‌خپل کورونه او ښارونه پر طبیعی لوړو ځایونو او په داسی برخو کی جوړ کړی چی طبیعی دفاعی حالت ولری . داسی ځایونه ، چی‌په سل‌کی ٥٠ـ٦٠ دفاعی حالت یی طبیعی موقعیت تأ میناوه ، او په دوو ښنډوکی به‌یی پاڼ درلود او ددفاعی استحکا ماتو د جوړ ولو دپاره یی زیات زحمت او زیات لگښتو نه ایجابول . د بایتو دشت پرلوړ تیراس دښارونو اوکلو سپړل شوی کنډوا لی د دی مثال کیدا ی شی .

دبایتو دشت دتیراس دختیځی برخی د سطحی ساحه لس کیلو متره اوږ دوالی او ١ ـ ١٨ کیلو متره پسور لری‌چی‌په ژوروشیلوسره کندی‌کندی شوی‌ده . دپان په ښنډو اودشیلوپه وتوځی کی داوسپنی دپیړی دلومړیو وختو نو آثار ، دښارونو او کلو کنډ والی پرتی‌دی . له دی‌ډلی څخه ډیری ستری کنډو والی یی بایتو دشت ٢ او بایتو دشت ٤ دی ، چیری چی اکتشافی ځاهان کیندل شوی او حفر یات کید ل .

په ١٩٨٣ کال‌کی دشوروی تاجکستان دعلومو أکادمی د دانش په نامه د تاریخ د انستیتوت د پنج دلر غون پیژندو نکودډلی (دجنوبی تاجکستان لرغون پیژند نی ډله) اساسی کارد بایتو دشت ٤ دکنډ والی په حفریاتو کی متمرکز شو . ځکه چی دا ددی سیمی دسترو تاریخی آثارو څخه یو تاریخی اثر دی .

دبایتو دشت ٤ کنډ واله دکوردر ی د شیلی پرښی غاړه پرته ده ، مکعب شکله‌ده ، اوساحه یی ١٦ هکتاره ده . داکنډ واله له ټولوخوا وو په‌طبیعی ژورو شیلو سره آحاطه شوی ده ، چی ژور والی یی د ٤٠ څخه تر ٥٠ مترو پور ی رسیږی او کنډ والی ته تیریدل مشکلو ی . یوازی په ختیځه برخه کی یی کنډ والی ته دورتګ یوه مخ پرلوړه‌نری لاره شته . په مدخل کی‌یی دخاورو دپوټی یوسد لیدل کیږی چی جګوا لی‌یی ٢ ـ ٣ متره ، او دخوند ی‌پاته شوی برخی اوږ دوالی یی ٢٠ متره دی . دکنډوالی سطحه صافه اوآواره ده ، یوازی په لویدیځه برخه کی‌یی ټیټ خاورین پوټی لیدل کیږی چی قطریی ٢٠ـ٣٠ متره او جګوا لی یی ٢ر٠ ـ٥ر٠ متره دی. په منځنی برخه کی،دپاڼ لوید یځی ښن.ی‌ته نژدی نسبتاً جګ پوټی غزید لی دی ،چی اوږدوالی ٢٥متره ، پسور یی ١٥ متره اوجګوالی‌یی ٢ ـ٥متره دی . په همدی برخه کی د ٨×٥په اندازه کیندنه شوی ده. دلږ یی ودانی داخلی برخی د کیند نی قسماً په نتیجه کی ، د ٧ × ٥ په اندازه د لویدیځ څخه په دختیځ پرلور غزیدلی ده دختیځ دیوال ور مدخل پیدا شوی دی .

د اودانی‌ځکه په زړه پور ی‌ده، چی د دیوا لو نو په اوږدو پوره پسورورو صوفه لری . د صوفی پاسنی سطحه په دواړو ښنډو کی ځینی کندی او ټیټ خنډو نه لری دصوفی په منځ کی یوه پسرو ره لاره تیره شوی ده.ددی لاری پای دیوی ټیټی صوفی سره چی پسو ر یی دهمدی لاری دپسور په اندازه دی، نښلی .کیدای شی چی دلته به‌عبارت ځای‌ؤ ، یاهم‌کیدای شی‌چی دتخت ځای به‌ؤ.خو تراوسه پوری دودانی لویدیځ دیوال نه‌دی سپړل شوی دصوفی سطحه اوتل په ښو ختو ښوی اوکلك پلستر شوی‌ؤ .

ددی ودانی بل په‌زړه پوری خصو صیت دادی ، چی دا ساسی ستنو (ستون) څخه په دواړو اوږدو دیوا لونوکی سطحی ژوروالی لیدل کیږی،

چی په متناظر دول په مسا و ی فاصله‌کی یودبل‌په مقابل‌کی‌واقع‌دی.

په ودانی‌کی خاورین لوښی تقریباً نشته بشپړه خاورین لوښی نه دی موندل شوی ، خویوازی دخاورینو لوښو یوه کمه اندازه ټوټی موندل شودی.دغه دخاورینولوښو ټوټی‌په مختلفو وختونو پوری اړه لری ، او دمیلادنه مخکی د ٦ ـ ٥ پیړیو مواد پکی لیدل کیږی ـ دپیالو ، کاسو او مټ ټوټی په گریکو ، باختری وخت پوری اړه لری . ټول حقایق او فاکتونه داتشخیص مشکلو ی ، چی داودانی دځه مقصد دپاره جوړه‌شوی ده . په مقدماتی ډول ویلای شو ، چی و دانی شکل او رغښت د وږدو او پسور ورو صو فو موجودیت داساسی‌ستنو شته والی، دخاورینولوښو نشتوالی،اجازه راکوی دا اټکل وکړو ، چی دغه ودانی د اجتماعی [illegible]وری مقاصدو دپاره جوړه شوی‌وه . داودانی دمیلادنه مخکی‌به ٦ ـ ٥ پیړیو کی جوړه شوی‌ده ، او دمیلادنه مخکی تر ٣ پیړ ی پوری استفاده ځنی کیده ، داساسی ستنود موقعیت او د داخلی برخی دنقشی‌له پلوه داودانی تر اوسه پوری دمیلاد نه مخکی د ٦ ـ ٥ پیړیو دمعمار ی په کومپلکس کی بی ساری ده . ددغسی نقشه دډیر وبدلونونو سره دکوشا نیانو په ډیر ړا ورو سته وخت‌کی لیدل کیږی . ددی بی‌ساری تاریخی اثر راتلو نکی حفریات به ددی ودانی نقشه واضح کړی ، نو هغه وخت به وکړای شو چی ددی ودانی پرمقصد قضاوت وکړ و .

دځوانو افغانی لرغون پیژندونکو په وسیله :

دمرنجان دغونډۍ څخه نوی برسیرونی

د تیرکال دتحقیقاتی څیړنو په دوام سږ کال (۱۳۶۳) د قوس په وروستیو ورځوکی دمرنجان د غونډۍ څخه زموږ دځوانو لرغون پیژندونکو په نه ستړیدونکو هلو ځلو سره ددوهم سانداژ دمقدماتی کیندنو په نتیجه کیچی په فنی ډول سره یی سرته ورسولی په زړه پوری لرغونی آثار له خاورو څخه راوایستل اولاس ته یی راوړل دغه آثار دګران هیوا دافغانستان دتاریخ دروښانه کولو په هکله ډیر اهمیت او ارزښت لری .

دا مطلب دافغانستان دلرغون پیژندنی لوی مدیر څیړونکی عبدالظاهر یوسفزی دمجلی خبریال ته دیوی مرکی په ترڅ کی څرګندکړ او زیاته یی کړه :

دهغه وخت راهیسی چی زموږ په ګران اولرغونی هیواد افغانستان کی دثور دپرتمین انقلاب ځلانده لمر راختلی دی دنورو اقتصادی ،سیاسی ټولنیزو ،کلتوری اوهنری فعالیتونو په څنګ کی دلرغون پیژندنی برخی ته هم زیاته پاملرنه شوی ده.

که څه هم د انقلاب ضد عناصرو او باندو نو دخرابی او خنډونو درامنځ ته کولو سره یی زموږ فرهنګی اوکلتوری میراثونو ته ضرر رسولی خو زموږ دانقلابی دولت له خوا په دغه برخه کی دطرحه شویو پروګرامونو دتطبیق کولو لپاره دهیواد په ګوټ ګوټ کی دلرغون پیژندنی تحقیقاتی څیړنی اوبیا ترمیم کولو او جوړولو هڅی روانی دی.

نوموړی زیاته کړه :چی تیر کال دکیندنو او څیړنو په لړ کی سږکال هم دهغه په دوام سره په ځینو ځایو کی ددو نیم متره او ځینو

د وزیرانو دشورا مرستیال ملګری ګلداد او ورسره ملګری یی چی دمرنجان دغونډۍ دعلمی څیړنو دکاردجریان څخه کتنه کوی.

نورو ځایوکی تردریو مترو پوری کیندنی وشوی دهغو په نتیجه کی دشیست دډبرو څخه جوړ شوی دیوالونه او ستوپی له خاورو څخه راو یستل شوی چی یوه ډیره مهمه ستوپه ئی چی دمنځنی ستوپی په نامه یاده شوی ده کشف او پیدا شوه چی دغه ستوپه د نورو پیدا شویو ستوپه سره پوره توپیر لری هغه دا چی نه مربع شکله اونه مستطیل شکله ده بلکه یوه زاویه لرونکی بڼه لری چی تر اوسه پوری مکمله نه ده راسپړل شوی تنها نیمایی برخه یی دجنوب اوتر نیمایی زیاته ئی دختیځ خواته د خاورو څخه را څرګنده شویده او ددی ستوپی دوه خواته په اندازه دیوه متر کوچینی ستوپی چه مربع اومستطیل شکلونه لری راسپړل شوی دی .

ښاغلی یوسفزی زیاته کړه : د لویی ستوپی اوکوچنیو ستوپو شاو خواته څو دشیست دډبرو څخه جوړ شوی دیوالونه او د بودا مجسمی چی دناستی په حالت کیدی لاس ته راغلی چی د لرغون پیژندنی له حیثه ډیر په زړه پوری اومهمی دی هیله ده چی په نورو څیړنو اوکیندلو کی لا زیات نور لرغونی آثار هم لاس ته راشی

همدی منبع وویل :چی دد ی علمی څیړنو دکار دجریان څخه په تیره اونی کی دمرکز ی کمیټی غړی او دوزیرانو دشورا مرستیال محترم ملګری ګلداد اودمرکزی کمیټی د تبلیغ زده کړی او رواجولو دڅانګی مسؤول محترم عبدالله سپتنګر دعلومو داکادمی مشاورینو اودمرکز و نورو رئیسانو اونورو علمی او مسلکی غړوکتنه وکړه هغوی ددی کتنی په ترڅ کی دا ډول علمی او تاریخی څیړنو څخه خوښی څرګنده کړه او دلازیاتی پراختیا او پرمختیا هیله یی وکړه.

PROPERTY OF ACKU S672

ترمیم برج شهرارا

به پیشواز بیستمین سالگرد تاسیس ح . د . خ . ا کار مرحله اول ترمیم برج شهرارا تکمیل گردیده وبه تاریخ ۱۵قوس ۱۳۶۳ درحالی که مشاورین، روسای مراکز علمی واعضای علمی ومسلکی اکادمی علوم ج. د.ا حضورداشتند توسطدکتور عبدالسیمع غفاری منشی شورای علمی اکادمی علوم ج.د.ا افتتاح شد.

دکتور عبدا لسمیع غفاری منشی شورای علمی اکادمی علوم ج،د،ا در حین افتتاح برج شهرارا .

برج شهرارا یکی ازآبدات مشهور شهرکابل ومربوط سده نزدهم میباشد که یکی ازنمونه های خوب هنرمعماری ومهندسی کشورما بحساب می رود این برج در اثر عدم توجه رژیم های گذشته بدست فراموشی سپرده شده وهمه ساله قسمت های ازآن درمعرض تخریب وویرانی قرار داشته وخطر انهدام آن موجود بود .

ترمیم وباز سازی برج شهرارا بر مبنای پیروی از پالیسی فرهنگی حزب ودولت انقلابی مااز طرف ریاست باستانشناسی اکادمی علوم درماه جوزای سال گذشته دردو مرحله روی دست گرفته شده دراثر کار وفعالیت پی گیر متخصصین جوان انستیتوت باستانشناسی طی این مدت به حجم دوهزار مترمکعب خاك که طول آن به یك صدو بیست متر وارتفاغ آن به پنج متر می رسید از جنب برج برداشته شده وبه حجم دوصدو پنجاه متر مکعب سنگ کاری، کانکریت ریزی پلستر کاری وخشت کاری درحصه فوقانی دیوار ورواق های آن انجام یافته است.

در نتیجه کاوش های انجام شده دیوار اصلی برج مذکور به طول ۱۱۲ متروارتفاغ تقریبا چار متر به حالت اولی خود درآمده . دیوارمذکور که باگذشت زمان در اثر حوادث گوناگون تخریب گردیده بود دوباره توسط معماران انستیتوت باستانشناسی مطابق به نورم های باستانشناسی ترمیم گردیده وباید گفت که این مرمت کاری از تخریب مزید برای چند سال دیگر جلوگیری خواهد نمود .

ناگفته نباید گذاشت که کار مرحله دوم ترمیم برج شهرارا در آینده نزدیك روی دست گرفته میشود که این برج تاریخی رابه صورت اصلی آن احیا خواهد کرد.

باستانشناسی افغانستان

نشریه ششماهه انستیتوت باستانشناسی
اکادمی علوم جمهوری دموکراتیک افغانستان

شرح اشتراک سالانه

داخل افغانستان ۳۵ افغانی

خارج ذریعه پوسته هوایی ۱۲ دالر

〃 〃 〃 زمینی ۶ 〃

محصلین 〃 〃 هوایی ۱۰ 〃

〃 〃 〃 زمینی ۵ 〃

قیمت یکشماره (۲۰) افغانی

آدرس: دارالغون بیرنده انستیتوت
قلعه فتح الله - کابل افغانستان
تیلفون: ۳۱۳۱۶

مدیر مسوول:
محقق محمد نعیم جیلانزی

معاون:
معاون محقق زمری محقق

هیات تحریر:
محقق عبدالواسع فیروزی
محقق صدیق الله عتیق زوی
محمدعلی توفیق

Archaeological Research Bi-annual Magazine

Director and Editor
M. Naim Jailanzai

Annual Subscription
In Afghanistan Afs. 35
Foreign Countries
By Air $12
By land $ 6
Students :
By Air $ 10
By land $ 5

Address:
Afghan Institute of Archaeology
Qala-i-Fathullah
Kabul-Afghanistan.
Tel. 31316

Afghanistan Archaeological Review

Democratic Republic of Afghanisar.
Academy of Sciences

Six Monthly (Vol. 12-No.2) March-1985

Government Printing Press